

فهرست

- 1- تقدیم □ صفحه 1
- 2- درآمد □ صفحه 2
- 3- مقدمه □ صفحه 4
- 4- نظرات حضرت امام (ره) □ صفحه 8
- 5- نظرات رهبر معظم انقلاب □ صفحه 18
- 6- نظرات حجة الاسلام خاتمی رئیس جمهور □ صفحه 35

- 7- مصاحبه آیت‌الله صانعی □ صفحه 46
- 8- مصاحبه آیت‌الله جناتی □ صفحه 55
- 9- مصاحبه آیت‌الله معرفت □ صفحه 67
- 10- نظرات آیت‌الله اردبیلی □ صفحه 74
- 11- استفتاء از آیت‌الله مکارم □ صفحه 77
- 12- سخن آخر □ صفحه 79

بسمتے

تقدیم به پیشگاه جوانان ایران همیشه با ایمان

تقدیم به تو ای سرو نو شکفته میهن.

توئی که شعله‌های پر فروغ گرمی ایمان و صفای محبتت همگان را به چون تو بودنی
میخواند.

قلم در ترسیم دریای وجودت چونان پر کاهی است، اسیر و وامانده که در تلاطم امواج
سرکشت به‌تمشای همت بلند و حق جوی تو نشسته.

می‌دانم که،

آنانکه نرسیده‌اند، شو شدن،

و آنانکه گذشته‌اند، یاد بودن،

ایشان را استوار داشته.

چرا که تجلی بود و هست شدن در ممکنات جوانی است.

و شاید رمز بقای ابدی بهشتیان جوانی است، چرا که ساکنانش جوانانند.

پس درود خدا و همه بندگان صالحش بر جوانان سرافراز ایران اسلامی مان.

«فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»

درود و بشارت بر کسانی که سخنان را گوش فرادهند و بهترین را برگزینند.

سالها بود که در انتظار چنین لحظه‌ای روزشماری می‌کردم چرا که دوست داشتم حامل پیامی خوش و سخی والا از منادیان و مبلغان راستین وحی مبدأ هستی برای جوانان مسلمان وطنم باشم، بهترین راه را در آن دیدم که به استناد آیه‌ای که ذکر شد پیام آنرا نصب‌العین قرار داده و لحظاتی چند عزیزان کنجکاو و پر از سؤال را با سخنانی روبرو سازم و هم ایشان را در کوی‌قضاوت نشانده تا خود از میان سخنان طرح شده با دقت و توجه سخن و فرمان آسمانی را درک و به نتیجه دلخواه و مرضی حق دست یازند. در این مجموعه که پیرامون مسائلی مانند: هنر، لباس، رنگ، مد، نوع، آرایش مو، موزیک، کف زدن، سوت کشیدن حجاب، نگاه کردن زن و مرد و ارتباط این

دو جنس مکمل به یکدیگر مطالبي جمع آوري شده شايد بتوان روح خود را به گونه اي با دعوت حق همگام نماييم که با بهره وري از موهبتها و نعمتهاي خدادادي از پلشتيها و زشتيها خود را دور ساخته و براي رشد و تعالي و شکوفايي تلاشي فراتر از سستي فراهم آوريم.

آنچه تاکنون بدان دست يافته و اعتقاد پيدا کرده ام آن است که هيچ يك از جوانان ايران اسلامي سعي در آزدن روح و سقوط در منجلا ب رذالت و خودکشي در وادي پوچي نداشته و نخواهند داشت، و تا زماني که مناديان دين تئوري ساده دين داري و همگامي دين بر اساس مقتضيات زمان و مکان با دنياي امروز را از چهارچوب معادلات فشار و سختگيري بي جا جدانسازند حال و روز همه طبقات سني و نه فقط جوان، گريز از معرکه آراء و نظراتي خواهد بود که هرگز شايد مصداقي هم براي تعيين در طول حيات بشر پيدا نکرده و در صحنه وجود ساحلي نيافته اند.

در آمد

مجموعه حاضر تلاش نموده نظرات و آراء بزرگاني را فراهم نمايد که سهم به سزايي در فرهنگ سازي و تعالي و بالندگي اجتماعي و پيام آوران هميشه تاريخ و دعوت کنندگان به سوي حق بوده، نه آنکه دستي از دور بر آتش داشته و بلکه وجود خود را وقف جامعه اسلامي و رشد آن نموده و مي نمايند.

در اين ميان سکان دار کشتي انقلاب حضرت امام خميني (ره) سلسله جنبان دلسوختگان و ياور مستضعفان جهان ستاره اي است که فقط ما غروب ظاهري آنرا بياد داريم و بس در حالي که روي سخن آن بزرگ هميشه به جوانان با عناوين همچون «اميدها و نويدهاي من» بوده و با افتخار از قشر جوان و نوجوان کشور اسلامي ياد مي نمودند، همچنين رهبر

فرزانه انقلاب که دوران جوانی خود را در کوران مبارزات و یاری رساندن به امداد خواهان گذرانده نیز هملاتی بس سترک و حکیمانه را به ملت ایران هدیه نموده و اعتقاداتی را بر زبان جاری ساخته‌اند در این میان رئیس‌جمهور محترم در طول دوران مدیریت وزارت ارشاد و پس از آن که خود نمونه‌ای از جوان مداری است و هم او پشتیبانی صدیق برای قشر جوان کشور محسوب می‌شوند نیز کلمات و سخنانی را بیان داشته که انتظار می‌رود با گوش جان سپردن به این بیانات گوشه‌ای از درد جامعه و سنگینی بار مسئولیت و شناخت اسلام را بتوان تبیین نمود.

در همین راستا مصاحبه‌های اختصاصی و ویژه با تعدادی از مراجع و مدرسین بنام و بزرگوار حوزه علمیه قم می‌تواند خواننده محترم را با روحیه و نوع تلقی مراجع دینی از جوان و جوانی و مسائل روزمره او آشنا سازد.

در این گفتگوها سعی شده بدون ایجاد هیچگونه زمینه قبلی سئوالات بی‌پاسخ و گهگاه پاسخ‌دار پر از ابهام را به ترسیم کشیده و با دقت و تعیین مصداق در قالب زمان و مکان فعلی مخاطب را به جوابهای روشن و صریح نزدیک سازد، آنچه که بسیار اهمیت دارد توجه شاخوآوانندگان عزیز به پاسخهای دلسوزانه و پدران‌ه این بزرگواران می‌باشد که فقط به بیان حکم شرعی بسنده ننموده و توضیحات و سفارشات را در کمال متانت و با دنیایی از امید به فردای بهتر برای جوانان کشور ارائه فرموده‌اند، هرچند هر یک با دیگری در برخی موارد اختلاف دارند ولی انسان فهیم و عاقل آن است که دل عقل خود را به کلام برتر سپرده و بهترین را برگزیند.

مقدمه مؤلف

مقدمه

پس از گذشت بیست سال از انقلاب اسلامی و گذر از دورانهایی پر از فراز و نشیب هنوز به ظاهر برخی ابعاد ساده اجتماعی در گردونه تفکر شرعی پاسخی برای خود نیافته و همین امر باعث شده که بر پیشانی دین مهري بنام سختگیری و فشار زده شده و در گام نخست، توقفي کامل، روی آورندگان به دین را مأيوس از ادامه راه بنماید باید از خود و همه مبلغان دین سؤال شود چرا هنوز ملک و میزان ارزشی و دیدگاه دین در خصوص نوع لباس و رنگ آن در جامعه ما روشن نیست؟ و آیا میتوان فقط با کلماتی همچون لباس شهرت حرام است و یا پیش کشیدن بحث آن نانوشته سلیقه ای سعی در پاسخ و عدم تعیین روشن و دقیق موضوع و یا احاله آن به خواست معقول جامعه همانگونه که در برخی روایات (از جمله در کتاب وسائل شیعہ) بیان شده نمود. به طور مثال آنگاه که سؤال میشود از نوع لباس، حضرت امام صادق (ع) میفرمایند «خیر لباس کل زمان لباس اهل» و یا در خصوص رنگ لباس مشاهده میشود ائمه علیهم السلام بسیاری از رنگها را به عنوان رنگ لباس و پوشش برمیگزیدند و استفاده از آن را یک تشکر از خداوند متعال محسوب می داشتند. رنگی که ما جلف می پنداریم یکی از مستحبات در پوشش و کفش و نعلین نام برده میشود و این خود خط بطلانی است بر همه باورهای غلط و تعریف از رنگ سفید و سبز به عنوان شعار فرد مسلمان و شیعه مسلم معارف دینی ما میباشد، اگر رنگ سبز و رنگهای نظیر آن جای خود را به رنگهای سنگین نمیدادند شاید جامعه شادابی و طراوت دیگری به خود میگرفت و شاید این روآوری به رنگهای تیره مربوط به نگرش دین نیست بلکه چون جامعه پدر سالار و مهمتر سالار ما از گذشته دور بر اساس رنگ دلخواه حاکمان سنی پادر رکاب گذاشته و ظاهر گردیده ناخواسته تیره پوشی جزوی از آداب عرقی و سپس دینی ما محسوب شده؛ مقصود ما آن نیست که رنگهای تند و یا تیره بپوشیم و به آن سفارش کنیم بلکه چنانچه شأن انسان در پوشش رعایت شود هر رنگی در جای خود و در شرائط لازم قابل ارائه و در خور پوشش است و حال برای یک چنین چیزی که اصل آن هنوز معلوم نیست دینی باشد توسط برخی دینداران کج سلیقه جزو اصول قطعی محسوب میشود.

شهید مطهری در خصوص کت و شلوار و کلاه و برخی دیگر از لوازم پوشش میفرماید:

دیدگاه عرف دیگر این لباسها را خودی میداند و هرگز برای آن واقعی متفاوت و خارج از شأنجامعه اسلامی قائل نمیشود، چراکه این مطلب مربوط به زمانی است و با ورود اطلاعات و خودی شدن يك فرهنگ (پوشیدن برخی لباسهاي غير ايراني) دیگر جای ندارد که ما از آن احتراز نماییم هرچند که روند خودی شدن يك فرهنگ در گذشته به واسطه طول مدت نفوذ آن بسیار کند می‌نموده ولي هم‌اکنون در این بازار داغ انفجار اطلاعات، ورود و معمول شدن يكپوشش در جامعه نیاز به زمان کمتر و مدت کوتاهی دارد و حتی مندرس شدن این نوع لباس‌آنچنان گذرا است که فرصت تغییر را هم از دست می‌دهیم با این وجود نمی‌توان جوان خود را از داشتن پوشش مناسب بازمان خود بازداشت و او را به سلیقه‌هاي گذشته و ادار نمود هرچند که تذکر دوباره این مطلب شاید ذهن برخی را از انحراف در کلام آسایش بخشد چراکه اسلام و نه من بلکه اسلام تأکید و سفارش می‌نماید در نظر گرفتن شئونات انسانی و فرهنگ جامعه خود یکی از اصول مهمی است که باید فرد مسلمان بدان توجه نماید اسراف در تکرار و خرید لباس‌هاي متنوع و گوناگون در حالی که بخشی از جامعه ما هنوز برای تهیه لباس کودکان خود دچار مشکل می‌باشد از حد انسانی و شأن بشري به‌دور است و در سایه عطفیت دینی می‌توان با کمک و دستگیری به‌پوشش مناسب با زمان و مکان خود هم دستیافت و این همان شأن يك فرد مسلمان است.

این داستان در رنگ لباس و آرایش موی سر برای مردان هم جاری است همانگونه که خواهید خواند در منابع اسلامی سفارش و تأکید شده که جوانان موی بلند داشته و آنرا خوبنگهداری نمایند چرا که این زینتی است خدادادی و بس زیننده و حتی در خصوص پیامبر اکرم (ص) روایات متعددی وجود دارد که موی مبارکشان تا نرمی گوش می‌رسیده و پیامبر (ص) هر روز آنرا شانه می‌نموده و با عطر و برخی از ادوات دیگر آنرا حفظ و تزئین می‌نمودند،

کتابکافی و وسائلالشیعه پر است از این روایات در این حال نباید آنچه که برای خود مصلحت می‌بینم برای همه جامعه سفارش و مصلحت بیانگاریم.

صدا، البته باید توجه کنیم که اسلام دستور و سفارش اکیدش بر ترک بی‌خیالی و بی‌توجهی به اطراف و جامعه و ذات اقدس پروردگار است و بس و اگر این زینت دادن به خود ما را از امورپراهمیت دیگر باز می‌دارد باید از شدت توجه به زینت باید بکاهیم و بی این فقط از باب

مقدمه مؤلف

قاعده‌الاهم فالاهم بوده و پس از گذر از اهمیت زمانی آن باید از خود و نعمت خداداد بهره‌ور شویم، و نباید با تعارضات سلیقه‌ای و عرفی خود به جنگ جوان مسلمان خود رفته و او را از هرچه دین‌داری به این سبک است فراری دهیم.

پرداختن به مسئله حجاب و پوشش یک زن مسلمان که خود قصه‌ای دراز دارد بسیار ما را آزرده خاطر می‌نماید به‌ویژه که در برابر فریادهای علامه شهید مطهری در سطر سطر اثر جاودانه‌اش در پرداختن به معنای ساده جلباب و پوشش می‌بینم عده‌ای همچون کران و کورانی فقط سعی در نفی وی نموده و می‌نمایند مگر نه این است که اسلام نظر به پوشش زنان مسلمان بالغ به هر دلیلی که فعلاً جای بحث آن نیست دارد، پس این قیودات اضافی و اعمال سلیقه‌های گوناگون از کجا و برای چیست که یک دختر مسلمان و تازه بالغ در گرداب چگونگی آن و فرمانهای مکرر و بدون دلیل و پشتوانه فقهی و فقط مبتنی بر عرفی ناپایدار باید انواع پوششهای مختلف را بر خود تحمیل شده بیابد، اگر زن مسلمان ما بتواند نظر قرآن را همانگونه که توسط شهید محراب تفکر استاد مطهری برآورده نماید

دیگر انتظاری از وی به پیچ پیچ کردن لباسها و انباشته کردن آن نخواهیم داشت در مسئله رنگ حجاب شما می‌توانید به سخنان حضرت آیه‌... جناتی استاد بزرگوار که در پی خواهد آمد دقت نموده و خود قضاوت نمایند.

از همه رنج‌آورتر آنکه وسیله‌ای که سالها در خدمت بشریت دین‌دار بوده هم اینک خود نوعی بی‌دینی محسوب می‌شود، هنر که در خدماتش به دین هیچ جای تردید نیست می‌بینیم به واسطه سوء استفاده برخی از نااهلان آنچنان مغضوب مقدس مآبان می‌گردد که با تأثیر عمیق و فراوان سعی دارند دین را از این سلاح کارا و مهم محروم نمایند و جاودانگی آنرا به فرصتهای گذرا تبدیل نمایند.

سفارش رهبر فرزانه انقلاب در این زمینه آن است که برای ماندگاری و جاودانگی یک فرهنگ و یک ارزش مثبت آنرا در کارگاه هنر برده و بیمه نمایند، قرآن اثر جاودان خداوند متعالیک اثر هنری است، سخنان و اعمال پیامبر اکرم و ائمه اطهار(ع) هنرمندانه انجام می‌گیرد تا

مقدمه مؤلف

جاودانه شود و جنگ ما در دفاع از ستمکشان و پابرهنگان با آثار هنری توانایی ماندن و بقاء رامی‌یابد اگر کمی با نگاه پر لطف سید شهیدان اهل قلم بنگریم عمق قدرت و توانمندی هنر را درک خواهیم نمود، در جای جای ادبیات ماندگار بشر، هنرمندی سخنران و نویسنده نور افشانی می‌کند، و امام عاشقان در تقدیر از هنرمندان متعهد آنچنان قلم می‌راند که شاید خواننده تصور می‌کند در برابر لشگری سراپا ایثار و فداکاری این جملات به رشته تحریر درآمده و در این میان تراژدی موزیک هم بسیار شنیدنی است چراکه آنچه تاکنون در ملاک حرمت بیان شده مناسبت با مجالس لهو و لعب است ولی غافل از آنکه موزیک در سالن متخصصین فن اعم از صوت انسانی و صدای آلات موسیقی است در حالی که غنا فقط مختص به صوت ویژه بشری است از طرفی می‌بینم که بزرگوارانی

همچون حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در پاسخ به ریاست صدا و سیماي وقت با کیاست لازم تقریباً همه موزیکهای آنرا بلا اشکال / می‌انگارد و حتی مقام معظم رهبري در اصل آن اشکالي طرح نمی‌کند ولي از آن جهت که موجبات وسیله تخدیر فکري و بی‌توجهي به مسائل جاري جامعه شود هشداري بجا به جوانان می‌دهد، چرا باید تاکنون نتوانسته‌باشیم جوان خود را نسبت به این مسئله روزانه و بسیار کم‌اهمیت توجیه کرده باشیم و با اختلافات بسیار بی‌پایه برخی، ملاکي به‌دست وي نداده و موجب شویم با موضوعي پر اختلاف همچون موزیک وي را از اصل و متن دین دور ساخته تا بدانجا که وي باقی فرامین را به‌همین صورت‌پنداشته و خود را از آن بري بداند.

اختلاف آراء خود مرحمتي است بس عظیم به جامعه شیعه که موجب می‌شود رشد و تکامل و نقد و بررسی مجدد، حیاتي دوباره به کالبد مذهب فرو ریزد ولي مگر می‌شود با اگر و ولي واحاله‌به ملاکهاي نامفهوم و دور از دسترس و خالي از پشتوانه منطقي و عقلي جامعه‌اي را اداره نمودهم‌اینک سخن در این است که باید فکري کرد و آستيني بالا زد چراکه این راه نیاز به شهیدی دیگر همچون مطهري دارد تا با تسطیح مسیر و برداشتن موانع روح جوان ما را بنوازد و نسیم عطر آگین‌پیام اسلام را به مشام همچو مردگان برساند. از میان این معرکه تکلیف سوت کشیدن و کف زدن بسی سخت‌تر و مشکل‌تر می‌نماید چراکه تشبیه نمودن سوت کشیدن و کف زدن به عبادت در کنارخانه خدا شاید خالي از وهم نباشد، همانگونه که گفته شد رعایت شأن نیاز به تفسيري روزانه دارد

مقدمه مؤلف

چراکه شأن و شئونات مسئله‌اي است عرفي و عرف هم بر امواجي ناپایدار کشتي می‌رانند پس یاباید دقیقاً بر مسند رای و نظر نشست و مسلمان را از حکم قطعي آن آگاه کرد و یا با دادن ملاکهاي کلي تشخیص آنرا به‌دست خود افراد داد و اینقدر در ریزترین و خردترین مسائل اجتماع که شرع هم‌بدان فرمان نداده دخالت ننماییم.

البته در این میان همانگونه که خواهید خواند فقهای هم داریم که کف زدن و سوت کشیدن را بی‌اشکال دانسته و فتوا نیز می‌دهند.

در این بخش از سخن باید مطلبی را طرح و از آن دفاع نماییم، اکثر این مسائل در موضوعات به واسطه تلاقی عرفی و تشخیص مردم از طریق فرهنگ جوامع و عقلا، در متن شرع به دست می‌آید پس لازم است توجه نماییم که عرف معمول جامعه را چگونه می‌توان به دست آورد از سوی دیگر مسئله شأن هم که قبلاً متذکر شدیم خود جای سخنی و ملاک‌یابی از طریق شرع دارد، بر همین منوال باید توجه نماییم که شأن چگونه می‌تواند عرف و عرف چگونه می‌تواند شأن و در مجموع حکم شرعی را تحت‌تأثیر قرار دهد، همانگونه که شهید مطهری برخی علائم و نشانه‌های عزاداری سالار شهیدان را به خرافه و تقلید از مخالفین مستند می‌سازد ولی هم‌اینک مشاهده می‌کنیم حمل آنها برای برخی ثواب‌آور و نذر به آن و برای آنرا شرعی محسوب می‌شود.

چنانچه توانسته باشیم برای لحظاتی توجه بزرگان را به این مطلب جلب نموده و لزوم پاسخگویی به مسائل روزمره و مبتلا به را بر اساس مقتضیات زمان و مکان ضرورت یک جامعه اسلامی معرفی نماییم از سوی دیگر توجه شما جوانان را به این نکته معطوف می‌دارم که با دقت و حساسیت بیشتری به اصول و متن دین رو آورده و اجازه ندهید برخی فروع غیرمسلّم منسوب به دین که هنوز عرف و شأن تکلیف آنها را روشن نکرده و ابر عسرت و تنگی از تابش نور دین بر آنها جلوگیری می‌کرده شما را از ادامه راه بازدارند، مهم آن است که سخنان مختلف را گوش داده و همچون یک بنده خدا بهترین آنها را برگزینیم، همانگونه که برای وجوب چیزی نیازمند دلیل شرعی می‌باشیم برای حرمت چیزی هم به همان اندازه و یا شاید بیشتر محتاج دلیلیم، پس به سادگی نمی‌توان حکم به حرمت چیزی نموده و یا آنرا حلال دانست سخن در اینجا بسیار است و

مقدمه مؤلف

همچون دست کوتاه و خرما بر نخیل از ارائه آن دست می‌کشیم چراکه بزرگان اسلام و دلسوزان و پدران اجتماع دین مدار ما نیز خود را برای پاسخ نیازها و خواسته‌های جوانان آماده و تجهیز نموده‌اند در این مجموعه به ترتیب با نظرات مبارک حضرت امام خمینی(ره) - رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای - رئیس جمهور محترم حجة الاسلام خاتمی - حضرت آیه الله جناتی - حضرت آیه الله صانعی - حضرت آیه الله موسوی اردبیلی و حضرت آیه الله معرفت و پاسخ به استفتایی از سوی حضرت آیه الله مکارم شیرازی در ده مسئله مهم روز ارائه می‌شود که بخش مصاحبه‌ها کاملاً استثنایی و بی‌بدیل بوده و شما عزیزان را به مطالعه همه آنها دعوت می‌کرده و از خداوند متعال می‌خواهم ما را در همه جا دستگیری و یاری نماید.

جوانان، دیدگاه بزرگان/

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

حضرت امام (ره)، جوانان و مسائلشان

حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسائلی همچون حجاب، موسیقی، هنر، سینما، تئاتر، جوان و... مطالبی را در دوران حیات پر برکت خویش به ویژه دوران زعامت و رهبری جامعه ایراد فرموده اند که در این جمع آوری سعی شده همه آنها در اختیار خوانندگان عزیز قرار گیرد، اما نکته قابل تذکر آنکه برخی از مطالب با توجه به وجود رژیم فاسد و مقتضیات زمان خود، طرح شده که لازم است به آنها توجه و دقت شود. به طور مثال دونوع برخورد حضرت امام (ره) نسبت به موسیقی و هدف استفاده از آن که در قبل و بعد از انقلاب نمایان می باشد، البته آن بزرگوار همیشه هنر موسیقی و سینمای متعهد را ستایش و بر آنها اصرار هم می ورزیدند، به همین منظور اکثر سخنان و نوشته های ایشان را در زمینه مورد بحث از چند سال پیش از انقلاب تا سال 1368 جمع آوری و در اختیار قرار می دهیم.

اعتقاد حضرت امام (ره) بر معرفی درست اسلام به جوانان

پاسخ امام خمینی به نامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا ایدم الله تعالی مرقوم مورخ 23 شهر رمضان المبارک و اصل گردید و از مضمونش مطلع شدم، جای تقدیر و تشکر است که طبقه جوان تحصیل کرده توجه به این

مسائل دارند و در فکر چاره هستند. مع الاسف تاکنون دست خیانت استعمار به وسائل مختلف فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده، طبقه جوان را به روحانین و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است و تأسف بیشتر آنکه به همین دستگاه‌های مرموز نگذاشته‌اند طبقه تحصیل کرده به احکام مقدسه اسلام به خصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کنند و با تبلیغات گوناگون و انمودن نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی مطلی ندارد، در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

بیشتر از مطالب عبادی آن است. اینجانب اکنون روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و امید دارم که خداوند تعالی به شما طبقه تحصیل کرده توفیق دهد که در راه مقاصد اسلامی که یکی از آن قطع‌ایادی ظالمه و برانداختن ریشه استبداد و استعمار است کوشش کنید و قوانین آسمانی اسلام را که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده است و عملی‌تر و سودمندتر از تمام فریضه‌هاست مطالعه کنید و در تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه اجانب واقع نشوید. از خداوند تعالی توفیق شما وعظمت اسلام و مسلمین را خواستار است.

روح‌الله الموسوی خمینی

پاسخ امام خمینی به تلگرافهای تسلیت اتحادیه انجمنهای اسلامی اروپا، امریکا و کانادا در سوگ دکتر شریعتی

جناب آقای یزدی ایده‌الله تعالی

پس از اهداء سلام، تلگرافهاي زيادي از اروپا و امريكا از طرف اتحاديّة انجمن‌هاي اسلامي دانشجويان اسلامي در اروپا و انجمن‌هاي اسلامي دانشجويان در امريكا از بخش‌هاي مختلف و از ساير برادران محترم مقيم خارج کشور ايدهم الله تعالي در فقد دكتور علي شريعتي واصل شد و چون جواب به تمام آنها از جهاتي ميسر نيست و تفكيك صحيح نمي‌باشد از جنابعالي تقاضا دارم تشكر اينجانب را به همه برادران محترم ايدهم الله ابلاغ نماييد. اينجانب در اين نفس‌هاي آخر عمرم، اميدم به طبقه جوان عموماً و دانشجويان خارج و داخل اعم از روحاني وغيره مي‌باشد. اميد است دانشمندان و متفكران روشن ضمير، مزايي مکتب نجات بخش اسلام كه كفيل سعادت همه جانبه بشر و هادي سبل خير در دنيا و آخرت و حافظ استقلال و آزادي ملتها و مرابي نفوس و مكل نقيصه‌هاي نلساني و روحاني و راهنماي زندگي انساني است، براي عموم بيان كنند.

مطمئن باشند با عرضه اسلام به آنطور كه هست و اصلاح ابهام‌ها، كجروي‌ها و انحراف‌ها كه

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

به دست بدخواهان انجام يافته نفوس سالم بشر كه از فطرة الله منحرف نشده و دستخوش اغراض باطله و هوس‌هاي حيواني نگرديده يكسره بدان روي آورند و از بركات و انوار آن بهره‌مند شوند. من به جوانان عزيز نويد پيروي و نجات از دست دشمنان انسانيت و عمال سرسپرده آنها مي‌دهم. طبقه جوان و روشن بين در خارج و داخل روابط خود را محكم و در زير پرچم اسلام كه تنها پرچم توحيد است يكدل و يكصدا از حق انسانيت و انسان‌ها دفاع كنند تا به خواست خداوند متعال دست اجانب از كشورهاي اسلامي قطع شود و بايد با كمال هوشياري از عناصر مرموزي كه درصدد تفرقه بين انجمن‌هاي اسلامي است و مطمئناً از عمال اجانب هستند احتراز كنند و آنها را از جمع خود طرد نمايند. «واعتصموا بمبل الله جميعاً ولا تفرقوا»

والسلام عليكم و عليهم و رحمة الله و بركاته

اظهار افتخار حضرت امام (ره) نسبت به جوانان برومند کشورمان

شماها قشر جوان بودید، قشر جوانی که از همین توده، نه در طبقه بالا که همه چیز ما را آنها به باد دادند و نه آنهایی که در خارج فرار کردند یا بودند و اموال این ملت را به یغما بردند، شما جوانهایی که در متن توده، در متن جامعه بودید منت بر ما دارید، همه منت اسلام را دارند، مامنتی بر اسلام نداریم، اسلام منت بر ما دارد، قرآن منت بر ما دارد لکن من منت از شما می‌کشم. شما جوانهای قدرتمند، شما جوانهای با ایمان، شما جوانهای با قدم ثابت، این پیروزی را تحصیل کرده‌اید. من خدا می‌دانم در مدرسه که بعد از یکی دو روز متوجه شدم به این عکس‌هایی که از جوانهای ما در مدرسه هست که البته این، بعضی از آن شهیدان ما هستند، خدا می‌داند که در قلب من چه می‌گذرد و من چقدر متأسفم، متاثرم، اینها جوانهای خود ما هستند، اینها فرزندان من هستند، این جوانهای برومند برای اسلام شهید شدند، خداوند آنها را با صاحب اسلام محشور فرماید.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

ما از این به بعد هم احتیاج به شما داریم، ما همیشه محتاج به شما جوانها هستیم. ما بعدها هم برای کشورمان احتیاج به فعالیت شما جوانهای برومند داریم و من امیدوارم که در همه مراحل، شما با مردانگی با ما همراهی کنید و این نهضت را به پیش ببرید. امروز کشور مال خود شماست و شما باید مال خودتان را حفظ کنید. مثل زمان طاغوت نیست که شما زحمت بکشید و دیگران بهره ببرند. من امیدوارم که با به کار رفتن احکام اسلام مملکت مال خود

شما باشد و شما در مملکت خودتان زحمت بکشید و در مملکت خودتان بهره را برای خودتان بردارید. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه شما را خواستارم

من وقتی که شما جوانها را می‌بینم، ماشاء الله جوانهاي برومند و پهلوان خيلي خوشم می‌آید و افتخار می‌کنم به اینکه جوانها علاوه بر برومندی بدني توجه به دیانت و اسلام دارند و همانطوري که ورزش کردند برای تقویت بدن، انشاء الله ورزش برای تقویت روح هم کرده اند و می‌کنند.

توصیه حضرت امام (ره) مبني بر لزوم احترام به جوانان

از روحانیون عظیم الشان تقاضا دارم که با طبقات جوان به چشم عطوفت و پدري نظر کنند و بر طبقات جوان است که در حفظ روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشند.

لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاهها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند.

چنانچه روحانیون محترم باید به طبقه جوان روشنفکر که در خدمت اسلام و کشور اسلامی است و به همین جهت مورد حمله عمال اجانب است، احترام گذاشته آنها را چون فرزندان عزیز و برادرانی ارجمند بدانند و این قدرت بزرگ که مقدرات، خواه ناخواه در دست آنها خواهد افتاد، از دست ندهند.

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

آگاهی و بیداری جوانان از منویات متعالی حضرت امام (ره) بوده و ایشان بر آن بسیار تأکید می‌نمودند:

الان جوانهای ما، این جوانهای دانشگاه چه در اینجا، چه در ایران، چه در سایر ممالکی که هستند اینها نمی‌دانند که اصل اسلام چه چیز است، وقتی مطلع می‌شوند که اسلام یعنی چه. اسلام را غیراز يك نمازي و غیر از يك - عرض می‌کنم که - طهارت و امثال ذالك چیز دیگری ادراک نکردند و استدلالشان این است که خوب ما اگر چنانچه خواهیم مسلم بشویم و به اسلام عمل کنیم چیزی ندارد که عمل کنیم. می‌گویند این را، برای اینکه اسلام معرفی نشده است، این مطلب را می‌گویند که چه برنامه‌ای اسلام دارد که ما عمل کنیم؟ خوب، فلان طایفه برنامه دارد، فلان طریقه برنامه دارد، برنامه زندگی دارد، ما زندگی می‌خواهیم، اسلام يك مطلبي است فردي مابین انسان و بالا، بنابراین برنامه‌ای ندارد که ما عمل بکنیم. این برای آن است که مطلع نیستند از اسلام، اطلاعی از احکام اسلام ندارند تا اینکه خیال می‌کنند که برنامه ندارد اسلام. بر علمای اسلام است که این مطلب را تثبیتاً، البته خودشان با مسائلی که دارند نمی‌توانند اما تثبیت این مطلب بر علمای اسلام است که تثبیت کنند این مطلب را، اسلام را، همه شئون اسلام را، همه فنون اسلام را، همه احکام اسلام را بنویسند، بیان کنند، عرضه بدارند به دنیا، قوانین اسلام را در هر رشته‌ای که هست بنویسند، منتشر کنند، اگر موفق بشوند دستگاه فرستنده پیدا بکنند که به دنیا ابلاغ بکنند، اسلام را آنطوری که هست معرفی کنند به دنیا، بفهمند دنیا که ما چه داریم و با اینکه این را داریم اینطور زندگی می‌کنیم. این مسئولیت بزرگی است که به دوش علمای اعلام

اعلي الله كلمتهم، به دوش آنهاست و شما آقايان، شما فضاي اعلام و علمي جوان هم مسئوليت داريد. آتیه اسلام به دوشماست مسئوليت آن، الان هم مسئوليت داريد و بسيار مسئوليت سنگيني است.

بر شما جوانان روشن فکر است که از پا ننشينيد تا خواب رفته ها را از اين خواب مرگبار برانگيزانيد و با فاش کردن خيانتها و جنايتهاي استعمارگران و پيروان فرهنگ آنها غفلت زده ها را آگاه نماييد و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهاي نفاساني که رأس همه فسادهاست احتراز کنيد و

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

به خداوند تبارك و تعالي روي نياز آوريد که شما را در اين راه هدايت فرمايد و با جنود فوطبيعت کمک کند.

اميد است طبقه جوان که به سريها و سستيهاي ايام پيري نرسيده اند با هر وسيله اي که بتوانند ملتها را بيدار کنند باشعر، نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهي جامعه است حتي در اجتماعات خصوصي از اين وظيفه غفلت نکنند باشد که مردی يا مرداني بلند همت و غيرتمند پيدا شوند و به اين اوضاع نکبت بار خاتمه دهند. بايد جوانهاي تحصيل کرده از اين هياهو اجانبخود را نبازند و سرگرم بساط عيش و نوشي که به دستور استعمار براي آنها و عقب نگه داشتن آنها فراهم شده است نگردند. بايد اشخاص بيدار توليدمثل کنند و هرچه بيشتر هم فکر و هم قدم پيداکنند و صفوف خود را فشرده کنند و در ناملايمات پايدار و جدي و قوي الاراده باشند و از تواسي به حق و تواسي به صبر که دستوري است الهي، غفلت نکنند.

اگر دانشگاه را به حال خودش مي گذاشتند و تبليغات توي کار نبود و کارشکني در کار نبود از دانشگاه خوب متفکرهاي پيدا ميشدند که در فکر اين بودند که دارند مي چابند ما را، يكعلاجي بکنيم، اينها طبقه جوان که اين کارها از آنها مي آمد و مي آيد به طريقهاي مختلف مشغول مي کردند تا اينها را به خودشان. تمام اين

رسانه‌های گروهی که هست تمام اینها را اجیر می‌کردند یا از خودشان بود که طبقه جوان را به واسطه رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مطبوعات و مجلات و اینها سرگرم به عیاشی بکنند و عیاش بارشان بیاورند. جوان است وقتی که رفت سینما، پنج‌روزه، ده روز رفت سینما عادت می‌کند به رفتن سینما و اصلاً فکر، فکر سینمایی می‌شود شاید شب هم وقتی که خواب ببیند خواب ستاره سینما می‌بیند، روز هم وقتی که چشمش را باز کند به فکر است که کی شب بشود من بروم و چه وقت بشود که بروم سراغ این مرکز. یک همچو دماغی که بار آمد اینطوری، این به فکر این نمی‌افتد که کارتر نفت ما را می‌برد، اصلاً هیچ کاری به این ندارد.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

در نظر حضرت امام (ره) انسان باید در جوانی پاکی را حفظ و خود را از بدیها دور نگاه دارد:

* تا جوانید مهذب شوید به آداب و سنن الله *

باید از همین حالا، همین جوان شانزده ساله، همین جوان بیست ساله که در مدارس علمی هست از حالا باید آنطوری که رضای خداست، آنطوری که دستورات الهی است خودش را عادت‌بدهد به اینکه آنطور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم بر می‌دارد، یک قدم برای تحصیل اخلاخوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواست آقایان مهذب نباشند، اگر خدای نخواست آقایان آنطوری که اسلام می‌خواهد نباشند، این ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیانی که مخترع است و تمام ادیانی که اختراع شده است و کذب است، این اشخاص تحصیل کرده مؤسسش هستند، اشخاصی که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده‌اند لکن مهذب نبودند. شما ملاحظه بفرمایید رؤسای مذاهب باطله را، می‌بینید که روسای مذاهب

باطله تمامشان از اشخاصي هستند كه درس خواندند، ملا! لكن مهذب نبودند. هر قدر در جواني انسان مهذب شد، شد. اگر در جواني خدای خواسته مهذب نشد بسیار مشکل است كه در زمان كهولت و پیری كه اراده ضعیف است و دشمن قوي، اراده باشد بسیار مشکل است. از حالا به فكر باشید، از جواني به فكر باشید. الان هر قدمي كه شما برمي داريد رو به قبر است. هیچ، هیچ، هیچ مطلبي ندارد، هیچ اشكالي ندارد. من كراراً عرض كردم به آقایان كه شما حالا كه اين نعمت را داريد، نعمت جواني را دید، اين را قدرش را بدانید و هدر ندهید اين نعمت را. - اگر بنا باشد - انسان جوان من نمی گویم كه تفریح نداشته باشد، عرض نمی كنم كه همه اش مشغول باشد، من عرض می كنم كه اوقاتش تقسیم باشد و فكر مهمش براي تحصیل. شما آقایان كه مهیا شده اید از براي تحصیل، حالا كه نعمت جواني را داريد اوقاتتان تقسیم بشود و قسمت مهمش صرف مباحثه و مطالعه و مذاکره و بحث و تدریس باشد و اگر چنانچه ایام جواني از دست برود، دیگر خیال نکنید كه می توانید عبادت را بگذارید آخر ایام عمر و تحصیل را بگذارید براي آخر عمر.

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

اشتراک زن و مرد در امور کشور و دفاع از حقوق زنان و حدود آزادی زنان در جامعه را حضرت امام (ره) طی مصاحبه و سخنرانی های متعدد اینچنین بیان می دارند:

سؤال: از نظر اسلامي، زنان تا چه حد مجازند در ساختمان بنای حکومت اسلامي شرکت نمایند؟

جواب: زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از حد شئی بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به‌عهده بگیرد.

سؤال: در مورد مسائل اجتماعی، حضرت آیت‌الله حضور زنان را در دانشگاه و یا کارکردن آنان را در جامعه چگونه می‌بینید؟ و آیا برای آنها محدودیت‌هایی قائل می‌شوند که الان در جامعه کنونی وجود ندارد؟ نظر حضرتعالی در مورد کنترل موالید و یا تحصیل زنان و مردان در دانشگاه به‌صورت مخلوط چیست؟

جواب: زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ‌وجه جلوگیری نمی‌شود، از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است. راجع به موالید، تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد.

خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همانطوری که قوانین برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زنها هم دارد. همه برای صلاح شماست، همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آنها که زنها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند، زنها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده بیرون برود، با سر باز و تخت. این مقام زن نیست، این عروسک‌بازی است، نه زن. زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز است، زن مربی انسان است.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

مفهوم و مرز حجاب زنان از دیدگاه حضرت امام (ره)

سؤال: در جامعه ایران چه تغییراتی را شما در موقعیت زن، مورد نیاز حس می‌کنید و به نظر شما دولت اسلامی چگونه شرایط زنان را تغییر خواهد داد، مثل اشتغال به کارهای دولتی و کار کردن به‌عنوان حرفه‌های مختلف مانند پزشکی، مهندسی و غیره و نیز شرایطی چون طلا، سقط جنین، حق مسافرت و پوشیدن اجباری چادر؟

جواب: تبلیغات سوء شاه و کسانی که با پول شاه خریده شده‌اند، چنان موضوع آزادی زن را برای مردم مشتبه کرده‌اند که خیال می‌کنند اسلام آمده است که فقط زن را خانه‌نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟ چرا با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زن چون مرد در تمام اینها آزاد است؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به‌عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که زنان فقط شیء برای مردان و الت هوسرانی باشند.

سؤال: برخی از رسوم اسلامی مانند حجاب اجباری، رها شده است، آیا در جمهوری اسلامی از نو اجباری خواهد شد؟

جواب: حجاب به معنای متداول میان ما که اشمس حجاب اسلامی است با آزادی مخالفتی ندارد. اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند. و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به‌عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.

سؤال: این چادر، آیا صحیح است که این زنها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زنها در انقلاب شرکت کردند، کشته دادند، زندان رفتند، مبارزه کردند.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

این چادر هم يك رسم از قدیم مانده اي است، حالا دیگر دنیا هم عوض شده، حالا این صحیح است که مثلاً اینها خودشان را مخفی کنند؟

جواب(ره): اولاً اینکه يك اختیاري است براي آنها، خودشان اختیار کردند. شما چه حقی دارید که اختیار را از دستشان بگیرید؟ ما اعلام می‌کنیم به زنها که هرکس چادر می‌خواهد یا هرکس پوشش اسلامی، بیاید بیرون، از سي و پنج میلیون جمعیت ما سي و سه میلیونش بیرون می‌آید. شما چه حقی دارید که جلو اینها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوري است که شما نسبت به زنها دارید؟ وثانیاً اینکه ما يك پوشش خاصی را نمی‌گوییم، براي حدود زنهایی که به سن و سال شما رسیده‌اند هیچ چیزی نیست، اینها را داریم جلوشان را می‌گیریم، شما هم دلتان نسوزد. من دیگر بلند شوم، شما هم دلتان نسوزد!.

دیدگاه امام (ره) درباره هنر و هنرمند متعهد

خون پاك صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌هاي عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمايه‌زوال‌ناپذير آن‌گونه هنري است که بايد به تناسب عظمت و زيبايي انقلاب اسلامي و هميشه مشام‌جان زيبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند.

تنها هنري مورد قبول قرآن است که صيقل دهنده اسلام ناب محمدي - صلي‌الله عليه و آله وسلم - اسلام ائمه هدي - عليهم السلام - اسلام فقراء دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازيانه‌خوردگان تاريخ تلخ و شرم‌آور محروميتها باشد. هنري زيبا و پاك است که کوبنده سرمايه‌داري‌مدرن و کمونيسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش‌فرومايگي، اسلام مرفهين‌بي‌درد و در يك کلمه اسلام امريکايي باشد. هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعي، اقتصادي، سياسي، نظامي است. هنر در عرفان اسلامي ترسيم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسيم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جايگاه واقعي خود تصوير زالو صفتاني است که از مکيدن خون فرهنگ اصيل اسلامي، فرهنگ عدالت و صفا لذت مي‌برند. تنها به هنري بايد پرداخت که راه ستيز با جهانخواران شر و غرب و در رأس آنان امريکا و شوروي را بياموزد.

هنرمندان ما تنها زماني مي‌توانند بي‌دغدغه کوله‌بار مسئوليت و امانتشان را زمين بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکاء به غير، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حيات جاويدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌هاي دفاع مقدس‌مان اين‌گونه بودند تا به ملأ اعلا شتافتند و براي خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگيدند و در راه پيروزي اسلام عزيز تمام مدعيان هنر بي‌درد را رسوا نمودند. خدايشان در جوار رحمت خویش محشورشان

گرداند. روح‌الله الموسوي الخميني

رسانه‌هاي گروهی به‌ويژه صدا و سيما، اين مراکز آموزش و پرورش عمومي مي‌توانند خدمت‌هاي گرانمايه‌اي را به فرهنگ اسلام و ايران نمايند. بنگاه‌هايي که شب و روز ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعي و بصري دارند، چه

مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت‌گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزاد منشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.

حضرت امام (ره) از هنر مبتذل و انحرافی اینچنین تعبیر می‌فرمایند:

در رژیم سابق تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود. یعنی کسی که نام‌سینما را می‌شنید خیال می‌کرد که آنجا باید مرکز فساد و سوء اخلا و مرکز مخالفت با همه چیز باشد و یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتذلی بود که از آن بهره فساد برده شود؛ هکذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوانها و حتی پیرها و روشنفکر نماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و اینطور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

اخلا و زبانتان را نیز از آنها یاد بگیریم. در حالی که عده‌ای زبان خودشان را کنار گذاشته و ارزش را به چند کلمه انگلیسی در کتابی می‌دانند، با اینکه با زبان خودشان همان مطلب را می‌شود فهماند. اگر در کتابی چند کلمه خارجی نباشد، آن کتاب را بدون ارزش می‌دانند. آنها می‌خواستند که تمام وجود ما در اختیارشان باشد که هر طوری می‌خواهند عمل کنند و شما تابلوها را دیده بودید که اکثراً از دو فروشی گرفته تا کتابفروشی و غیره

داراي اسماي خارجي بودند و اينهمه به خاطر اين بود كه ما فرهنگ خودمان را فراموش كنيم و عده اي هم به نام فرهنگ ايران باستان از اسلام فرار مي كردند، كه چندي پيش عده اي از اينها كه در خارج اجتماع کرده بودند يكي از حرفه ايشان اين بود: «تعجب است كه ما بايد روزانه هفده مرتبه رو به كعبه عربها دولا راست بشويم و نماز بخوانيم و اگر ما از عربها فرهنگ ايران را بگيريم جز شتر چيزي نمي ماند». در صورتي كه اروپايي ها و دانشمندان اروپا هم قائل به اين مطلب اند كه تمدن اسلام مقدم بر ساير تمدنهاست. و در سابق به هر يك از ايرانيان از كودكي تزريق مي شد كه بايد همه چيز از اروپا گرفته شود و ارزشهاي انساني به هر چه بيشتر فرنگي شدن است و بايد از سر تا پا فرنگي شويم. و اين آقايمان نمي نشينند مقايسه كنند كه در تمام مسائل بين فرهنگ اسلام و فرهنگهاي ديگر چه تفاوتهايي است. و آيا به صرف اينكه اسلام از عرب آمده ما بايد با آن مخالفت كنيم و آيا اين همان نژادپرستي نيست كه اروپايي ها مي خواهند به وسيله آن ما را به استعمار بکشند و بين طوايف عربو عجم و ترك جدائي بيندازند؟

بنابراين مدتها بايد زحمت بكشيم و باور كنيم كه خودمان داراي يك فرهنگ بزرگ انساني با ارزشهاي اسلامي هستيم و اگر امروز كمبود نيروي انساني هست به خاطر همين است كه افكار به آن طرز تفكر عادت کرده بود. لذا ساختن تئاتري كه مطابق با اخلا انساني - اسلامي باشد زحمت دارد و سينما هم اگر بخواد چنين باشد نيازمند به صرف مدتها وقت است و هرگز در متن سينما و تئاتر نوشته نشده است كه بايد مركز فساد باشند. و هنر آنها هم كه عبارت بود از چيزهاي مبتذل جزاين نبود كه افراد و جوانان ما را در دانشگاهها و خارج و داخل طوري تربيت كنند كه همه را منحرف سازد.

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

سؤال: بازگشت به قوانین قرآن برای زنان یعنی چه؟ تفریحات مردم در چه حدی است؟ (الکل، فیلم و غیره)

جواب: در نظام اسلامی، زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به‌صورت یک شیء، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند و در مورد آنچه را که به نام تفریحات شناخته شده است، اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه‌شدن می‌کشانند، مبارزه می‌کند. شراجه‌خواری و میگساری در اسلام ممنوع است. فیلمهای منحرف‌کننده از اخلا متعالی انسان، ممنوع است.

حضرت امام (ره) در مورد مسئله موسیقی و مرزها و ویژگیهای موسیقی انحرافی و آنچه در دستگاههای عمومی کشور پخش می‌شود می‌فرمایند:

پاسخ امام به نامه مدیرعامل و یکی از اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما در مورد برنامه‌های تلویزیونی

نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایشنامه‌ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد و همین‌طور فیلمهای ورزشی و آهنگها اکثرآبی اشکال است. گاهی خلاف به‌طور نادر دیده می‌شود که باید بیشتر مواظبت کرد.

«پاسخ به دو استفتاء در مورد شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی»

خدمت مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

1- از آنجا که آلات لهو و لعب استفاده‌های مشروع از قبیل نواختن سرودها را دارد آیا خرید و فروش آن بی‌اشکال است.

امام خمینی: خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع حلاله آن اشکال ندارد.

از جمله چیزهایی که باز مغزهای جوانها را مخدر می‌کند و تخریبی است موسیقی است. موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد تبدیل می‌شود به یک مغزی غیر آن کسی که جدی باشد، از جدیت انسان را بیرون می‌کند و متوجه می‌کند به جهات دیگر. تمام این وسائلی که حالا این بعضی‌شان بود و الی ماشاء الله وسائل درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از صادرات غافل کنند و متوجه به جهات دیگر نکنند، منحرف کنند او را از مسائل روز که مبادا مزاحمش بشوند. مسائلی که بود، دیگر برای جوان نه وقتی می‌ماند که فکر کند در این امور و نه مغزش کار می‌کند. موسیقی از اموری است که البته هر کسی بر حسب طبع خوش می‌آید، لکن از اموری است که انسان را از جدیت بیرون می‌برد و به یک مطلب هزل می‌کشاند، دیگر یک جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعت را با موسیقی سر و کار داشته باشد (که اینها شاید اکثر رادیوشان و تلویزیونشان از همین قسمها بود) یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند پای موسیقی بنشیند و اینها، این از مسائل زندگی و از مسائل جدی کلی غافل می‌شود، عادت

می‌کند، همانطور که به مواد مخدره عادت می‌کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند.

فکر انسان را موسیقی جوری می‌کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند فکر بکند.

یکی از مسئولین در مورد بخش سرودهایی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بخش می‌شود نظر حضرت امام خمینی را جویا شدند. حضرت امام در پاسخ فرمودند:

این جور سرودهایی که مهیج است و سرودهایی که مفید است، اشکال ندارد. از جمله

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

سرودی که درباره آقای مطهری ساخته شده است اشکالی ندارد.

یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند (موسیقی که الان هم قلم‌ها هست که خیر، موسیقی یک چیزی مثلاً تربیتی است) یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند و عادت به این کرد، این مغز مریض می‌شود، این نمی‌تواند فکر این بکند که کشورش به چه حال دارد می‌گذرد، چه می‌گذرد در آن، دیگر دنبال این نیست، مثل یک آدم هروئینی می‌ماند.

قضيه موسيقي يك مطلبي است كه خوب طبع جوان به آن توجه دارد اگر يك مدتي اين عادت كرد كه موسيقي را باز
كند و گوش كند مغز اين از تفكر در امور جدي باز مي ماند، مي رود دنبال همين قضيه اينها اموري است كه با
نقشه درست كردند كه جوانهاي ما را منحرف كنند.

نظرات رهبر معظم انقلاب (مدظله)

در پاسخ به برخی مطالب طرح شده در اذهان جوانان کشور بر آن شدیم که از سخنان و فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای بهره‌گیری. در همین راستا از دیدار ایشان با جوانان در ماههای اردیبهشت و بهمن 1377 و همچنین استفاده از برخی بخشهای کتاب «هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری» مطالبی را برگزیدیم که بنظر شما جوانان و نورچشمان کشور می‌رسانیم. امید است خداوند عمری به درازای آفتاب به ایشان عطا فرماید.

© از دیدن جوانان چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ اولین مطلبی که به آنان می‌گویید، چیست؟

وقتی با جوانان هستم و در محیط جوان قرار دارم، احساس من مثل احساس کسی است که در هوای صبحگاه تنفس می‌کند. احساس تازگی و طراوت می‌کنم. آن چیزی هم که معمولاً در ملاقات با جوانان اولین بار به ذهن من می‌زند، این است که آیا اینها خودشان می‌دانند که چه ستاره‌ای در جبینشان دارد می‌درخشد؟ من این ستاره را می‌بینم؛

اما آیا خودشان هم می‌بینند؟ ستاره جوانی چیز بسیار درخشان و خوشطالعی است. اگر جوانان این چیز قیمتی و بی‌نظیر را در وجود خودشان حس کنند، فکر می‌کنم که انشاءالله از آن خوب استفاده خواهند کرد.

© جنابعالی دوره جوانی خود را چگونه گذرانده‌اید؟

آن وقتها مثل حالا نبود؛ انصافاً وضع خیلی بد بود. محیط جوانی محیط دلنشینی نبود، نه برای من که آن وقت طلبه بودم؛ من در دوره کودکی و دبستان طلبه بودم؛ بلکه برای همه جوانان. به

نظرات رهبر معظم انقلاب

جوان اعتنا نمی‌شد. خیلی استعدادها در داخل جوانان می‌مرد. ما در مقابل چشم خودمان این را شاهد بودیم. من خودم در محیط طلبگی‌ام این را می‌دیدم. بعد هم که با محیطهای بیرون طلبگی، با محیط دانشگاه و دانشجویان ارتباط پیدا کردم. سالهای متمادی من با دانشجویان ارتباط داشتم و مأنوس بودم. در آنها هم می‌دیدم که همین‌طور است. اینقدر استعدادها درخشان بود، اینقدر افرادی بودند که ممکن بود در این رشته‌ای که دارند درس می‌خوانند، خیلی استعدادی نداشتند، اما ممکن بود استعداد دیگری در وجود اینها باشد که کسی نمی‌فهمید و نمی‌دانست. همان طوری که آقای میرباقری اشاره کردند و درست هم گفتند، قبل از انقلاب همه دوران جوانی من غالباً با جوانان گذشته است. وقتی انقلاب پیروز شد، من حدود سی و نه ساله بودم. تمام مدت از هفده، هجده سالگی من تا آن تاریخ با جوانان بود، چه جوانان حوزه علمیه و تحصیل دینی و چه جوانان خارج از حوزه. چیزی که حس می‌کردم، این بود که رژیم همدرضا پهلوی کاری کرده بود که جوانان به سمت ابتذال می‌رفتند. ابتذال نه فقط ابتذال اخلاقی، ابتذال هویت و ابتذال شخصیت. البته من نمی‌توانم ادعا بکنم که خود آن رژیم برنامه‌ریزی کرده بود که جوانان مملکت را به ابتذال بکشاند. ممکن است این‌طور بوده، ممکن هم هست نبوده باشد. اما آنچه

مسلم می‌توانم بگویم این است که آنها برنامه‌هایی ریخته بودند و به گونه‌ای مملکت را اداره می‌کردند که لازمه‌اش این بود. یعنی از مسائل سیاسی دور، از مسائل زندگی دور، شما باور می‌کنید که من و امثال من تا سنین بیست و چند سالگی، دولتهایی را که بر سر کار بودند، اصلاً نمی‌شناختیم که چه کسانی هستند؟ حالا شما در این مملکت کسی را می‌شناسید که نداند وزیر آموزش و پرورش کیست؟ وزیر اقتصاد و دارایی کیست؟ یا مثلاً رئیس‌جمهور را کسی نشناسد؟ در اقصی نقاط کشور هم همه اطلاع دارند. آنزمان همه قشرها از جمله جوانان اصلاً بکلی از مسائل سیاسی غافل بودند.

بیشترین سرگرمی جوانان به مسائل روزمره بود. بعضی هم در غم نان مشغول کار سخت بودند. برای اینکه یک لقمه نان گیر بیاورند و بخورند که آن هم البته مقداری از درآمدشان صرف خوردن نمی‌شد. صرف کارهای حاشیه‌ای می‌شد. شما اگر این کتابهایی که در آن دوره ما درباره آمریکای لاتین و آفریقا نوشته شده، خوانده باشید، «فرانتس فانون» و کسانی که آن وقتها کتاب می‌نوشتند، حالا هم کتابهایشان به اعتبار خودشان باقی است، درمی‌یابید که وضع ما هم همینطور بود.

نظرات رهبر معظم انقلاب

در مورد ایران کسی جرأت نمی‌کرد بنویسد، اما در مورد مثلاً آفریقا یا شیلی یا مکزیک راحت می‌نوشتند.

من با خواندن این کتابها می‌دیدم که عیناً وضع ما همین‌گونه است. یعنی آن جوان کارگر هم بعد از آن که کار سخت می‌کرد و یک شاهی و سنار گیر می‌آورد، نصف این پول صرف عیاشی و ولگردی و هرزه‌گری و این طور چیزها

می‌شد. اینها همان چیزی بود که ما در آن کتاب‌های خواندیم و می‌دیدیم که در واقعیت جامعه خودمان هم همینطور است. انصافاً خیلی بد بود.

محیط جوانی محیط خوبی نبود. البته در داخل دل جوانان و محیط جوان طور دیگری بود. چون جوان اساساً اهل نشاط و امید و هیجان و اینهاست.

من خودم شخصاً جوانی بسیار پرهیجانی داشتم. هم قبل از شروع انقلاب به خاطر فعالیت‌های ادبی و هنری و امثال اینها، هیجانی در زندگی من بود. بعد هم که مبارزات در سال 1341 شروع شد که من در آن سال بیست و سه ساله بودم - طبعاً دیگر ما در قلب هیجان‌های اساسی کشور قرار گرفتیم و من در سال 42 دو مرتبه زندان افتادم. بازداشت، زندان، بازجویی. می‌دانید که اینها به انسان هیجان می‌دهد. بعد که انسان بیرون می‌آید و خیل عظیم مردمی که به این چیزها علاقمند و رهبری مثل امام (رضوان الله علیه) که اینها را هدایت می‌کرد و کارها و فکرها و راهها را تصحیح می‌کرد، مشاهده می‌نمود، هیجانش بیشتر می‌شد.

این بود که زندگی برای امثال من که در این مقوله‌ها زندگی و فکر می‌کردند، خیلی پرهیجان بود. اما همه این طور نبودند.

البته جوانان طبعاً دور هم که جمع می‌شدند، چون طبیعتاً دلشان گرم است - یعنی یک نوع حالت سرزندگی و شادی در طینتشان هست - از همه چیز لذت می‌بردند.

جوان از خوراک لذت می‌برد، از حرف زدن لذت می‌برد، از توی آینه نگاه کردن لذت می‌برد، از تفریح لذت می‌برد.

شماها باور نمی‌کنید که انسان وقتی از سنین جوانی گذشت، آن لذتی که شماها از يك غذای خوشمزه می‌برید، آدم در سنین ماها آن لذت را نمی‌برد. آن وقتها گاهی بزرگترهای ما - کسانی که در سنین حالای من بودند - چیزهایی می‌گفتند که ما تعجب می‌کردیم چه‌طور اینها این‌طوری فکر

نظرات رهبر معظم انقلاب

می‌کنند؟ حالا دارم می‌بینم نخیر، آن بیچاره‌ها خیلی هم بیراه نمی‌گفتند.

البته من خودم را بکلی از جوانی منقطع نکرده‌ام، هنوز هم در خودم چیزی از جوانی احساس می‌کنم و نمی‌گذارم که به آن حالت بیفتم.

الحمد لله تا حالا نگذاشته‌ام و بعد از این هم نمی‌گذارم. اما آنها که خودشان را در دست پیری‌ها کرده بودند، قهراً التذادی که جوان از همه شئون زندگی خوش دارد، احساس نمی‌کردند. آن وقت این حالت بود. نمی‌گویم که فضای غم حاکم بود - این را ادعا نمی‌کنم - اما فضای غفلت و بی‌خبری و بی‌هویتی حاکم بود.

این هم بود که ماها که در زمینه مسائل مبارزه به طور جدی و عمیق فکر می‌کردیم، همتان را بر این گذاشتیم که تا آن جایی که می‌توانیم جوانان را از دایرة نفوذ فرهنگی رژیم بیرون بکشیم. من خودم مثلاً مسجد می‌رفتم، درس تفسیر می‌گفتم، سخنرانی بعد از نماز می‌کردم. گاهی به شهرستانها می‌رفتم سخنرانی می‌کردم. نکته اصلی توجه من این بود که جوانان را از کمند رژیم بیرون بکشم.

خود من آن وقتها این را به «تور نامرئی» تعبیر می‌کردم. می‌گفتم یک نور نامرئی وجود دارد؛ همه را دارد به سمتی می‌کشد، من می‌خواهم این تور نامرئی را تا آنجا که بشود، پاره کنم و هر مقدار که می‌توانم جوانان را از کمند و دام این تور بیرون بکشم.

هر کسی که از آن کمند فکری خارج می‌شد - که خصوصیتش هم این بود که اولاً به تدین، ثانیاً به تفکرات امام گرایش پیدا می‌کرد - یک نوع مصونیتی پیدا می‌کرد.

آن روز این طوری بود. همان نسل هم بعدها پایه‌های اصلی انقلاب شدند.

الآن هم که من در همین زمان به جامعه خودمان نگاه می‌کنم، خیلی از افراد آن نسل را - چه کسانی که با من مرتبط بودند، چه کسانی که با من مرتبط نبودند - می‌توانم شناسایی کنم.

به هر حال، الان شما زمان بهتری دارید.

فضا فضایی بهتری است. البته نمی‌گویم که برای جوان همه چیز فراهم است و همه چیز آن طوری که باید باشد هست، اما در مقام مقایسه‌ای با آن زمان، امروز وضع از آن روز خیلی بهتر است.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

تعریف از یک جوان مسلمان

© تعریف شما از يك جوان مسلمان و خصوصيات او چیست؟ چگونه يك جوان مي‌تواند مسير زندگي را طي کرده و به اهدافش برسد؟

البته براحتي نمي‌شود طي کرد. اين شرطي که شما گذاشتيد، کار من را در پاسخ دادن خيلي مشکل مي‌کند.

هيچ کار جدي مهم را واقعاً نمي‌شود براحتي طي کرد. بالاخره اگر انسان مي‌خواهد به چيز باارزشي دست پيدا کند، بايد مقداري زحمت و تلاش را در خودش همراه کند؛ اين ناگزير است.

منتها ببينيد من اساساً در بين اين خصوصيات مهمي که جوانان دارند، سه خصوصيت را خيلي‌بازر مي‌بينم که اگر آنها مشخص بشود و اگر آنها به سمت درستي هدايت بشود، به نظر مي‌آيد که مي‌شود به اين سؤال شما پاسخ داد. اين سه خصوصيت عبارت است از: انرژی، اميد و ابتکار. اينها سه خصوصيت برجسته در جوان است. اگر واقعاً رسانه‌ها در کمکهاي فرهنگي که به ما مي‌کنند، چه گويندگان مذهبي، چه گويندگان مسائل فکري و فرهنگي، چه صدا و سيما، چه مدرسه‌ها، بتوانند اين سه خصوصيت عمده را درست هدايت کنند، من خيال مي‌کنم که خيلي راحت مي‌شود يك جوان راه اسلامي را پيدا کند. چون اسلام هم چيزي که از ما مي‌خواهد اين است که ما استعدادهاي خودمان را به فعليّت برسانيم. البته در قرآن يك نکته بسيار اساسي هست. بد نيست من اين را به شما جوانان عزيز بگويم و آن توجه دادن به تقواست. وقتي که افراد مي‌خواهند پيش‌خودشان تصويري از تقوا درست کنند، به ذهنشان نماز و روزه و عبادت و ذکر و دعا مي‌آيد. ممکن است همه اينها در تقوا باشد، اما هيچکدام از آنها معنای تقوا نيست. تقوا يعني مراقب خود بودن؛ تقوا يعني يك انسان بداند که چکار دارد مي‌کند و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصميم انتخاب نمايد. مثل انساني که سوار بر اسب رهوار نشسته، دهانه اسب در دستش است و مي‌داند کجا مي‌خواهد برود. تقوا اين است. آدمي که تقوا ندارد، حرکات و تصميمها و آينده‌اش در اختيار خودش نيست. به تعبير خطبة نهج‌البلاغه کسي است که او را روي اسب سرکشي انداخته‌اند، نه اينکه او سوار

شده، اگر هم سوار شده، اسب‌سواری بلد نیست. دهانه در دستش هست اما نمی‌داند

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

چطوری باید سوار اسب بشود، نمی‌داند که کجا خواهد رفت، هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. این اسب هم سرکش است. اگر ما تقوا را با همین معنا در نظر بگیریم، به نظر من راحت می‌شود راه را طی کرد، البته باز هم نه آنطور که خیلی راحت باشد، به هر حال می‌شود، ممکن است، واقعاً عملی است که یک جوان راه اسلامی زندگی‌کردن را پیدا کند. اگر متدین است، ببینید چکار دارد می‌کند. این اقدام، این حرف، این رفاقت، این درس، این فعل و ترک، آیا درست است یا درست نیست.

همین که او فکر می‌کند درست است یا نیست، این همان تقواست. چنانچه همین حالت را داشته باشد، این حالت او را به دین راهنمایی خواهد کرد. قرآن کریم می‌گوید: «هدی للمتقین» نمی‌گوید: «هدی للمؤمنین»، «هدی للمتقین». یعنی اگر یک نفر باشد که دین هم نداشته باشد، اما تقوا داشته باشد، ممکن است کسی دین نداشته باشد اما به همین معنایی که گفتم، تقوا داشته باشد. او بلا شک از قرآن هدایت خواهد گرفت و مؤمن خواهد شد. اما اگر مؤمن تقوا نداشته باشد، احتمالاً در ایمان هم پایدار نیست. بستگی به شانس دارد، اگر در فضای خوبی قرار گرفت، در ایمان باقی می‌ماند، اگر در فضای خوبی قرار نگرفت، در ایمان باقی نمی‌ماند. بنابراین اگر بتوانیم از آن سه خصوصیت با تقوا کار بکشیم و درست هدایت بشود، به نظر من خیلی خوب می‌شود جوانان در شکلی که اسلام می‌پسندد. مخصوصاً خوشبختانه امروز کشور ما کشوری اسلامی است. این چیز مهمی است.

حکومت - یعنی اقتدار ملی - در اختیار اسلام است. کسانی که زمام‌های امور در دستشان است، اینها عمیقاً به اسلام معتقدند. مردم هم که ایمان در عمق جان‌شان جا دارد، لذا زمینه برای مسلمان شدن و مسلمان زیستن خیلی

زیاد است. پایان بزم. در دوره جنگ که شماها متأسفانه اعتلای آن دوره را درک نکردید، البته جنگ را درک نکردید که این تأسف ندارد، اما آن خصوصیات بی‌نظیر را شما درک نکردید و آدم افسوس می‌خورد. همین جوانان هجده ساله و بیست ساله‌ای که در سنین شماها بودند، از لحاظ لطافت و صفای معنوی گاهی به حد عارفی که چهل سال در راه خدا سلوک کرده می‌رسیدند. آدم این را در وجود اینها احساس می‌کرد و کم هم نبودند. فراوان بودند من همان وقتها در مقابل چنین جوانانی که قرار می‌گرفتم، احساس خضوع

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

حقیقی می‌کردم، نه اینکه بخواهم تواضع کنم، دیده‌اید انسان در مقابل بزرگی که قرار می‌گیرد و کمالات او را که می‌بیند، ضعف خودش را می‌فهمد. من همان احساس را در مقابل یک جوان بسیجی و یک جوان رزمنده در خودم می‌دیدم و می‌یافتم.

این فضا چنین فضایی بود که می‌توانست یک جوان معمولی را این‌گونه متحول کند.

شما می‌دانید که جوانان در دنیا چگونه‌اند. گروه‌های رپ و فلان و هزار جور بلیت اخلاقی و فکری. جوانان واقعاً به هزار جور ابتلائات مبتلا هستند.

گروه‌های رپ و این چیزهایی که حالا هست، زمان ما هم البته بود. زمان ما «بیتل»‌های معروف بودند که حالا شنیده‌ام پیرمرد شده‌اند. چند وقت پیش دیدم که در یک مجله خارجی شرح حالشان را نوشته‌اند که هرکدام کجا هستند و چه کار دارند می‌کنند. آن گرفتاری‌های روحی، آن عقده‌های روانی، آنها را به این چیزها می‌کشاند.

حالا کسانی که در کشورهای عقبافتاده و دوردست از آنها تقلید می‌کنند، نمی‌فهمند که آن بیچاره‌ها دچار چه بیماری‌ای هستند. خیال می‌کنند که پیشرفتی است در حالی که این، انحطاط و سقوط است. در حالی که دنیا گرفتار چنین وضعی بود، جوانان ما آن‌طور وضعی داشتند.

در ایران، جوانان، سرشار، مستغنی، سربلند، با احساس شادی عمیق در قلب خودشان، احساس انجام وظیفه، احساس روشن بودن هدف که دارد چکار می‌کند و برای که دارد کار می‌کند.

© ما از بزرگان یاد گرفته‌ایم و احساس می‌کنیم که مدام با شست‌وشوی دل و روح و نگاهمان می‌توانیم نوتر ببینیم، اما هم در خانواده و هم در فضای جامعه، گویا سوء تفاهمی نسبت به جوانان وجود دارد، به دلیل همین نوجویی و نوگرایی که به آن معتقد هستند و به‌رحال مقتضای سن و شرایط زندگی و حال و هوای جوانیشان است. این که در خانواده احساس می‌شود که پدران و مادران می‌خواهند جوانان همانگونه زندگی کنند که آنها می‌زیستند یا به آن چیزهایی که پدران و مادران دست نیافتند، حالا پسران و دختران باید دست پیدا کنند. در

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

جامعه هم به‌رحال سنتها و عرفها و چیزهایی که حاکم بر جامعه هست (که منظورم این نیست که همه آنها الزاماً نادرست است) به سختی پذیرای این نوگرایی جوانان است و شاید حتی جوانان به لابلایگری یا بی‌احتیاطی و بی‌تأملی و ناآگاهی متهم بشوند. ما فکر می‌کنیم در این فرصت بیست ساله برای تثبیت اصول اساسی اعتقادیان در مورد انقلاب و نهضت بزرگمان، فرصت‌کافی داشته‌ایم اما گاهی احساس می‌کنیم در مواردی که امکان مانور بیشتر و بروز خلاقیتها و نوآوریها و نگاههای جدید به موضوع را داریم، آنجاها باید کشف گردد و اعمال نظر بشود. مثلاً حضرت امام در مورد موسیقی و شطرنج نظریات متفاوتی دارند که اصلاً انقلابی در این دو موضوع جدی پیش

آورد و درمورد جوانان هم يك گشایش خيلي بزرگ بود. من شهيد رجايي را به عنوان يكي از اسوه هاي بزرگ تقوا و اخلاص و ايمان مي‌شناسم و عكسي را از ايشان ديدم كه در آن اوج سالهاي آغازين انقلاب با پيراهن آستين‌كوتاه خدمت امام‌نشسته بودند و صحبت مي‌کردند.

عرض من اين است كه شما به عنوان رهبر ديني و به عنوان بزرگ ميلياردها انسان، فكر مي‌كنيد پس از تثبيت آن اصول اساسي، ما در چه بخشهايي مي‌توانيم اجازه نوجويي و نوگرائي بدهيم و جوانان براساس روحيه‌شان تحولات را تجربه كنند و دستشان بازتر باشد و خدائي‌ناكرده در چارچوبهاي بسيار خشك قرار نگیرند و عمل نکنند؟

رهبر معظم انقلاب: خيلي خوب. آنچه را گفتيد، خيلي از آنها را من قبول دارم. اولاً اينكه مي‌گوويد جوانان در كجا اجازه دارند نوآوري كنند، بايد بگويم كه نوآوري اصلاً چيزي نيست كه اجازه لازم داشته باشد و كسي كه مي‌خواهد نوآوري كند، از كسي اجازه بگيرد. اگر ميداني وجود داشت، اين نوآوري و خلاقيت به وجود خواهد آمد. من معتقدم نوآوري بايد در همه زمينه‌ها انجام بگيرد. معنای نوآوري اين نيست كه ما اصول پذيرفته شده منطقي و عقلايي خودمان را زير سؤال ببريم. معنای نوآوري، پيشرفت و تكامل در اموري است كه روبه تكامل

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

هستند. مثلاً عدالت چيز خوبي است، هر كسي كه بخواند نوآوري كند، شيوه خوبي را براي تأمين عدالت پيدا مي‌كند اما در خوبي عدالت شك نمي‌كند. محبت به پدر و مادر، محبت به فرزند، يك امر طبيعي است، ممكن است كسي براي آن شيوه‌اي پيدا كند كه تاكنون وجود نداشته است اما در اصل اين اصول كسي شك نمي‌كند. بنابراين وقتي شما به نوآوري اشاره مي‌كنيد و مي‌گوويد جوان مي‌خواهد نوآوري كند، لزوماً به آن معني نيست كه نوآوري شامل نوآوريهاي غيرمنطقي و نامعقول هم مي‌شود. بنابراين نوآوري درست مورد نظر است.

بنده کاملاً موافق هستم که باید نوآوری بشود، لیکن این که می‌گویید جامعه ما نمی‌پسندد، من این را نمی‌توانم خیلی از شما قبول کنم. حالا یا شما چون جوان هستید و داخل خانواده خودتان یاجای دیگر قرار دارید، خبری دارید که من ندارم، یا من چون تجربه بیشتر و اطلاعات زیادتری دارم، چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید، به هر حال یکی از این دو تاست. من گمان می‌کنم که جامعه ما جامعه‌ای است که نوآوری را اصلاً تربیت می‌کند و استقبال می‌کند. یک نمونه‌اش همین است که شما در مورد حضرت امام (ره) اشاره کردید. امام بزرگوار یک مرد کهنسال هشتاد ساله بودند که در اواخر عمرشان این دو فتوایی را که شما می‌گویید، صادر کردند. اینها نشان‌دهنده آن است که جامعه ما اصلاً جامعه‌ای است که با پدیده‌های نو و معقول و منطقی کاملاً همساز و همخوان است.

خانواده‌های ما هم همین‌طورند. البته ممکن است خانواده‌ها با بعضی از «از حد خارج شده‌های جوانان» مقابله کنند، این هم منطقی است. نباید هم از پدران و مادران انتظار داشته باشید که به جوانان اصلاً تذکر ندهند. هر جوانی به کمک فکری پدر و مادر خود احتیاج دارد. نباید تصور کرد که کم‌های فکری پدر و مادر، و بکن‌کن‌های پدران و مادران و مشفقانه، جلوی نوآوری جوانان را می‌گیرد، نه این‌طور نیست. من گمان نمی‌کنم آن جایی که نوآوری معقول و منطقی و صحیحی باشد، پدر و مادر یا مخصوص جامعه ما در مقابل آن بایستد، نه، امروز اصلاً تشویق به نوآوری جزء شعارهای مکرر این جامعه و این نظام است.

ما نوآوری را دوست می‌داریم، منتها همان‌طور که شما هم در صحبت‌هایتان دیدم کاملاً توجه داشتید و به آن اشاره کردید و من هم تصریح کردم، نوآوری بایستی به نوآوری‌های غیرمنطقی و گاهی ناخردانه منتهی نشود. یعنی انسان با هرچه که سنت است، با هرچه که از نسل قبل است یا

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

قدیمی است، به صرف اینکه من می‌خواهم نوآوری کنم، مبارزه کند، این اصلاً منطقی نیست، این را عقل نمی‌پذیرد. نوآوری یعنی در آن میدانهایی که حرکت تکاملی وجود دارد، بایستی ما آن را پیش ببریم. بنابراین از جوانان این انتظار هست که نوآوری و خلاقیت کنند.

البته افرادی هم هستند که چشم و گوششان خیلی بسته است، من این را هم منکر نمی‌شوم. تاجر و تصلب هست، لیکن همان انسانهای متحجر را هم می‌توان با شیوة منطق درست آگاهشان کرد. ما این را در دورة مبارزات خیلی تجربه کردیم. جوانانی که دوروبر ما بودند که در خانواده خودشان گاهی حرفهایی را مطرح می‌کردند و پدران و مادران خود را برآشفته می‌کردند. اتفاقاً افتاده بود که بعضی از این پدران و مادران به ما مراجعه می‌کردند. برای خود من چندین بار از این قبیل مراجعات اتفاق افتاد. آدم با آن پدر و مادر که صحبت می‌کرد، می‌دید که هیچ تعصبی ندارد چون محتوای حرف فرزندش را نمی‌داند، یعنی آن جوان نتوانسته بود مقصود خودش را درست بیان کند، لذا این، پدر و مادر را آشفته می‌کرد. به هر حال آدمهایی را هم که انسان خیال می‌کند درمسأله‌ای تعصب و تحجری دارند، می‌توان با منطق درست توجیه‌شان کرد. البته پیش از آن باید به این نکته توجه کرد آنچه که او دارد بخرج می‌دهد، تعصب و تحجر نیست، او دارد اشتباهی را از من تصحیح می‌کند، به این نکته هم بایستی توجه کنید.

© با توجه به این که نوگرایی، یکی از ویژگیهای انسان به‌شمار می‌رود و نوعاً در مسائلی از قبیل آرایش و پوشش خودنمایی می‌کند، نظر جناب‌عالی در مورد نحوه برخورد با اینها چیست؟ دستگاههای دولتی چه کارهایی تاکنون انجام داده‌اند؟ آیا موفق بوده‌اند؟

در پاسخ شما آن چیزی که حالا می‌توانم عرض کنم این است که اصل گرایش به زیبایی و زیباسازی و زیبادوستی، یک چیز فطری است. البته این شاید با مقوله نوگرایی مقداری تفاوت بکند. نوگرایی چیز عام‌تری است. این

مسأله آرایش و لباس و این چیزهایی که شما گفتید، مقوله خاصی است که انسان، مخصوص جوان، از زیبایی خوش می‌آید و دلش می‌خواهد که خودش هم زیبا باشد و این عیبی هم ندارد، یک چیز طبیعی و قهري است، در اسلام هم منع نشده است، آن چیزی که منع شده، فتنه و فساد است.

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

این زیبایی و زیباسازی بایستی موجب این نشود که در جامعه اغطاط و فساد به وجود بیاید، یعنی ابتذال اخلاقی نباید به وجود بیاید، چگونه؟ راههای مشخص است. اگر ارتباط بیقید و شرط و بی بندوباری در روابط زن و مرد وجود داشته باشد، این موجب فساد خواهد شد. اگر به صورت افراطی به شکل مدپرستی دربیاید، این به فساد خواهد انجامید. اگر این مقوله زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال اینها، مشغله اصلی زندگی بشود، اغراف و اغطاط است، مثل

اینکه در دوره طاغوت، آن خانمهای اعیان و اشراف پشت میز آرایش می‌نشستند. فکر می‌کنید چند ساعت می‌نشستند؟ شش ساعت! این واقعیت دارد و ما خبرهای دقیق داشتیم که شش ساعت می‌نشستند. یک انسان، این مدت برای آرایش صرف وقت کند که می‌خواهد مثلاً به عروسی برود و موی سرش را یا صورتش را اینطوری درست کند. اگر کار به این شکل در بیاید، اغراف و اغطاط است اما فی‌نفسه رسیدن به سر و وضع و لباس بدون اینکه در آن خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد.

در اسلام «تبرج» ممنوع است. تبرج یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان برای جذب و فتنه انگیزی. این یک نوع فتنه است و خیلی اشکال دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان یا این پسر جوان به گناه می‌افتد - این اولیش است، شاید بتوانیم بگوییم کوچکترینش است - دنباله اش به خانواده‌ها می‌رسد. اساساً آنگونه رابطه بیقید و شرط و بیقید و بند برای بنای خانواده سم مهلك است چون خانواده با عشق زنده است. اصلاً

بنای خانواده با عشق است. اگر این عشق - عشق به زیبایی، عشق به جنس مخالف - در جای دیگر تأمین شد، دیگر آن پشتوانه قوی‌یی که استحکام خانواده باید داشته باشد، از بین خواهد رفت و خانواده‌ها متزلزل می‌شوند. به همین وضعی که امروز متأسفانه در کشورهای غربی هست مخصوص در کشورهای اروپای شمالی و آمریکا.

اخیراً آمریکاییان بشدت دچار این مشکل هستند؛ خانواده‌ها متلاشی می‌شوند و این مصیبت بزرگی شده است. این مصیبت هم در درجه اول، ضررش به خود خانمها برمی‌گردد. البته مردان هم بسیار سختیها می‌کشند اما بیشتر به زنان می‌رسد؛ بعد هم به آن نسلی که متولد می‌شود. این نسل بزهدان و تبهکار موجود دنیا و آمریکا را می‌بینید؟ اینها همه‌اش از آنجا شروع می‌شود؛

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

یعنی مقدمه و کلید شری است که دنبالش همین‌طور پی‌درپی شروع می‌آید.

در اسلام به مسأله زیبایی اهمیت داده شده است. زیاد شنیده‌ایم که: «ان الله جمیل و یبوالجمال»؛ «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. در خصوص رسیدن به سر و وضع روایات زیادی در کتب حدیثی ما هست. در کتاب «نکاح» مفصل بحث می‌شود که مرد و زن بایستی به‌خودشان برسند، بعضی خیال می‌کنند که مثلاً مردان باید موی سرشان را بتراشند؛ نه، در شرع برای جوانان مستحب است که موی سر بگذارند. در روایت هست که «الشعر الحسن من کرامة الله فاکرموه»؛ موی زیبا جزء کرامتهای الهی است؛ آن را گرامی بدارید یا مثلاً روایت دارد که پیامبر اکرم (9) وقتی می‌خواستند نزد دوستانشان بیایند، به ظرف آب نگاه می‌کردند و سر و وضع خود را مرتب می‌کردند. آن زمان که آینه به این شکلی که حالا هست و فراوان هم هست، نبود؛ جامعه مدینه هم که فقیر بود، پیامبر (9) ظرف آبی داشتند که وقتی می‌خواستند نزد دوستانشان بیایند، از آن به جای آینه استفاده می‌کردند. این،

نشاندنده آن است که سر و وضع مرتب، لباس خوب و گرایش به زیبایی، چیز مطلوبی در شرع اسلام است منتها آن چیزی که بد و مضر است، آن است که این وسیله‌ای برای فتنه و فساد و تخریب شود. همان‌طور هم که گفتم، ضررهایش تا خانواده و نسل بعد هم می‌رسد.

اخيراً در یکی از مجلات آمریکایی مطلبی دیدم؛ روزنامه‌های خودمان هم آن را منعکس کرده بودند. نوشته بودند که دو بچه ده، دوازده ساله در مدرسه کمین گرفته بودند و با مسلسل، یکمشت بچه و معلم را به رگبار بسته بودند! اول هم آژیر خطر را کشیده بودند تا بچه‌ها جمع شوند؛ بعد هم را به رگبار بستند! ببینید، برای یک جامعه این چنین وضعیتی واقعاً چقدر بد و دردآور است. جنایتی خونسردانه و از روی بی‌خیالی به خاطر تربیت بد. اینها همه‌اش دنباله همان بی‌بندوباری است.

© هنر همیشه نقش بسزایی در جامعه و اجتماع و حوادث و همین‌طور درمان‌گذار بودن این حوادث داشته است. به عنوان مثال، «هنر» در جامعه خودمان

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

در مبارزه و انقلاب و همین‌طور هشتاد سال دفاع مقدس و بعد از آن که مرحله‌سازندگی شروع شد، همیشه در صحنه حضور داشته است، خواهش من این است که شما تحلیل و تفسیر خودتان را در خصوص هنر همین دو دهه بعد از انقلاب فرمایید، سؤال بعدی هم این است که جنابعالی وضعیت کنونی هنر را چگونه می‌بینید و برای بهبود آن چه فرمایشاتی دارید؟ متشکرم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای: این چیزی که راجع به هنر گفتید، کاملاً درست است. هنر، زبان رسایی برای

همة موضوعات و به خصوص موضوعات پیچیده‌ای مثل انقلاب است. هرچه امثال من درباره انقلاب بگوییم، نخواهیم توانست آن حقیقت عظیم را تشریح کنیم مگر اینکه زبان هنر وارد میدان بشود، زبان هنر است که می‌تواند حوادث عظیم را تبیین و تشریح کند و ذهنها را روشن نماید. بنابراین همان‌طور که اشاره کردید، کاملاً درست است، هنر چنین نقشی دارد. البته مبارزات قبل از پیروزی انقلاب، در دوران مبارزات پانزده ساله، متأسفانه «هنر» وارد این میدان نبود، مگر خیلی بندرت، گاهی شعرهای خوبی گفته می‌شد که در روشنگری ذهنها اثر داشت. این اواخر (شاید سالهای دهه پنجاه) بعضی از نمایشنامه‌ها و هنرهای نمایشی هم تقریباً وارد میدان شدند اما خیلی کم و بندرت، مثلاً در تهران نمایشنامه «ابوذر» را روی صحنه آوردند، در مشهد نمایشنامه «باران» را جوانان خوبی بودند که روی صحنه آوردند که الان هم در زمینه‌های هنر فعالند - اما خیلی کم بود. غرض، هنر نقش زیادی در آن زمان نداشت.

متأسفانه در رژیم گذشته - که آن پانزده سال دوران مبارزات هم در همان سالهاست - هنر در قبضة صاحبان قدرت بود و حقیقتاً به انحطاطی دچار شده بودند و در میدان نبود، لیکن از لحظه پیروزی انقلاب هنر به میدان آمد، از دوجا هم آمد، عمدتاً از طریق استعدادهاي هنري نوظهور (یعنی جوانان) بود. شما الان می‌بینید در میان این هنرمندان معروفی که ما داریم، خیلیشان جوانان بعد از انقلابند، اینها کسانی هستند که یا در جبهه‌های جنگ یا در صحنه‌های انقلاب، بایک ایمانی، یک خودباوری پیدا کردند و به سمتی کشیده شدند، مثلاً دوربینی دستشان گرفتند و برای عکسبرداری به جبهه‌ها رفتند. این کارها اینها را به سمت هنر کشاند و همین‌طور بقیه هنرها، غالباً جوانان بودند که از اول انقلاب شروع کردند، بعضی هم از هنرمندان دوره قبل از انقلاب

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

بودند که اینها به انقلاب پاسخ دادند، رفتند کناری نشستند و هنرشان را در خدمت انقلاب قرار ندادند. در مجموع، از اول انقلاب تا امروز که بیست سال می‌گذرد، هنر نقش زیادی داشته و در عرصه‌های مختلف، انواع هنرها - نه فقط هنرهای نمایشی یا هنر شعر، بلکه انواع هنرها - وارد میدان شدند و کارهای برجسته و بزرگی انجام دادند و هنرمندان جوان پرورش پیدا کردند.

اما اینکه شما می‌پرسید من نظرم نسبت به وضع کنونی هنر چیست، باید بگویم که اگر امروز را با قبل از انقلاب مقایسه کنید، ما خیلی وضعمان خوب است، برجستگی هم داریم، اما اگر با آنچه که باید باشیم، مقایسه کنیم، نه، عقبیم، من صریحاً اعتقاد دارم که عقبیم، ما هنوز در زمینه قصه‌نویسی، در زمینه شعر، در زمینه هنرهای نمایشی (یعنی سینما و تئاتر) کاستی‌های زیادی داریم، کارهای نشده فراوانی داریم و انسان ناشیگری‌های متعددی را مشاهده می‌کند. من امیدوارم کسانی که در رشته‌های هنری فعالند، همان خودباوری را که ما در عرصه‌های دیگر انقلاب در جاهایی مشاهده کردیم و دنیا را به خودش متوجه کرد (در زمینه صنعت، در زمینه صنایع نظامی، واقعاً ما کارهایی کرده‌ایم که دنیا متوجه آنها شده است) در زمینه هنر هم بلکه بتوانیم انشاءالله کارهایی بکنیم که شاخصه ملت بزرگ ایران و انقلاب بزرگمان باشد، این امید را من دارم.

هنر و جوان

مسلم است که اگر جوانان معتقد ما با ذخیره ارزشمند استعداد که در آنان هست و با زمینه‌مساعدی که انقلاب برای آنان فراهم آورده و با بهره‌گیری از سوژه‌های بدیع و بی‌نظیری که صحنه‌های انقلاب و جنگ تحمیلی در اختیار آنان نهاده و نیاز مبرمی که امروز به هنر نمایشی‌برای رسوخ و گسترش مفاهیم انقلابی احساس می‌شود، همت خود را

صرف تئاتر و سینما کنند و تکنیک و محتوا را پیش ببرند، پس از چندی انقلاب اسلامی خواهد توانست برجسته‌ترین آثار هنری در این رشته را به دنیا عرضه کند و بشریت به یکی از ارزشمندترین هدایای اندیشه الهی و اسلامی دست یابد.

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

ما عقیده داریم که هنرمند جوان امروز که صادقانه دل به انقلاب سپرده و در خدمت انقلاب و در خدمت آرمانها و ارزشهای انقلاب قرار گرفته است و مؤمنانه از انقلاب حرف می‌زند، همان‌گزارشگر جاودانه تاریخ این روزگار و حقایق این روزگار است.

البته هنر انقلابی هنوز جوان است، از پیش آزموده و تجربه نشده. این طبیعت جوان و این نهال تازه روییده، بتدریج رشد می‌کند. شما عزیزان، همه هنرمندان، همه شاعران، قصه‌نویسها، سازندگان‌نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌ها و تابلو و همه آثار هنری و نمودارهای زیبایی‌های آفرینش‌موظفید، نه به‌وظیفه خارج از الهام درونی خودتان، بلکه به وظیفه هنری، به وظیفه اخلاقی، این نهال جوان را بارور و شکوفا سازید.

اسلام و موزیک

© نقل است موقعي که زبان از کلام بازمی‌ایستد، موسیقی آغاز به سخن‌می‌کند، با این تفاوت که این زبان نه تنها منبعث از فرهنگی است که از آن برخاسته، بلکه می‌تواند گستره بسیار وسیعتری را که شامل کل دنیا می‌شود، دربرگیرد و به عناوین یک زبان بین‌المللی در بیاید. همان‌طور که کلام می‌تواند جنبه‌های مثبت و پویا و ارزشمندی داشته باشد، به همان اندازه هم می‌تواند سخیف و نادرست و کم‌ارزش باشد. با توجه به همین جنبه‌های مختلف موسیقی بود که حضرت امام (ره) با توجهی که نسبت به موسیقی و اهمیت آن در جامعه امروز داشتند، نظرات خودشان را در این مورد فرمودند و با پاره‌ای ملاحظات خاص که مورد نظر جامعه ما و اسلام است، شکل مجاز و غیرغنائی آن را جایز دانستند. بعد از آن هم هرچند که با سیر بطئی موسیقی مواجه بودیم، اما به‌رحال شاهد روند روبه‌رشد موسیقی در کشورمان بوده‌ایم. مسأله‌ای که وجود دارد و باعث شده که این هنر نتواند آن جایگاه واقعی خودش را متناسباً قابلیت‌های خودش در جامعه ما پیدا بکند، این است که بطور کلی امور هنری و فرهنگی کشور ما واجد مسؤولان و متولیان متعددی است که بطور موازی در

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

این جنبه‌ها تصمیم‌گیری و اعمال نظر می‌کنند. اگر بخواهیم شفافتر بگوییم، باید عرض کنیم که در این زمینه‌ها اختلاف سلیقه‌های زیادی وجود دارد که باعث شده جوانان و بویژه جامعه موسیقی ما در این خصوص بلا تکلیف‌بمانند. سؤال بنده از حضرت‌عالی این است که جدای از آن جنبه‌های فقهی که قبلاً به آن پرداخته شده و از حضورتان سؤال شده، نظرتان بطور خاص در مورد قابلیت‌های اجتماعی موسیقی به عنوان یک هنر چیست و این که در جامعه امروزی ما با مقتضیات امروزی ما، با مقتضیات جوان امروز ما، با نوگرایی‌هایی که جوان ما طالب آن است، فکر می‌کنید موسیقی چه شرایطی باید داشته باشد؟ همچنین نظر خود را در خصوص جنبه‌های ویژه در موسیقی غیر سنتی، به‌عنوان این که زبانی بین‌المللی - و نه غربی - است، بفرمایید. آیا به این موضوع قائل

هستید که بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی - که یکی از مهمترین روشهایش نفوذ از راه هنر و بویژه از راه موسیقی است - ارائه الگوهای پاک و سره و ناب و متناسب با شرایط ملی و مذهبی کشورمان هست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه، من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کشتی داشته باشد. بهتر است بگوییم یکی از راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی است.

بله، یکی از راههاست. البته با شرایطی می‌تواند باشد، اما بهترین راهش را این نمی‌دانم. ببینید، در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد: یکی اینکه ببینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست و دیگر اینکه ببینیم در مصداق مرزهایی را مشخص کنیم تا به قول شما جوانان بدانند که این یکی حرام و این یکی حلال است. البته این دومی کار آسانی نیست، کار دشواری است که انسان از این اجراهای موسیقی‌های گوناگون - موسیقی خارجی، موسیقی ایرانی هم با انواع و اقسامش، با کلام، بی‌کلام، بخواند یکی‌یکی اینها را مشخص کند اما مشخصه‌های کلی‌یی دارد که آن را می‌شود گفت. البته من هم در جاهایی به بعضی از اشخاصی که دست‌اندرکار بودند، آنچه را که می‌توانستم و می‌دانستم، گفته‌ام، حالا هم مختصری برای شما عرض می‌کنم. ببینید،

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

موسیقی اگر انسان را به بیکارگی و ابتذال و بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشانند، این موسیقی، موسیقی حلال نیست، موسیقی حرام است. موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، این موسیقی حرام است. موسیقی اگر انسان را به‌گناه و شهوترانی تشویق کند، این موسیقی حرام است. از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضی از آنها در موسیقی بی‌کلام و در سازهاست، بعضی هم حتی در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده بی‌ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده

می‌شود، شعر گمراه کننده‌ای باشد، شعر تشویق کننده‌ای به بی‌بندوباری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و این‌طور چیزها باشد، آن وقت حرام می‌شود. بنابراین آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکشان (که آن‌نظریه را در باب موسیقی دادند) به همین مطلب بود، این است. موسیقی لهوی داریم، ممکن است موسیقی (به اصطلاح فقهی‌اش) موسیقی لهوی باشد.

لهو یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فروغلتیدن در ابتذال و بی‌بندوباری. این موسیقی می‌شود حرام. اگر این‌با کیفیت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود، فرقی نمی‌کند.

شما می‌گویید زبان بین‌المللی. آن موسیقی‌ای که به قول خود شما مرزها را درنوردیده و درجاهایی پخش شده، آیا این لزوماً موسیقی خوبی است؟ صرف اینکه یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه، به هیچ وجه. ممکن است یک موسیقی‌یی باشد که به شهوترانی و تحرکات و نشاط‌های جوانی تحریک می‌کند، طبیعی است که یک موش جوانی که غفلت‌زده هستند، از این موسیقی خوششان می‌آید. هرجایی که در دنیا دستشان به این نوار بیفتد، از آن نوار استفاده می‌کنند. این دلیل خوب بودن موسیقی نیست.

من نمی‌توانم مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی، موسیقی حلال است، نه، این‌طور نیست. بعضی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غریبی

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

است، نه، این‌طوری نیست.

آن موسیقی‌یی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می‌کردند و می‌گفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افراد بی‌بندوبار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و خوض در شهوات می‌کردند، اجرا می‌شده، این همان موسیقی حرام است. بنابراین مرز موسیقی حرام و حلال، عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست، مرز آن چیزی است که من عرض کردم. این ملاک را می‌شود به دست شما بدهیم، اما اینکه آیا این نوار جزو کدامه‌است، این را من نمی‌توانم مشخص کنم.

البته الان دستگاه‌هایی هستند که دارند همی‌می‌کنند، اما من خیلی هم اطمینان ندارم که این همی‌ها صددرصد درست باشد.

گاهی می‌آیند به ما می‌گویند که یک نوار بسیار بد یا مبتذل را دارند به صورت مجاز پخش می‌کنند، گاهی هم ممکن است عکس این اتفاق بیفتد. من الان نمی‌دانم واقعاً این همی‌ها چقدر از روی واقع‌بینی و ضابطه‌مندی انجام می‌گیرد، اما آن چیزی که من نمی‌توانم به شما (به عنوان یک جوان خوب و به عنوان کسی که مثل فرزندانشان خودم هستید) به عنوان نصیحت و نظر خودم بگویم، این است که عرض کردم.

به نظرم می‌رسد که موسیقی می‌تواند گمراه کننده باشد، می‌تواند انسان را به شهوات دچار کند، می‌تواند انسان را غر در ابتذال و فساد و پستی بکند، می‌تواند هم این نباشد و می‌تواند عکس این باشد، مرز حلال و حرام اینجاست.

من امیدوارم که شما جوانان با این زاد و تقوا بتوانید وارد میدان بشوید و تولیدهایی داشته باشید که به معنای حقیقی کلمه هم خصوصیات موسیقی خوب و بلیغ را داشته باشد و به معنای حقیقی تأثیرگذار مثبت باشد و حقیقتاً جوانان و روحها را به صفا و معنویت و به حقیقت رهنمون کند.

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

«غنا و تشخیص آن»

... اما در مورد موسیقي باید اعتراف کنم هنوز در این مسأله ما آن پاسخ روشن و کامل را ندایم، لاقلاً من ندارم. در گذشته و الان نیز بر آن عقیده هستم. روی این جمله تکیه می‌کردیم که آهنگ مخصوص مجالس لهو، گناه و حرام است... آن وقتها ما فکر می‌کردیم آهنگ‌های ترانه‌های مخصوص مجالس لهو است... اما دستگاہها، فرض کنیم دستگاہ شوریا ابوعطا یا همایون و امثال آن چطور؟ همه کسانی که حنجره آنها يك نوایی را بیرون داده، با یکی از همین دستگاہ‌های دوازده‌گانه بوده است. پس این حرام نیست و اصلاً موسیقي همین آهنگها و ریتم‌های مخصوص است... اینها حرام نیست مگر آنکه باز در لابلاي آن يك چیزی بگنجانند که آن حرام باشد. غنا که در شرع اسلام حرام است، اشاره به شکل ندارد بلکه اشاره به محتوا می‌کند. اصلاً وقتی می‌خواهید به دنبال غنا بگردید، آن آهنگ را به لحاظ محتوا مطالعه کنید. یعنی غنا يك امر محتوایی است، نه يك امر قالبی. اگر شما با زیباترین ترانه‌ها با هر کیفیتی يك محتوای توحیدی را بیان کنید، این حرام نیست. اما اگر مثلاً با همان آهنگ متین و موقر همایون و با يك لحن خیلی عادی يك چیز حرام و گناهی را بیان کنید، این غناست. البته این به عنوان فتوا نبود... و ما هم مسجلاً نمی‌گفتیم...

این حرفی بود که آن وقت برای ما مطرح بود لکن الان... آنچه مطرح است اینست که از قول امام نقل شد: که ایشان در مورد بعضی از آهنگ‌هایی که حتی با ساز همراه بود، فرمودند این مقدار اشکالی ندارد... چنین استنباط کردیم که نظر امام بر اینست که: ساز بطور مطلق حرام نیست و ترانه هم همین‌طور. یعنی ترانه‌ای که محتوای درستی

دارد و با يك ساز ملايمي همراه است، اين اشكالي ندارد. اما اگر يك ساز جلفي بود و محتواي نادرستي هم داشت، هر کدامش موجب حرمت مي شود.

البته اين را هم بايد عرض كنم كه سازها عموماً انسان را مقداري از حالت جد خارج مي كند و از حق نبايد گذشت كه آهنگ اين چنين است. مگر آنكه آنچنان محتوايي داشته باشد كه نگذارد، مثل قرآن، يعني آهنگ قرآن اين هنر را دارد كه... به آنچه قرائت شده جان مي دهد و آن را در نظر انسان برجسته تر مي كند و كلمه به كلمه را در مغز مي نشاند، مثل آبي در روح جريان پيدا مي كند، لذا

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

آن حالت منفي ناشي از صداي خوش مثلاً شيخ مصطفي اسماعيل را از بين مي برد... همن سرود مرحوم شهيد بهشتي... من خودم وقتي بار اول شنيدم با توجه به خاطرات و سوابق ذهني كه تاثيرات آهنگ و موسيقي براي من بيش از يك آدم معمولي است و محتوا در من يك اثر بيشتري مي گذارد تا آن آدمي كه به آن اندازه با مسأله آشنائي ندارد، ديدم اين ترانه مرا كاملاً از حالت جد خارج مي كند و الان هم وقتي گذاشته مي شود، مي روم در عالم ذهنيات... يك چيزي كه شايد خيلي لطف نداشته باشد.

© سؤال بعدي اينست كه: هنوز موضع مشخصي در مورد موسيقي در جامعه اسلامي اتخاذ نشده است و نحوه برخورد از سوي مسؤولين و آيات عظام در اين مورد متفاوت است، چرا؟

اين از آن اشكالات كاملاً وارد است و من تصديق مي كنم كه ما خيلي زودتر از اين بايستي تكليف موسيقي را روشن مي كرديم. البته من يك جمله به شما بگويم، آن چيزي كه در اسلام حرام است، غناست، نه موسيقي، موسيقي هر آهنگ و صدائي است كه از حنجره يا وسيله اي به يك شكل حساب شده بيرون مي آيد. اما آن چيزي كه حرام است نوع

خاصی از موسیقیست که غنا باشد. علت اینکه نظرات مختلف است، این است که در مورد غنا، ما آیات و روایات صریح که مشخص کند غنا چگونه چیزیست، نداریم، لذا استنباط فقهی از غنا متفاوت است. مثلاً مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رضوان الله علیه معتقد بودند: غنا آن چیزی است که مخصوص مجالس لهو باشد یعنی آن آهنگها و آوازهایی که فقط در مجالس لهو و خوشگذرانی خوانده می‌شود، حرام است ولو اینکه در بیرون مجلس لهو خوانده بشود. و ما آن زمان که مرحوم آیت الله بروجردی حیات داشتند، این را تطبیق می‌کردیم با آن آهنگها و ترانه‌هایی که در آن وقت معمول بود اینها را ما قدر مسلم از غنا می‌دانستیم ولی موارد دیگر مسلم نبود.

... اما در مواردی که شبهه وجود داشته باشد که آیا این مثل غنا هست یا غنا نیست، طبق اصطلاح متدیک علمای اصول، این «شبهة مفهومی»ست و در شبهة مفهومی: بیشتر بزرگان و علمای علم اصول، برائت جاری می‌کنند، یعنی هر جا که ما شك کردیم که آیا این غنا هست یا نیست، باید بگوییم غنا نیست و حرام نیست. (پس شما برای اینکه يك چیزی را بخواید گوش

دیدگاه مبارك حضرت امام (ره)

کنید، کافی است شك کنید که غنا هست یا نیست!) . لیکن ماورای این همه، خیلی لازم است که مادر این زمینه کار درستی بکنیم و این به عهده فقهای ماست. من بارها این مطلب را به برادران بزرگ خودمان از فقها و اساتید گفته‌ام که ما فعلاً وقت نمی‌کنیم بنشینیم این مسائل را بررسی کنیم و واقعاً امروز مجال کار علمی و فقهی نداریم. لذا برادرانی که در قم از زمرة فقها و آگاهان از رموز اسلامی هستند، باید بنشینند، مسأله غنا و موسیقی را برای مردم حل کنند.

© جوان چگونه می‌تواند حس نیاز به هیجان را در خود ارضا کند و از آن استفاده نماید؟

سؤال خوبی است؛ البته دشوار هم هست؛ یعنی از آن سؤالهای آسان نیست. ببینید، هیجان در منطقه خاصی است. چیزهایی هست که هیجان در آن آشکار است. مثلاً ورزش (مخصوصاً بعضی از ورزشها مثل فوتبال) یک حادثه هیجانی است. طبیعت فوتبال اینطوری است و با نوع بازی والیبال و تنیس فر دارد، از جهت اینکه اصلاً بافت بازی، بافتی است که در آن مبارزه و هیجان و امثال اینها زیاد است. ورزش به طور کلی یک چیز هیجانی است. کارهای هنری هم هیجان‌انگیز است؛ اما اینها آن چیزهایی است که هیجانشان آشکار است.

هیجان فقط مخصوص این منطقه‌ها نیست. اگر جوان بتواند منطقه مورد علاقه خودش را (هرچه که هست) پیدا کند، براحتی می‌تواند آن هیجان را در خود ارضا کند، مثلاً آن هنگامی که من جوان بودم و لباس طلبگی تنم بود و محدودیتهای لباس و محدودیتهای محیط هم وجود داشت؛ اما در عین حال ما هم هیجان داشتیم و آن هیجان ارضا هم می‌شد. چگونه؟ من به شعر علاقه داشتم. ممکن است باور این برای شما خیلی سخت باشد. جلسه شعری بود که چهار، پنج نفر دوستی که به شعر علاقمند بودند، دو ساعت، سه ساعت می‌نشستند و راجع به شعر حرف می‌زدند و شعر می‌خواندند. این برای کسی که به این مقوله علاقمند است، روحیه هیجانش را به همان اندازه ارضا می‌کند که یک فوتبالیست در میدان فوتبال یا یک علاقمند به فوتبال در حین تماشا فوتبال. بنابراین میدانها محدود نیستند.

مثال دیگر مربوط به همان دانشجوی مهندسی است که شما مثال زدید، شما می‌گویید او درس می‌خواند و هیجان ندارد. آدم وقتی اسم درس را می‌آورد، فکر می‌کند درس که هیجانی ندارد.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

درست است که کلاس درس هیجان ندارد، اما اگر فرض کنیم یک کارگاه مجهز در کنار کلاس درس، در دانشگاه یا بیرون دانشگاه باشد (مثل این که الان معمول شده که جوانان در دوره‌ای از تحصیل مهندسی می‌روند با کارخانجات

ارتباط برقرار می‌کنند) این جوان احساس می‌کند که در این کارگاه امکانی وجود دارد که او می‌تواند ابتکار مورد نظر خودش را و آن فکری که به ذهنش رسیده، در این فضا ابداع و دنبال کند. آیا فکر می‌کنید که او هیجان کمتری خواهد داشت؟ خیلی هیجان دارد.

این که به برادرمان می‌گفتم کار تحقیقی بکنند، کار تحقیقی باید از روی عشق و شو باشد. آن کار تحقیقی که آدم را مجبور کنند و بگویند تحقیق کن، البته چیز خشک بی‌هیجانی خواهد بود؛ فایده‌ی هم ندارد. اما در همان رشته‌ی که شما آن را دوست دارید و به آن علاقمندید، برای آن درکنکور شرکت کرده‌اید، در دانشگاه دارید درسش را می‌خوانید و استاد خوبی هم دارید، حالا کارگاه مجهزی هم در کنار دستتان هست که می‌توانید نتیجه آن فکر و نوآوری‌هایی که دارید، آنجا ببرید و تحقق ببخشید، خیلی خوب است.

من می‌خواهم اینطوری بگویم که نباید این را به عنوان یک سؤال و یک نگرانی در ذهنمان بیاوریم که هیجان جوانان را چگونه ارضا کنیم؛ نه، اگر در بخش‌های مختلف، میدان زندگی باز باشد، جوان خودش به آنجایی می‌رود که علاقه دارد هیجان خودش را ارضا کند.

کاری که ما باید به عنوان مسئولان کشور بکنیم و نیز همه کسانی که می‌توانند و به کشور علاقمندند (اعم از دولت و غیر دولت و بخش‌های مخصوص جوانان) این است که میدان را برای فعالیت صحیح و سالم جوانان باز کنند؛ حالا مثلاً جوانی به مقوله ادبیات علاقمند است یا جوانی به مقوله اقتصاد علاقمند است. طبیعتاً اقتصاد آزمایشگاه ندارد، اما ناگهان اعلام می‌شود که فلان اقتصاددان کشور یا خارج از کشور، در فلان جا جلسه درس یا سمینار دارد و می‌خواهد سخنرانی ایراد کند. این برای جوانی که به این مقوله علاقه دارد، خیلی معنا دارد. بلیط بگیرد، فوراً برود خودش را برساند و از استاد سؤال کند. اینها همه‌اش هیجان است. یعنی اگر به توفیق الهی، با همین‌روندی که از اول انقلاب هم پیش رفته، میدان کار و فعالیت در مقابل جوانان گشوده بشود، جوانان

خواهند توانست آن هیجان جوانی را که جزء برکات جوانی است، ارضا کنند. البته قبول

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

می‌کنم که به خاطر گرفتاریهایی که تاکنون وجود داشته، به قدر نوزده سال پیش نرفته است. از این نوزده سال، هشت سالش واقعاً جنگ بوده؛ دو، سه سال اولش ناآگاهی مسئولان و عدم ورود و عدم تجربه بوده؛ بعد یواش یواش راه افتاده است. شما هنرمند هستید و الحمدلله چهره شما هم آشناست و ما شما را در تلویزیون دیده‌ایم. عزیزان من! شما هنرمندان خیلی می‌توانید به مردم خدمت بکنید. مردم از شما می‌توانند یاد بگیرند. اگر هنرمند حقیقتاً آن تقوایی را که من گفتم، داشته باشد؛ یعنی وقتی شما دارید این حرکت را انجام می‌دهید، این بخش را دارید اجرا می‌کنید، یادتان باشد که يك عده جوان، يك عده كودك، يك عده زن و مرد دارند به شما نگاه می‌کنند و نگاه خواهند کرد و از این چیزی خواهند آموخت و درصدد باشید که کارتان خوب و متعالی باشد، من خیال می‌کنم شما خیلی می‌توانید خدمت کنید. هنر زبان رسایی دارد که هیچ زبانی به رسایی آن نیست؛ نه زبان علم، نه زبان معمولی، نه زبان موعظه، به رسایی زبان هنر نیست. یکی از رازهای موفقیت قرآن، هنری بودن آن است. قرآن خیلی در اوج هنر است؛ فوالعاده است؛ واقعاً آن وقت مردم را مسحور کرد؛ والا اگر پیامبر اکرم (9) بدون زبان هنری می‌نشست با مردم همین‌طور حرف می‌زد، البته عده‌ای علاقمند پیدا می‌کرد، اما آن صاعقه، آن رعد و بر، آن طوفان دیگر بوجود نمی‌آمد. این هنر است که کارها را می‌کند؛ آثار هنری این‌گونه است. الان هم که آدم شعر حافظ را می‌خواند، می‌بیند چیز عظیمی است؛ تأثیرگذار است. آن وقت این هنرهای نمایشی، از شعر و ادبیات هم تأثیرشان تندتر است؛ البته نمی‌دانم ماندگار تر است یا نه. ممکن است مثلاً آدم بگوید در جاهایی ماندگارتر هم هست یا نیست؛ اما به هر حال اثرش سریع‌تر و قاطع‌تر و کوبنده‌تر است.

شماها خوب می‌توانید اثر بگذارید. من خواهش می‌کنم آن کسانی که این فیلمنامه‌ها و این سناریوها را می‌نویسند، آن کسانی که بازی می‌کنند، آن کسانی که کارگردانی می‌کنند، آن کسانی که فضا سازی می‌کنند، آن کسانی که طراحی لباس می‌کنند (که یکی از آن چیزهای بسیار مهم در کارهای هنری که کمتر هم به آن توجه می‌شود، طراحی لباس است؛ چون این لباسی که شما می‌پوشید، برای یک عده الگو می‌شود و جاذبه دارد) بدانند که چکار می‌کنند؛ فکر عواقبش را بکنند. به هر حال زمینه خیلی خوبی است.

دیدگاه مبارک حضرت امام (ره)

مقتضیات پوشش و سلیقه‌ها در مورد جوانان

© مقتضیات و حوادث دوره اول انقلاب طوری بود که نسل جوان آن دوره رابه گونه‌ای خاص ترسیم می‌کرد. آیا نسل جوان امروز هم باید با همان سلیقه‌ها، همان طرز پوشش، همان نوع حضورش در اجتماع، همان خواسته‌ها و همان نیازها را داشته باشد. به تعبیر دیگر نسل کنونی جامعه امروزی با شرایطی روبروست که با شرایط دوران اول انقلاب بسیار متفاوت است، اما متأسفانه برخی احکامی را برای این نسل صادر می‌کنند که شاید بشود گفت چندان مورد رضایت و خوشایند این نسل نیست. شما بفرمایید طبیعی‌ترین رفتاری را که از نسل جوان امروزی می‌شود انتظار داشت، کدام است یا بهتر بگویم جناب عالی چه خصوصیاتی را برای نسل جوان امروزی قبول دارید؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی: من اول يك صحيح كوچك در تعبيرات شما بكنم. گفتيد «دوره اول انقلاب» من نمي دانم دوره اول انقلاب كي است. «دوره اول انقلاب» تعبير درست و كاملي نيست.

انقلاب را بي خود به دوره هاي فرضي و خيالي تقسيم نکنند. مي بينم بعضي ها اينطور مي گويند، بعضي ها مي گويند «دهه اي انقلاب» - دهه اول، دهه دوم، دهه سوم - اما سال نوزدهم و سال بيستم و سال بيست و يكم هيچ خصوصيت متمازي با هم ندارند. اينطور نيست كه ديوار بين اين دهه و آن دهه كشيده شده باشد. انقلاب يك دوره است، انقلاب يك حركت مستمر است، انقلاب يك چيز دفعي و آني نيست، انقلاب تحولي است كه به طور مستمر در طول ساليان در انجام مي گيرد. هرچه كه سريعتر و بهتر پيش برويم، البته زودتر و بهتر به هدفها خواهيم رسيد.

ببينيد اينكه سليقه هاي گوناگون و يا اقتضائات مختلفي در مورد جوان وجود دارد، شكي نيست، در زمينه لباس و پوشش و آن چيزهايي كه مي شود به آن «سليقه» گفت، هر زماني، هر دوره اي، هر شهري، هر قشري و هر محيطي اقتضايي دارد. شما الان در اينجا لباسي را مي پوشيد كه اگر مثلاً به گوشه جنوب شرقي كشور برويد، مسلم اين لباس در آنجا خيلي مطلوب نيست، آنجا لباس ديگري

ديدگاه مبارك حضرت امام (ره)

وجود دارد كه با اقتضائات اقليمي و جغرافيايي و تاريخي و غيره، آن را انتخاب مي كنند و همين طور در يك گوشه ديگر اينها چيزهايي نيست كه جداكننده اصلي باشد.

آنچه كه ما امروز از جوان انتظار داريم، عيناً همان چيزي است كه در روز اول انقلاب و قبل از انقلاب از جوان انتظار داشتيم. ما از جوان مي خواهيم كه در عين پاكي و پارسايي و دينداري، بانشاط باشد، پرشور باشد، اهل ابتكار باشد، خلا باشد، كار كند، از تنبلي و بيكارگي بپرهيزد، تقوا را براي خودش شعار قرار بدهد، واقعاً

دنبال تقوا باشد (همان معنای «پرهیزکاری» که در فارسی معنا می‌کنند و معنای خوبی است، به نظرم من یک وقت شرحی هم راجع به آن در خطبه‌های نماز جمعه گفتم) خویشتندار باشد، از این نیروی عظیمی که اسمش جوانی است، در راه تکامل خودش، رشد خودش و خدمت به کشورش، به خانواده‌اش و به محیطش استفاده کند. ما از جوان این انتظار را داریم، هر وقت هم یک اقتضایی دارد. وقتی که در کشور جنگ هست، از جوان یک انتظار هست، وقتی که در کشور دوره ساختن و سازندگی و تلاش اینگونه هست، یک انتظار هست، آن وقتی هم که میدان علم و پیشرفت علمی و تحقیق است و نیاز کشور به این طرفاست، از جوان این انتظار هست. درست هم این است که بگوییم از هر جوانی اقتضاء خواستها و پسندهایش، انتظاراتی وجود دارد که مجموعه این انتظارات در واقع حرکت عظیم ملی ما را شکل می‌دهد و موتور برای حرکت کشور است. جوانان حقیقتاً به یک معنا موتور محرکه کشور هستند، هم در امروزشان که جوانند، هم در فردایشان که مردان و زنان و کارگزاران کشور خواهند بود. هر کدام در هر کجا که هستند با پاکي و پارسايي و دينداري و تقوا اين نيروي عظيم جواني را بكار گيرند. البته گاهي اوقات هست که تقوا اقتضايي دارد. مثلاً فرض بفرمایید در مورد خانمها، حجاب، آن حفاظ زنانه را که در واقع احترام به زن است، مظهر تقوا می‌دانیم. البته من الآن لازم نمی‌دانم که درباره مسأله حجاب صحبت کنم، چون شما همه‌تان باحجابید. حجاب چیز خوبی است، حالا چگونه این حجاب را تأمین بکنند، البته ممکن است که سلیق و نظرها مختلف باشد. به هر حال انتظار من از جوانان همان چیزی است که عرض کردم.

سخنان حجة الاسلام خاتمی

سخنان حجة الاسلام خاتمی پیرامون جوانان

آنچه خواهید خواند بخشی از سخنان و بیانات ریاست جمهور محترم جناب حجة الله المسلمین خاتمی در زمان تصدی وزارت ارشاد اسلامی پیرامون جوانان و مسائل فرهنگی مبتلا به این بخش عظیم و سرمایه ملی کشور می باشد که از طریق کتابخانه و مرکز اسناد وزارت ارشاد اسلامی تهیه و در اختیار شما قرار می دهیم.

یک سلسله مسائل کلی بود راجع به امور فرهنگی، برنامه ها، خطرات و ابهامات و مسائل و تقاضاهای خاص که مطرح شد من آنچه که در جمع سئوالات و مطالب آقایان بود، اینکه نگران از وضع موجود و ابهام نسبت به آینده در زمینه مسائل فرهنگی و به خصوص سرنوشت جوانان و جامعه که با توجه به وقت چند نکته ای را با برادران در میان بگذارم.

ما در خلاء زندگی نمی کنیم و در یک جهانی زندگی می کنیم که غیر از ما هم هستند، و غیر از ما خیلی هم قویتر هستند هم از نظر امکانات مادی و هم از نظر تجربه اجتماعی و سیستم های حکومتی ما اگر ده - سیزده سال است تلاش کردیم که روی پای خود بایستیم و یک تجربه تازه ای را برای زندگی شروع کنیم. دیگرانی هستند که بیش از دویست - سیصد سال با پشتوانه بسیار نیرومند فکری و تلاش - همه جانبه علمی - کارشناسی و سایر امور به تجربه سیستم های خاصی از حکومت نظام اقتصادی - اجتماعی فرهنگی دست زده اند و قدرتهای بزرگی را هم به دست آورده اند. ما در این دنیا زندگی می کنیم ما وقتی شروع به کار کردیم که الگویی برای نظام نداشتیم و الگوهایی را هم که در دنیا بود به هیچ وجه نمی پسندیدیم و با آن هم با دیده عناد برخورد می کردیم که درست هم بود. آنها در مقابل ما ایستاده بودند و صدها لطمه به ما زده بودند و اصلاً انقلاب ما برای این بود که از سلطه آنها رها شویم و روی پای خودمان بایستیم.

الگوهایی که آنها داشتند و کشورهای دیگر خیلی آسان آنها را برای زندگی خود می‌گرفتند.

انقلابیایی که در دنیا انجام گرفت ولی ما این کار را نخواستیم انجام بدهیم و نمی‌توانستیم بکنیم انقلابیایی کمونیستی که در دنیا انجام شد نسخه از پیش نوشته شده‌ای برای نظام فرهنگی و اجتماعی خود داشتند و تجربه‌ای که قبلاً یک قدرت در دنیا انجام داده و به صورت یک ابرقدرت درآمده بود انقلابیون با استفاده از تجارب آنها سعی می‌کردند با توجه به شرایط خودشان که ممکن بود با شرایط شوروی متفاوت باشد آنرا پیاده کنند و یا انقلابیایی ملی مانند هندوستان و یا ژاپن‌راهی را که پیش گرفت. به هر حال الگوی لیبرال دمکراتی غرب را گرفت و این روش قبلاً از نظر علمی تدوین شده بود. یعنی لیبرالیسم کاملاً تعریف شده بود.

محورها مبانی و معیارهای آن مشخص بود و توسط کشورهای که سیستم لیبرال دمکرات داشتند تجربه شده بود و در طول زمان اشتباهاتی انجام داده و اصلاح کرده بودند و حال کشوری که می‌خواست آنرا پیاده کند با تجربه نیرومندی روبرو بود که او را می‌گرفت. ما هیچکدام از اینها را قبول نداشتیم. بلکه برای مبارزه با آنها آمده بودیم تنهایی تنها در دنیا بدون الگو و فقط می‌بایست خودمان یک شکل و الگوی زندگی را تجربه کنیم و در عین حال رها به کار خود نبودیم و با انواع و اقسام مختلف توطئه‌ها روبرو بودیم که مجال نمی‌دادند که تمام نیروهای خود را صرف تجربه کردن، خطا کردن، اصلاح کردن بکنیم و ما را به خود مشغول کردند. ما در چنین دنیایی بودیم و در این دنیا ما نه می‌توانیم درهای خود را به روی دنیا ببندیم و نه می‌خواهیم اینکار را انجام دهیم. دنیای امروز دنیای ارتباطات است و اگر نخواهیم جامعه‌مان تحت نفوذ دیگران باشد آنها علی‌رغم میل ما می‌توانند با وسایل مختلف نفوذ کنند و فکرشان را به ما منتقل کنند و درزوایی زندگی ما وارد شوند امروز گفته‌اند دنیا دنیا دنیای ارتباطات است و کره زمین به صورت دهکده کوچکی درآمده که به سادگی انسانها می‌توانند از آنچه در آن سوی دنیا می‌گذرد مطلع شوند. البته تجربه دیوارهای آهنین روسیه در زمان استالین انجام شده. حال برای تحمل این فشارها چه تاوانی که ملت روسیه تحمل کرد اگر هم به فرض بگوییم که این دیوار

آهنين را بايد

سخنان حجة الاسلام خاتمي

كشيد كه جامعه روي پاي خود بایستند. اگر در زمان استالین این كار به آن صورت انجام شد در زمان ما اصلاً این كار انجام نمی‌شود و خیلی نفوذ دشمن در درون ما بیشتر از آن است كه با جشنامه و ضابطه و قانون و انتظامات و... مجوایم جلوي آنرا بگیریم به علاوه اینکه ما نمی‌توانیم این كار را انجام دهیم. نمی‌خواهیم كاین كار را انجام دهیم.

ما مدعي هستیم. نه تنها باید با دنیا رابطه باشیم و از امکانات آنها كه مطابق منافع خودمان است استفاده كنیم اصلاً ما رسالت داریم كه با دنیا ارتباط داشته باشیم و حرف خودمان را به آنها بزنیم.

چون مدعي هستیم كه صاحب مكتب و رسالت هستیم و ما نمی‌توانیم درهاي کشور را ببندیم و نه می‌خواهیم این كار را انجام دهیم. در زمینه اقتصاد - سیاست كه كاملاً روشن است و هیچ کشوري نمی‌تواند به كلي جدا از صحنه اقتصاد جهانی حضور داشته باشد و خود به‌خود متاثر از آن نباشد و شما زندگی بدون تکنولوژی نمی‌توانید داشته باشید به هر حال برای گرفتن این تکنولوژی محتاج به دیگران هستید و همچنین مکانیزمهاي اقتصادي كه در دنیا هست در زمینه سیاست كه مسئله روشن‌تر است و نقش دیپلماسي يعني ارتباط سياسي با کشورهای دنیا در زمینه فرهنگ هم همین‌جور است.

حال در زمینه دانش و علوم و... كاملاً معلوم است و ما مگر می‌توانیم بدون ارتباط با دنيای خارج خود را به سمت خودكفایي دانش ببریم. همچنان كه از تکنولوژی آنها بی‌نیاز نیستیم از دانش آنها هم بی‌نیاز نیستیم و طبق

دستورات ما باید به سراغ دیگران برویم تا دانشهای آنها را بگیریم والبته نمی‌شود گفت که من در زمینه اقتصاد - سیاست. علم تکنولوژی و دانشگاه رابطه دارم.

ولی در زمینه فرهنگی اگر من نخواهم ارتباط داشته باشم شما اگر نمی‌خواهید ارتباط داشته باشید ولی این رابطه اثرات خود را می‌گذارد و نمی‌توانید درهای ذهن و دل جوانانتان را به روی آنچه که در دنیا می‌گذرد ببندید ما در این دنیا چکار باید بکنیم؟

دو مسئله در اینجا مطرح شد که خیلی دشواری کار را نشان می‌دهد یک طرف نگاه می‌کنیم به درون آرمانها و ایده‌آلهای خودمان و می‌خواهیم همه جوانان در اوج تقوا، ایثار، معنویت، استغنا و استخلاص باشند در جستجوی این می‌آییم که برنامه‌های خاص که به کلی متفاوت با برنامه‌های دنیاست برای آنها درست کنیم از طرف دیگر نگاه می‌کنیم به مرزها و اینکه همین جوانان ما

سخنان حجة الاسلام خاتمی

چگونه در معرض بمبارانهای تولیدات فرهنگی و فکری دیگران هستند. می‌گوئیم هرچه خودمان برای آنها درست کنیم ولو اینکه عیب و نقصی داشته باشیم صد مرتبه بهتر از آن است که عرا و روسیه و شیخ‌نشینهای خلیج فارس به ما بدهند. حالا من کار به مسئله ویدئو ندارم. جوانان تنوع و تفریح می‌خواهند و ما اگر تفریحی که بدآموزی نداشته باشد برای آنها درست نکنیم بچه‌ها را سومی‌دهیم به طرف آنها و از طرف دیگر می‌بینیم جوان ما احتیاج به شادابی و هنر دارد به موسیقی، فیلم و نقاشی علاقه نشان می‌دهد و نمی‌شود جلوی او را گرفت و از یک طرف دیگران به وفور وبا سخاوتمندی تولیدات خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار جوانان ما قرار می‌دهند طبیعی است ما وقتی این خطر را می‌بینیم می‌گوییم موسیقی و تئاتر، فیلم و میداین ورزشی و فعالیت‌های

هنري را بايد گسترش دهيم و از يك طرف عده اي مي آيند ميگويند موسيقي و فيلم حرام است و اينها فسادانگيز هستند به هر حال فيلمي كه در آن از خدا و آموزش پيامبر باشد. اين فيلم نيست؟ ما با اين تضادها روبرو هستيم. من در جلسه اي كه با بزرگان و مسئولين كشور حضور داشتند گفتم اين سؤال را مطرح ميكنيم كه چرا جوانان ما ولنكار ميشوند و تعبيری كه كردم اين بود كه چرا بچه هاي ما به رقص و بوالهوسي رو مي آورند.

هيچ سؤال کرده ايم كه چرا جوان ما مي خواهد برقصد و مي خواهد ولنكاري كند اين دو سؤال پاسخش از زمين تا آسمان فر مي كند. اگر سؤال اين باشد كه چرا مي رقصد من به سراغ اين مي روم و به هر قيمتي كه ميشود نمي گذارم كه او برقصد. يعني با زور نيروي انتظامي، بازداشت، تراشيدن سر و با زندان كردن ميگويم نرقصند و خيال ميكنم اگر ظاهر جامعه را از رقص و بي بند باري پاك كردم جامعه ما سالم است در حالي كه برادران عزيز، اگر در درون جوان ما يك نيرو و كمش دروني طبيعي مي باشد كه او را وادار به رقصيدن مي كند و شما مي خواهيد جلوي او را بگيريد نيروي دروني او را از بين نبرده ايد و از جاههاي ديگر و به صورت بسيار خطرناك تري بعد از مدت كوتاهي بروز مي كند. بسياري از تنشهاي سياسي كه ممكن است در جامعه بروز كند، به خاطر آن است كه از يك طرف جوان، احساس کرده است نمي تواند آن نياز جواني خود را برآورده سازد. يعني طبق روالي كه دنياي امروز عرضه مي كند و روابط و مرزهاي اخلاقي را شكسته و ميگويند زن و مرد دختر و پسر هر كاري كه ميخواهند انجام دهند در جامعه ما نبايد

سخنان حجة الاسلام خامنه‌ای

اين طور باشد و او هيچ راه منطقي ديگر را نمي تواند پيدا كند يا ديوانه ميشود و يا دچار ناراحتي اعصاب ميگردد و يا به اعتياد روي مي آورد و يا به جريانهاي سياسي ضد نظام كه او را با اين فشار دارد منع مي كند ميشود ما اگر بگويم چرا بي بند و باري مي كند و نبايد اين كار را انجام دهد يك جور ديگر جواب مي دهيم ما

در جامعه با حسن نیت خیلی وقتها خیال کردیم که فقط باید اجازه بروز بعضی رفتارهایی که مورد پسند ما نیست در جامعه ندهیم این تا حدودی درست است.

جامعه اسلامی حق دارد وقتی ما گفتیم در جامعه اسلامی نمی‌توان با وضع نامناسب لخت و آرایش کرده ظاهر شد باید جامعه را توجیه کنیم که اعتقاد داری یا نداری؟ حال که در جامعه اسلامی حتی بنیاد جامعه اسلامی این است که این حدود را رعایت کنی و اگر بنا باشد که فقط جلوی او را بگیریم و فکری به حال او نکنیم مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند و من معتقدم بسیاری از راه‌حلهایی که برای جلوگیری از مفساد اجتماعی بکار بردیم واقعاً موفق نبودیم.

یعنی رفتیم کار کردیم به یک مشکلاتی برخوردیم و این برنامه‌ها به صورت یک مسائل اجتماعی درآمده که ممکن است یک مشکل سیاسی برای جامعه ما ایجاد کند و نهایتاً به عقب کشیده خواهیم شد ولی اگر ما بدانیم در جامعه ما انسانها نیازهایی دارند و این نیازها باید برآورده شود. به سویی آن می‌رویم که آنها را برآورده کنیم فاصله میان سن بلوغ جنسی با بلوغ اجتماعی اقتصادی در جامعه ما حداقل ده سال است.

یک پسر در 15 سالگی مکلف می‌شود و اوج فساد جنسی در آن سالها است و همه می‌دانیم کشش جنسی را خداداده است و خیلی هم خوب است و باید در مسیر خود برود ولی اگر این کشش در جوان ما به وجود آید راه طبیعی ارضاء آن در جامعه ما فراهم نیست.

یک جوان باید برود درسش را بخواند زندگی پیدا کند و نیز دختر ما که در سن 11-9 سالگی بالغ می‌شود تا سن ازدواج (20-18) سالگی که آماده شود برای ازدواج طول می‌کشد در این ده سال جوان ما چه کار کند. غرب مسئله را حل کرده و کل مرزهای اخلاقی را شکسته است و آشنا شدن دخترها با پسرها در غرب عیب نیست او می‌گوید تو که در سن 16 سالگی قرار گفتم درست است که نمی‌توانی زندگی مشترک تشکیل بدهی اما آزاد هستی هر جور که خواستی

آن نیروی درونی خود را اطفای کند که به سن 28-30 سالگی رسیدی بروا زندگی تشکیل بده ولی

سخنان حجة الاسلام خامنه‌ای

چون راه حل آن غلط است اساس خانواده در غرب از بین رفته است شما باید جواب دهید زیرا آنها به تفریح احتیاج دارند یک وقتی دوستانی به مسائل موسیقی اشکال می‌کردند و اگر فرصتی بود دیدگاه امام را در زمینه مسائل هنری خدمت شما عرض می‌کنم که معلوم شود و مبنای کار مانی‌تواند نظرات متفاوتی باشد همینطور که در زمینه مسائل اقتصادی و آموزشی نمی‌تواند باشد. نظام یک مبنا و محور و وحدت رویه می‌خواهد، نمی‌شود که هرکس هرچه که به نظرش رسید بگوید.

باید اینطور باشد به خصوص در زمینه مسائل فرهنگی که از زمین تا آسمان مسائلش فرمی‌کند. در زمینه مسائل علمی، کشاورزی، پزشکی این جور نیست وقتی تشخیص مورد داده شد آنها با مهار کردن خارجی و عینی - تجربی و مشاهده و آزمایشگاه راه حل درمان مشخص می‌شود ولی در مسائل فرهنگی هم ارائه و تشخیص موضوع مشکل است هم ارائه درمان و چون مشکل است همه صاحب نظر هستند از آن بسیجی عزیز که دارای سطح خاصی از معلومات اجتماعی است تا آن روحانی بزرگوار، تا آن معلم و آن آقای که در خیابان راه می‌رود و یا آن طبیب - مهندس، کشاورز همه صاحب نظر فرهنگی هستند و مگر می‌شود و همه این سلیقه‌ها را بیاییم مبنای یک نظم قرار دهیم، اصلاً جامعه از هم پاشیده می‌شود، نظام وحدت رویه می‌خواهد. در موسیقی، تئاتر - سینما، مبنای مقبول نظام مبنای کار قرار می‌گیرد هر چند نظرات دیگران هم محترم است و اگرچه نمی‌خواهند استفاده نکنند. اما الان صرف نظر از این من به بعضی از عزیزان می‌گفتم ما جوانترین جامعه دنیا را داریم اکثریت مخاطبین ورزش - فرهنگ و هنر همین جوانان ما هستند. خیال می‌کنیم اگر موسیقی که از صدا و سیما پخش می‌شود و آن موسیقی که ارشاد ارائه می‌دهد پخش نکنیم همه جوانان می‌روند دنبال دعای کمیل و یا همه آنها می‌روند دنبال اعتیاد. همه آنها می‌روند

دنبال اغنای درون خود که به سادگی موسیقی‌های ساخت‌دیگران در اختیارشان قرار می‌گیرد. در مورد ویدئو قاچا که ما می‌گوییم. یعنی به آن مسئله دسترسی امکان ندارد. حالا من کاری ندارم که چند سال دیگر به ویدئو نیاز نیست و بچه در منزل می‌نشیند و کانال آمریکا را می‌گیرد و از همان مکان تلویزیون آمریکا را می‌گیرد و چه بسا برنامه‌هایی که در خود غرب با ممنوعیت و حدود خاصی می‌تواند پخش شود.

سخنان حجة الاسلام خامنه‌ای

برای اینکه یک مقداری ضوابط اخلاقی را تا حدودی رعایت کنند در منازل ما و جهان سوم به صورت آزاد گرفته شود.

الان بعضی از فیلم‌های ویدئویی که به کشور می‌آید در غرب در اختیار هرکس قرار نمی‌دهند. مثلاً اگر جوان 20 ساله برود این فیلم را در اختیار او قرار نمی‌دهند و شرایطی دارد. این فیلم‌ها به‌وفور در اختیار بچه‌های شما قرار دارد اگرچه همه نیروهای خود را بسیج کنید. همینطور که در رابطه با قاچا مواد مخدر کردیم. البته که مواد مخدر قاچا است و هرکسی در اختیار داشت باید با او برخورد کنند و بنده نیز معتقدم در رابطه با ویدئو نیز باید اینگونه عمل کنیم.

اگر کسی فیلم‌های سکسی و بدآموزی که انسان شرم می‌کند وقتی تعریف‌های اینها را می‌شنود منتشر کرد مانند کسی که قاچاقچی بود باید اعدام شود. باید این را هم اعلام کنیم. ولی با وجود همه اینها ما نمی‌توانیم جامعه را از تاثیر اینگونه مسائلی که در دنیا هست دور نگه‌داریم.

عصر عصر ارتباطات است و فردا هم نیازی به آوردن ویدئو نیست. زیرا مقابل موج رانمی شود گرفت و امکانات فرستنده ارتباطی آنها صدها مرتبه از ما مدرن تر است. جذابیت آنها هم بیشتر است و جوان به سویی آن سو پیدا می کند.

به هر حال ما باید به آنها جواب دهیم. یک مسئله دیگر در سیاستهای فرهنگی این مسئله را باید روشن کنیم که سیاست ما ایجاد مصونیت در جامعه با منع جامعه از استفاده از آن چیزهایی که ما نمی پسندیم این هر دو لوازم خاص خودش را دارد اگر منع است باید تمام نیروهای اطلاعاتی - نظامی و انتظامی را

اولاً: چند برابر کنیم. ثانیاً: باید دنبال این باشیم که از چه راههایی ممکن است آن چیزهایی که ما نمی پسندیم در داخل جامعه بیاید فقط جلوی این را بگیریم که داخل جامعه نیاید که این کار امکان ندارد تازه وقتی جلو آنها گرفتیم و در جامعه هم مصونیت ایجاد نکردیم رشد بهنجار شخصیت به شهروندان خودمان ندادیم وقتی منع می کنیم به آنها فشار وارد می آید به صورتهای سیاسی و ناهنجاریهای اجتماعی بروز خواهد کرد.

همه اینها اشکال کار است. شخص می آید داد و فریاد می کند می گوید این کتاب بدآموز است. برای اینکه چند مطلب بد داخل آن است. وقتی یک فرد متفکر، متدین، روحانی و یا غیر

سخنان حجة الاسلام خاتمی

روحانی دلسوز که مجموعه کتابی را مطالعه می کند می فهمد این کتاب نه تنها بدآموز نیست، بلکه در مجموع کتاب خوبی هم هست. ما در شورای انقلاب فرهنگی ضوابط را مشخص کردیم. گفتیم ما اجزا کتاب را در نظر نمی گیریم ما پیام کلی کتاب را در نظر می گیریم.

البته ممکن است اشتباه کنیم و متوجه نباشیم. احتمالاً، کتابهای نامناسبی هم منتشر شد. که گهگاه ما متوجه شدیم و گاهی هم متوجه نشدیم. این احتمال هست ده هزار عنوان کتاب که بیرون می‌آید از این تعداد ممکن است تعداد محدودی کتاب بدهم از دست در برود من نمی‌خواهم بگویم که کتاب بد وجود ندارد. ولی بسیاری از همین نقدهایی که گفته شد در روزنامه‌هایی نویسنده این بدترین شیوه نقد است که کسی از پیش نخواهد ثابت کند که فلان شخص بد است و در کتابی جستجو کند چند جمله بد از آن پیدا کند و اول و آخر آن را کم کرد، و این را علم کند.

و هرکس هم که آن را مطالعه می‌کند پشتش می‌لرزد در جمهوری اسلامی کتابی است که بعضی از مسائل جنسی را گفته است. خیلی از این مطالب وقتی در مجموعه کتاب قرار می‌گیرد نه تنها بدآموزی ندارد در مسیر آموزش جنسی و سکسی نیست. بلکه اصلاً شخصیت منفی داستان است که اینکارها را انجام می‌دهد. دوستان از صدا و سیما ایراد می‌کردند. البته من نباید از تلویزیون دفاع کنم ولی حق این است که از آنها دفاع کنم. می‌گوید فلان برنامه بدآموزی دارد. می‌گوید قهرمان داستان آمده با ناخن بلند و از لاک هم استفاده کرده می‌گویم این فرد چه کسی است. آیا به عنوان زن نمونه شخصیت اسلامی عرضه شده بود تا زنها و دختران ما تحت تاثیر قرار بگیرند ناخن بگذارند یا به عنوان شخصیت منفی داستان آورده شده است جواب می‌دهند شخصیت منفی. می‌گوییم درام و داستان‌نویسی طوری است که شخصیت منفی در نهایت کاربیننده و جامعه قضاوت منفی از او دارد از نظر ما منفی کسی است که با آرایش بیرون آید و بدحجاب است و وقتی قرار است در تلویزیون شخصیت منفی نشان بدهید. آیا باید اینطوری نشان بدهیم؟ اصلاً اینکه مسخره می‌شود شخصیت منفی در سریال ما لاک می‌زند و علی در جامعه راه می‌رود آیا به صرف اینکه جوان لاک‌زده است این دختر از او الگو می‌گیرد؟ اگر ما بیاییم این آرایشها و وضعیتها را به عنوان الگو مطرح کنیم باید جلوی آن فیلم سریال و یا کتاب را گرفت. اما به هر حال وقتی در يك فیلم خانواده سلطنتی را نشان می‌دهیم و در مجموع و نهایت برداشتی که

ما از این سریال داریم جنبه منفی از این خاندان است. زن این خانواده تیپ و ترکیبی دارد که مورد قبول ما نیست یک بعدی که نمی‌شود به مسائل فرهنگی نگاه کرد و مسائل هنری که ایهام و استعاره و چند گونه‌ای درون آن نهفته شده است. اگر این‌طوری باشد از همه اشعار حافظ هم می‌شود برداشت خوب کرد و هم برداشت بد، و ما در مجموعه جغرافیایی فرهنگی اشعار حافظ را که نگاه می‌کنیم آن را در اوج عرفان و بزرگی فکر اسلامی می‌بینیم. این است که می‌شاهد را در شعر حافظ یک طور دیگر برداشت می‌کنیم. همین کاری که روشنفکران ورشکسته که دیگر دوران‌شان بسر آمده هرچند که در این نیز بعضی از آنها را دارند مطرح می‌کنند. که به نظر بنده روشن فکر بی‌دین هیچ خطری برای جامعه ما ندارد، اگر درست با آنها برخورد کنیم. تلاش کردند با همین ظواهر اشعار حافظ اثبات کنند که حافظ یک انسان بی‌دین و مشروب‌خواری بوده است. مسائل فکری خیلی دقیق و ریز است من به عنوان متولی فرهنگ دو نگرانی دارم.

اشکال کار را به شما بگویم که خودتان را جای ما بگذارید ببینید که چطوری می‌شود. من از یک طرف نگران این هستم که تحت عنوان آزادی یک مشت افراد ضدانقلاب بیایند و واقعاً ارزشهای غیرقبول ما را القا کنند و حتی کار سیاسی انجام دهند و امنیت نظام را از بین ببرند آزادی در حدی که قانون اساسی ما گفته است مانعی ندارد. انتقاد، اظهار نظر منطقی عقیده مخالف آزاد است ما در ضوابط نشر کتاب که در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده تبلیغ فساد را ممنوع کردیم و باید جلوی آنرا بگیریم. اما بیان علمی مکاتب دیگر که ما قبول نداریم. اگر به صورت علمی و منطقی شده باشد ممنوع نیست. یک نفر آمده از نظر علمی گفته است که مارکسیسم این را می‌گوید باید این کتاب منتشر شود و جواب آنرا هم بدهیم یا اگر در بعضی از کتابها که به طور صحیح آموزش جنسی می‌دهد در صورتیکه ابتذال و ترویج صریح فساد در آن نباشد اگر این‌طور باشد باید هم رساله‌های عملیه را تعطیل کنیم. آنجا که به مسائل ازدواج، طلا و... است و یا کسی بیاید این تکه‌های زننده خیلی آموزشی را در رساله‌های عملیه بیرون بیاورد همین مسائل را از مثنوی مولوی بیرون بیاورید و یا در تفسیر المیزان تفسیر

سوره یوسف را که بخوانید نقل قولهایی که علامه طباطبایی میکند اگر بالا و پایین آنرا بنزید تحریک کننده ترین صحنه ها را در تفسیر المیزان می بینیم ترسیم شده است اینکه نمی شود به صرف این مسئله اینجور

سخنان حجة الاسلام خامی

برخورد کرد از این طرف هم نگرانم که مبدا نام آزادی به اخلا، ایمان و امنیت جامعه لطمه بزند. از آن طرف هم نگرانم که مبدا از ترس امنیت جلوی آزادی مشروع که شرط لازم خلاقیت فکری است گرفته شود. کاری نکنند که حتی یک بچه مسلمان نتواند آن مکنون درونی خود را به شکل فیلم و یا شعر و یا تئاتر عرضه کند چون ممکن است یک نفر برداشت کند که آن شخص حرفی بر لبی می زند مسئله مسئله ظریفی است مرز بین اینها ظریف است شما باید جواب بچه های تان را بدهید.

با این مسائل نمی توانید مشکلاتشان را حل کنید. منع حدودی دارد و باید با شدت و قاطعیت اجرا کرد. اما یک انقلاب اسلامی که این همه دشمن دارد و این همه ادعا دارد در دنیا چه می گوید. کاپیتالیسم که در تاریخ مفتوح شده و ثابت شد که نمی تواند جامعه را اداره کند مارکسیسم هم که معلوم شد به چه روزگاری افتاده است. ای بشریت من روشی را عرضه می کنم که با بهترین وجه هم دنیا و هم دینمان را اداره می کند. این ادعای ما است ما اگر جوان را نتوانیم قانع کنیم که اسلام این چنین نیست. آیا می توانیم رسالت خود را انجام دهیم. اگر برای جوان شما سؤال مطرح شد راهش این است که کاری کنیم که جرات نکند که سؤال خود را در جامعه مطرح کند می گوید راجع به وجود خدا من شک دارم و یا در رابطه با جنگ که مقدس است و این همه شهید دادیم سؤال دارد می گوید من شک دارم که این جنگ درست بود یا نبود. به دو صورت می شود برخورد کرد بگوییم تو غلط می کنی این حرف را می زنی. حرف ضد انقلابی می زنی فوراً هم تعقیب و مراقبت بگذاریم و بگیریم او را بازداشت کنیم و بگوییم این ضد انقلاب است یک طور دیگر این که او را توجیه کنیم یعنی او را قانع کنیم.

چه کسی باید این کار را انجام دهد اگر دومین گروه را بخواهیم عنوان کنیم بی‌رو در بایستی‌باید بگویم گله ما از حوزه‌های علمیه است. آیا روحانیت امروز ما می‌تواند اولاً خودش استدلالاتی که برای جوان ما مطرح است این سئوالات را برای خودش مطرح کند و بعد جواب مناسب به آنها بدهد؟

در خدمت مقام معظم رهبری در رابطه با همین تهاجم فرهنگی من این مطلب را گفتم می‌گوییم زنان ما بی‌حجاب و یا بدحجاب هستند. به این زن می‌خواهیم یک کتاب بدهیم. چه

سخنان حجة الاسلام خاتمی

می‌دهیم، نظام و حقوق زن در اسلام و یا حجاب نوشته شهید مطهری این کتاب را ایشان بیست‌سال پیش نوشته است. یعنی همین شهید مطهری اگر الان مسائل را می‌دانست امروز کتاب تازه‌تری نوشته بود، به زن می‌گویند می‌خواهند تو را در بند چادر سیاه قرار دهند و توسری به تو بزنند و امثال این تبلیغاتی که علیه اسلام انجام می‌دهند و ما را ارتجاعی می‌دانند و این کارها را انجام می‌دهند و به سئوالاتی که عنوان می‌شود جواب نمی‌دهیم و می‌گوییم امور تربیتی، چکاری می‌تواند انجام دهد نه بودجه مناسبی در اختیار دارد بعد فکری که باید به این جوان بدهد و امور تربیتی ما که از آن کانونها تغذیه نمی‌شود و فقط می‌گوید بچه‌ها بخوانید، نگویند، نکنید و... معلوم است که مشکل ایجاد می‌شود ما باید به شدت مجنبیم اگر امام می‌گوید که مبادا اسلام را طوری مطرح کنید که متهم شود که نمی‌تواند مسایل اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی را حل کند. امام دردی دارد، اگر ایشان می‌گوید اجتهاد حوزه‌ها کافی نیست امامی است در اوج قله فقاقت، من بارها گفته‌ام و الان هم می‌گویم ما انتظار داشتیم و داریم اگر مطهری یک فرد بود که به جهت احساس مسئولیت با آن همه محدودیتها در زمان طاغوت کار می‌کرد بعد از انقلاب مطهریها باید تربیت شوند جریانات فکری فراهم شود. تا آنها امروز زمان خودشان را بشناسد و جوابگوی نیازهای زنانشان باشند ما هم‌اش به این نپردازیم که از بیرون عواملی هست البته هست و بسیار هم خطرناک است و از ما هم خیلی نیرومندتر. بدانیم که در درون ما هم زمینه‌هایی وجود دارد. امروز اسلام دیگر

ادعا نیست. بلکه حکومت را در دست گرفته است و باید جواب بدهد. البته ممکن است دشمن القا کند که پس از سیزده سال هیچ کاری جواب بدهد. البته ممکن است دشمن القا کند که پس از سیزده سال هیچ کاری نکردید، کدام انقلاب است که توانسته پس از سیزده سال مشکلات خود را حل کند انقلاب کبیر فرانسه تا چند سال ناآرامی و کشتار و بالا و پایین رفتن‌ها... که بعد ثبات و استقلال گرفت و یا این انقلاب روسیه تازه پس از لنین و آن همه کشتارها و سخت‌گیریها بین تروتسکی و استالین و دیوار آهنین و جنایتهایی که 30-40 سال استالین انجام داد و به خیال خودشان ثبات هم داده‌اند و حالا پس از گذشت 40 سال از مرگ استالین چگونه مثلکوه یخ آب شد و رفت باید توجه داشته باشیم. باید بدانیم انقلاب ما هنوز اول کارش است 13 سال از عمر آن می‌گذرد دشمن هم تبلیغ می‌کند که فقر از بین نرفت. بی‌سوادی از بین نرفت و...

سخنان حجة الاسلام خاتمی

فخر، خیلی هم کار شده است اگر ما کارهایی که شده و به نسبت آن چیزهایی که نبوده در نظر بگیریم که فواید پیشرفت داشته‌ایم ولی نسبت به کارهایی که باید انجام شود. خیلی فاصله داریم، بلد هم نیستیم و کم‌تجربه هستیم، کدامیک از ما قبلاً تجربه یک حکومت موفق اسلامی را در دنیا دیدیم و برویم از آن درس بگیریم و الگو بسازیم، اشتباهات را رفع کنیم.

ما اولین کسی هستیم که در دنیا داریم این تجربه را می‌کنیم خیلی هم خوب بودیم، ولی می‌خواهیم بگویم مشکلات سنگین است. ما باید متوجه این مسئله باشیم جهت‌گیری کنیم. ما باید بدانیم اگر بخواهیم حالت تدافعی داشته باشیم باختم. ما باید بدانیم حسن‌نیت داریم منتها به‌طور کلی، اگر توانستیم کاری بکنیم من روحانی و مسئول این القا را کردم. شما دست‌اندرکاران و مسئولین این‌کار را کردید که یک نفر ایرانی از اینکه ایرانی و مسلمان

است احساس رضایت و غرور کند، شما درمقابل دیگران احساس مصونیت ایجاد کرده‌اید. ولی اگر تردیدهایی در آن پیش آمد و آنها را رفع نکردید، بلکه با خشونت بیشتر با آن برخورد کردید

چرا ما در زمینه جنگ مشکل کمتر داشتیم، زیرا یک بچه 18-19 ساله این احساس را می‌کرد که مدافع انقلابی است و در مقابل آمریکا ایستاده و پیش‌قراول یک حرکت جهانی اسلام است که در ایران شروع شده است، این احساس را می‌کرد. البته جنبه‌های معنوی آنرا هم باید در نظر گرفت. خیال می‌کنیم تمام انسانهای برجسته و درجه اول در خانه نشسته‌اند. استدلال و دلیل همه‌مسائل منطقی، فکری، عرفانی و اسلامی برایشان حل شده و بعد آمده از انسانهای مسئول‌شده‌اند.

اینطوری نیست خیلی از افراد بوده‌اند که از طریق احساس جلب به اسلام شده‌اند و دنبال آن‌رفته‌اند. از نظر فکری هم قوی شده‌اند.

جوان ما در درون خود احساس غرور می‌کرد در درون خودش احساس می‌کرد که اسلام به او عظمت می‌دهد و احساس می‌کرد که در سرنوشت دنیا نقش دارد. امروز باید برای بسیج فکری‌کنیم که همین احساس را در نظام جمهوری اسلامی داشته باشد.

اگر ما می‌گوییم ضدیت با آمریکا به صورت یک احساس همیشه زنده باید در دل جوان ما بماند جوان ما وقتی احساس کرد که در مقابل ابرقدرت آمریکا تحت تاثیر تبلیغات آن هم قرار

سخنان حجة الاسلام خاتمی

نمی‌گیرد، اگر احساس می‌کنیم که ما هم داریم هضم می‌شویم در تشکیلات کلی دنیا آن وقت می‌گوید من هم فقر دارم و هم گرسنگی دارم و هم تورم دارم و هیچ غروری هم ندارد و طبیعی است که کم کم به سوی آنها جذب می‌شوند. بعضی از مسائل که گفتید من هم‌اش را قبول دارم لوازم لوکس و آرایش کشور چه اشکال دارد که روی الگوهای مصرف واقعاً ارقامی بگذاریم و بگوییم ولو با ارز آزاد اینها ممنوع است تولید البسه و تولیدهایی که تشویق‌کننده فرهنگ غرب است در جامعه ما وجود دارد و من آنها را قبول ندارم و باید جلوی آنها گرفت.

دیدگاه حجة الاسلام خاتمی درباره هنر، هنرمند و

نقش آن در پرورش و پیام‌رسانی به نسل آینده:

اما ارزیابی درباره هنر که چه هنری خوب و چه هنری بد است، این امر تابع گرایش‌ها، بینش و جهان‌بینی ماست تا چه چیزی را خوب و چه چیزی را بد بدانیم، برای جامعه انقلابی ما که درون‌مایه حرکت و انقلابش اسلام است و برای مردم ایثارگر این جامعه و امت اسلامی که به اسلام اعتقاد دارد يك اصل کلی درباره ارزیابی پدیده‌ها و مقولات وجود دارد، به‌خصوص آنهایی که درحیطه زندگی عملی و در چهارچوب رفتار ادرازی انسان قرار می‌گیرد و آن این است، که از نظر شرع ممنوع نباشد که ما ملاک حقیقت را "وحي خدا" و پایه و مایه عمل و رفتار خویش را نیز "وحي خدا" می‌دانیم، "خوب" چیزیست که از نظر شرع ممنوع نباشد و "بد" آن چیزی است که ممنوع باشد، این يك ملاک کلی است البته ریشه عقلانی هم دارد به‌خصوص از نظر عدلیه و امامیه که احکام خدا را تابع حسن و قبح ذاتی و مصالح و مفاسد واقعی می‌دانند که در نفس موضوعات وجود دارد یا مترتب بر

موضوعات هستند، اگر چیزی در شرع ممنوع بشود برای این است که مفسده واقعي و قبح و زشتي واقعي دارد و اگر چیزی واجب بشود یا مطلوب باشد همان چیزی است که حسن واقعي دارد و مصالح در آن است.

سخنان حجة الاسلام خاتمی

هنر در زندگی انسان تأثیر زیادی دارد. من در مقام ارزیابی هنر نیستم، منظورم این است که خوب و بد هنر مهم است، خوبش در تعالی فرهنگ جامعه و جان انسانها و بدش در اخطاط يك جامعه، البته ما در اینجا نمی‌توانیم ماهیت هنر را مورد بررسی قرار بدهیم که بحث گسترده‌ای است، به‌طور اجمال به بعضی از خصوصیت‌های آن اشاره می‌کنم که در ضمن آن تأثیر هنر در فرهنگ هم مشخص بشود، هنر به يك معنا خودش صورت فرهنگ یعنی ناشی از فرهنگ موجود است و اگر فرهنگ، فرهنگ منحط و مسخ شده‌ای باشد، هنر آن هم هنر منحطی خواهد بود، اما با اینکه هنر ناشی از فرهنگ صورت فرهنگ است در عین حال می‌تواند در فرهنگ تأثیر داشته باشد یعنی می‌تواند در جان انسانها که کانون ارزشها و معارف هستند و در نفس آنها اثر بگذارد و خود این تأثیر موثر باشد در سیر فرهنگ، اگر هنر منحط باشد در تسریع سیر اخطاط فرهنگ و اگر متعالی باشد در ترقی و تکامل فرهنگ مؤثر می‌باشد. خصوصیت دیگر هنر اینکه به‌خوبی ریشه در احساس و حساسیت‌های وجود آدمی دارد نه در تعقل صرف، شما اگر يك مسئله ریاضی داشته باشید، در حالی که هنر با اینکه آموزش، تکنیک، اصول، مکتب نخله‌های مختلف دارد، شما به تعداد هنرمندان خلا و به تعداد، گرایشها و سلیقه‌هایشان هنر و متفاوت دارید، حتی در يك مقوله، سلیقه‌ها، گرایشها و احساسات هنرمندان اثر دارد و اگر اصول تکنیک و فرم هم در هنر هست، همه اینها مقدمه است، خود هنر ریشه در جان و احساسات انسان دارد، از اینجها ما تأثیر هنر را در زندگی انسان و فرهنگ می‌بینیم. هنر متعالی، رحمانی و انسانی طبعاً هنریست که از نفس مطمئن انسان برخیزد و هنر طاغوتی و شیطانی ریشه در نفس اماره یعنی کانون‌هوسهای انسان دارد. بزرگترین کاری که می‌توانیم و باید بکنیم یعنی نظام اسلامی باید انجام دهد این است که اجازه بدهیم محور فعالیت‌های هنری همان جانهای مطمئن، انسانهای متعهد

و مؤمن باشند، اما يك نکته را بايد در اين زمينه در نظر بگيريم و آن اينكه خلوص و ايمان تنها كافي نيست، اين مجشي از مسئله است، چرا كه در هنر تكنيك و فرم هم مهم است، اتفاقاً نقش اساسي دارد، يك محتوای بسیار خوب را اگر شما در قالب زشتي بيان كنيد به همان محتوا هم خيانت کرده ايد، در حالی كه ممكن است يك تكنيك و فرم زیبا محتوایی زشت را زیبا جلوه دهد، تكنيك خیلی اثر دارد، نقش مهم ما این است كه تكنيك خوب را در اختيار و خدمت محتوای

سخنان حجة الاسلام خاتمی

خوب قرار بدهيم، بنابراین در پرورش استعدادهاي هنري و در تلاش براي ايجاد يك جريان سالم هنري بايد بكوشيم انسانهاي با خلوص از نظر هنري صاحب تكنيك و فرم خوبي هم بشوند، تخصصها را بالا بريم و اين، كاريست كه بايد انجام بگيرد.

اما رسالت هنرمند: بزرگترین و بالاترین هنر "بنده خوب خدا بودن" است كه مظهر آن نیز آمادگی برای گذشتن از همه سرمایه‌هاي هستي براي خداست و هنرمند توانا كسي است كه اين هنر را درك کرده، و بتواند آنرا تفسير نمايد، به‌خصوص در اين روزگار كه الحمدالله كانون اين هنرمندان جمهوري اسلامي ايران، زنان و مردان مذهب و پاكبازي هستند كه بندگان خوب خدايند و درود خدا بر آموزگار هنرمند اين انقلاب، امام امت كه با هنرمندي خدائي خود اين همه هنرمندان را پرورش داده و تربيت کرده است. رسالت هنرمند درك اين هنر مهم خدائي در متن جامعه است و تلاش براي انتقال اين زيباييها و عظمتها به نسلي است كه خود مستقيماً در رستاخيز انقلاب اسلامي ما حضور نداشته است و جاودانه كردن اين هنر موجود است، نديدن يانپرداختن به اين هنر خود كمال بي هنري است. بزرگترین پیام آوران همه انقلابها هنرمندان در طول تاريخ بودند و طبعاً هنرمنداني مي‌توانند پیامبر اين تحول باشند كه خود اين تحول راه مباني آنرا، اصول آنرا و ارزشهاي آنرا درك کرده باشند و امروز

بزرگترین رسالت ما دست‌اندرکاران فراهم کردن زمینه‌هایی است برای رشد و بالندگی متفکران و هنرمندانی که هم بتوانند روح اسلام را مطابق مقتضیات زمان بفهمند و هم هنرمندانی که این اندیشه و ارزش را بر بال بلند پرواز هنر سوار کنند و آنرا جاودانه کنند و ما صدای پای این اندیشمندان را در حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها و صدای بال این هنرمندان بزرگوار را در صحنه‌های هنری کشورمان می‌شنویم و مبارک باد این ورود و این حضور و خداوند همه ما را موفق بدارد که همه زمینه‌ها را برای رشد و بالندگی کسانی که پیام این انقلاب را به نسل‌های آینده خواهند رساند چه در صحنه‌های فکری و چه در صحنه‌های هنری فراهم بیاوریم.

سخنان حجة الاسلام خاتمی

رئیس جمهور از هنری که در اختیار هوس و تمایلات جسمانی باشد اینچنین می‌گویند:

واقعاً اگر ما به‌دقت به تمدن جدید بنگریم بزرگترین نیروی محرک تمدن جدید هوس انسانهاست. دانش در اختیار هوس، هنر در اختیار هوس، یعنی اینکه هر کس بتواند تمام تمایلات جسمانی و حیوانی خود را برآورده سازد یا در اختیار هوس خود افراد یا انسانهای اسیر هوس قدرتهای بزرگ. آزادی در متن دین و در جوهر دین است آزادی که انسان را به بندگی خدا می‌خواند و خدا در بینش حقیقی دین علم مطلق، کمال مطلق، زیبایی مطلق راست و دین‌دار کسی است که بنده کمال مطلق، زیبایی مطلق، جمال مطلق و آفرینندگی مطلق است و بندگی یعنی تلاش برای تقرب به خدا یعنی بنده خدا کسی است که تلاش می‌کند علم او افزون شود این جوهر دین است، اما چون بنام دین‌جنایت شده بود و روشنفکر عهد جدید به‌حق آزادی انسان را می‌خواست مجای اینکه به جوهر دین برگردد از

دین روگردان شد و دعوت او به آزادی به معنی دعوت او به آزادی از دین تعبیر شد و بر همین اساس هم نظام تمدن تفکر جدید بنیاد نهاده شد. امروز آن تمدن به پایان خود رسیده است.

ایشان معتقدند برای پاسخ به مسائل فعلی و جهان امروز باید به اصلاح اندیشه دینی پرداخت.

اگر رساله‌های عملیه را باز بکنیم رساله‌های عملیه‌ای که خیلی از آنها عبارت است از برداشتیک فقیه متقی خوب در 400 سال پیش، آنرا باز بکنیم پیاده بکنیم هرچه شد آن عدل است درحالی که ما می‌گوییم نه «اگر یک چیزی بنام احکام اسلام بود و پیاده کردیم و تبعیض را زیادتر کرد» جلوی آزادی، تفکر، رشد و معنویت انسانها را گرفت ما باید کشف بکنیم که آن دین نیست آن برداشت یک نفر آدم بوده ولو آدم خوب ولی برداشت محدود یک انسان که همیشه هم محدود است ما برداشته‌ایمان را عوض بکنیم اینکه امام امت به خصوص در این دو سه سال آخر اینقدر روی مسئله جمود و تخریب تکیه می‌کردند و خود تأکید داشتند که اجتهاد فعلی حوزه‌ها جوابگویی

سخنان حجة الاسلام خاتمی

انقلاب و جامعه امروزی نیست هرچند روشی که در حوزه‌ها است تنها روش معتبری است که به کمک آن روشها می‌توانیم ما رجوع بکنیم به منابع فقه و فقه اسلامی اگر آن روشها را برداریم دچار انحراف می‌شویم دچار التقات می‌شویم، روشها و موازین همان است که در حوزه‌های علمیة مابوده اما برداشتها بسته به اینکه شما جهان را چگونه ببینید مشکلات را چه ببینید این مشکلات را به منابع فقه اسلامی عرضه بدارید و جواب را بگیرید اگر مسئله 800 سال پیش را عرضه داشتید جواب 800 سال پیش را می‌گیرید و اگر جوابهایی که متعلق به مسائلی است که مال 800 سال پیش است داشتید و مجبور کردید که مردم این را به عنوان اسلام پیاده بکنند هم به اسلام خیانت شده، هم به انقلاب، هم به جامعه و هم شکست خوردیم.

مصاحبه با آية الله صانعي (مدظله)

چند شب پيش از حلول ماه مبارك رمضان پس از كسب اجازه از محضر حضرت آيت الله صانعي (حفظه الله)، يكي از ياران و شاگردان بنام حضرت امام (رضوان الله تعالى عليه) و از مراجع بزرگوار حوزه علمية قم، سؤالاتي را طرح نموديم و ايشان هم در كمال سخاوت و تواضع با رويي گشاده به آنها پاسخ دادند تا جوانان اين مرز و بوم بانقطه نظرات فقهي با كلامي پدرايه آشنا شوند. از خداوند متعال براي ايشان و همة عالمان دلسوز طلب طول عمر باعزت مي كنيم.

اميد است خوانندگان محترم بتوانند بهره كافي از مطالب مطرح شده ببرند.

© در مورد جوان و نسل امروز ايران اسلامي ما بعنوان يك نظريه پرداز دينچه ارزشگذاري و ارزيابي داريد؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. خدا را سپاسگذاريم كه امثال شماها را براي حفظ ارزشهاي اسلامي و تبين احكام اسلام و زحمت كشيدين براي جوانان نكه داشته و آگاهي به شما داده و براي خدا اين زحمته را مي كشييد و ان شاء الله مأجور هم خواهيد بود.

ولي بطور كلي همان طوري كه اطلاع داريد و دوستان هم مي‌دانند، اساساً اسلام براي عبادت و بندگي جوان ارزش خاصي قائل است. در يكي از سخنرانيهاي مرحوم آيت‌الله فلسفي من شنيدم كه ايشان مي‌فرمود جوانها قبل از پيرها به پيامبر اسلام(9) گرويدند و ايمان آوردند و يكي از اشكاليهاي كه به پيامبر اسلام(9) مي‌کردند اين بود كه شما جوانان ما را از ما گرفتيد و جوانان ما را فاسد كرديد، اينها مسلمان شدند. در نهضت امام هم ما ديديم جوانها آمدند. من بارها عرض کرده‌ام كه امام وقتي حركت را شروع كرد، قبل از هر صنف و هر جمعيتي جوانان دانشگاه آمدند و اين امتيازي هم براي دانشگاه و هم براي جوانان است. بعد جوانهايي از بازاریها و ديگر

مصاحبه با آية الله صانعي

اقتدار آمدند و هيمنطور توسعه پيدا كرد تا همه ملت ايران به نهضت امام پيوستند و بنده عقیده‌ام اين است كه نسل جوان امروز ما تشنه حقايق اسلامي است. ما اگر بتوانيم حقايق اسلامي را به آنها آنچنان كه هست تفهيم كنيم، زمينه تفهيم را داشته باشيم، خيلي راحت مي‌پذيرند. بنده روز قبل با طيفهاي مختلف فكري از جوانان دانشگاه صحبت داشتم، طيفهايي كه فكري مختلفي با هم داشتند اما وقتي من مسائل را براي آنها بازگو مي‌كردم، چه مسائل سياسي، چه مسائل اعتقادي، آنها مي‌پذيرفتند، پذيرشي با همه وجود، يعني جوانان امروز اگر اسلام را مي‌پذيرند، با يك آگاهي زيادي مي‌پذيرند. بنده معتقدم اگر مشكلي براي جوانان وجود دارد، از اين قرار است كه ما نتوانستيم آنچنان كه بايد و شايد اين جوانها را به اسلام عزيز عملاً و قولاً آشنا بسازيم. شاهد خيلي آشكار آن اين است كه همين جوانها بودند كه امام با آنها توانست جنگ را به پيروي برساند، توانست دانشگاهها را تعطيل كند، توانست وضع دانشگاهها را به هم بزند و دهها كار ديگري كه امام انجام داد. چون اين جوان امام را هم از نظر عمل و هم از نظر گفتار شناخته بود و به عبارت ساده اگر بتوانيم اسلام را آنچنان كه هست معرفي كنيم، اسلام را دين سهل بدانيم، اسلام را دين خرد و عقل بدانيم، اجازه بدهيم سؤال كنند و سؤالشان را جواب بدهيم، بلكه اگر چيزي، شبهه‌اي به ذهنشان نمي‌آيد نبايد شبهه را بوجود بياوريم، اما بتوانيم جواب بدهيم. ببينيد من يك نمونه عرض مي‌كنم، باز به ياد مرحوم فلسفي كه امشب هم اولين شي است كه

ایشان از دنیا رفته و شبلیله‌الدفن ایشان است و نماز لیلۃ‌الدفن امشب مستحب است. برای ایشان این جمله را بیادش عرض کنم، چون مرحوم فلسفی به بنده خیلی حق دارد کما اینکه به جامعه و اسلام خیلی حق دارد. یک بحثی است در خطبة شعبانیه که همه ماها گفتیم و شنیدیم، وقتی خطبه تمام می‌شود امیرالمؤمنین (7) از رسول‌الله (9) می‌پرسد: «ما افضل الاعمال؟ پیامبر (9) می‌فرماید: افضل الاعمال فی هذه الشهر الورع عن محارم الله» خب، این ساده‌ترین معنایش «برهیز از گناهان، افضل اعمال است» می‌باشد. ولی اینرا ببینید فلسفی این را در بحث کودکش چگونه معنا می‌کند و چه زیبا اینرا معنا می‌کند. یعنی چه برهیز و ورع افضل اعمال است. من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم و اگر کسی می‌خواهد می‌تواند به آنجا مراجعه کند و چهار تاسطرش را بنویسد تا جوانها بفهمند بزرگان روایات را با چه دیدی می‌دیدند. یا وقتی می‌رسد به

مصاحبه با آیه‌الله صانعی

بحث سعادت و شقاوت، ایشان مطرح می‌کند: «بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت است، خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت است.» حتی آخوند خراسانی، یکی از ارکان مشروطه، آن محقق بزرگوار اینجا که می‌رسد می‌گوید قلم اینجا رسید و سر بشکست. اما مرحوم فلسفی آنقدر زیبا معنا می‌کند که آدم در مقابل آن زیبایی به وجد می‌آید و به نشاط می‌آید. یک مقدار فکرمان را باز کنیم، یک مقدار بیشتر بحث کنیم. بنده نمی‌دانم به شما بود یا به رفقا عرض کردم یا نه. بنده دیشب تا حالا، دیشب حدود 2 ساعت مطالعه کردم. امروز هم حدود 2 ساعت مطالعه کردم، دارم به اینجا می‌رسم که آنچه گفته می‌شود مادر برای فرزند ولایت ندارد، شاید بتوانیم از نظر فقهی و با حفظ موازین فقهی ثابت کنیم که نه، مادر هم بر فرزند ولایت دارد. بچهای که بابایش مرده است، مادر می‌تواند سرپرستی‌اش کند. این حرفی که مادر ولایت ندارد، شاید بتوانیم اینرا با موازین فقهی حلش کنیم. خب، حالا اگر اینرا عمل کردیم، جواب دادن خیلی آسان است که آقا چرا پدر ولایت دارد، اما مادری که بچهایش را بیشتر دوست می‌دارد، پس از مرگ پدر این مادر ولایت ندارد، که در این صورت مادر چقدر باید اذیت بشود. ما

وقتي رسيديم به اينجا كه بگويم زن مي‌تواند قاضي بشود، يك بابي براي ما باز مي‌شود كه مادر مي‌تواند قيم‌بشود، مي‌تواند ولي قهري هم باشد و يا بسياري از مسائل ديگري را كه بنده روي آنها كار مي‌كنم و مطالعه مي‌كنم، ما مي‌توانيم آنها را به جامعه تبين كنيم، به نسل جوان تبين كنيم. بنده در جامعه جوان هيچ اشكالي در جوانان نمي‌بينم. اشكال اگر هست از بنده و امثال بنده است و هر كسي كه مسؤول تربيت و هدايت جامعه است كه نتوانستيم آنچنان كه اسلام هست براي آنها بيان كنيم، آن اسلامي كه امام دنبالش بود، منتها عمرش وفا نکرد. نمي‌گويم فقه را بهم بزنيم، بلكه با موازين فقهی بحث كنيم. جامعه ديروز با جامعه امروز يك سري قالب‌بنديهايش عوض شده است. دين شفاف فطري را امروزه داريم، هماني را كه ديروزيها گفتند، ما هم بگويم منتهي بتوانيم پاسخگوي مسائل امروز هم باشيم.

© ما در قشر جوان امروز دو قشر مكممل دختر و پسر داريم. مكممل را از اين جهت مطرح مي‌كنم كه امروزه در جامعه ما بحث تفكيك دختر و پسر وجود دارد و وقتي قصه تفكيك پيش مي‌آيد، در آخرين و نهايي‌ترين سطحش فكر

مصاحبه با آية الله صانعي

مي‌شود، يعني در همه بخشهاي جامعه. آيا نظر قطعي اسلام تفكيك و جدا كردن است؟ و اگر راهي براي ارتباط مشروع بين دختران و پسران است، بفرماييد.

بينيد يك نظر، نظر شخصي بنده است كه مدتها بود اين نظر را فكر مي‌كردم با فكر ناقص خودمان. از قضا با توفيق خداوند جناب آقاي دكتور معين كه دو روز قبل تشريف آورده بودند، يك دوره كتاب از اين تاريخ تمدن و يلدوران، من يك جلدش را برداشتم. بحث اخلا و تمدن آنجا آمد و مسأله ارتباط دختر و پسر، ديدم اين نظريه بنده را آنجا برخي از صاحب نظرها دارند كه هرچه اين ارتباطات كمتر باشد، براي زندگي فايده اش بيشتري است و

زندگی را بادوامتر می‌کند و هرچه ارتباط بیشتر باشد، زندگی را، کانون زندگی را سرد می‌کند و زود بر هم می‌زند، بنده شخصاً نظرم‌براین است. حالا من نظر شخصی‌ام را عرض کنم تا برسیم به اسلام. اساساً این جدائی‌هایی که جاذبه جنسی و جاذبه سکونت و آرامش کنار همسر را محکم می‌کند، آن جدائیها را ما باید حفظ کنیم. کما اینکه نظر اسلام هم همین است. یعنی ما نمی‌توانیم اینها را رها کنیم تا با هم قاطی بشوند. همانجور که در دنیای غرب است، آنچه که در دنیای غرب است، هم برای پسر ضرر دارد و هم برای دختر و هم برای جامعه. یعنی جاذبه‌های جنسی و جاذبه‌های نیاز به همدیگر از نظر سکونت و آرامش ضعیف می‌شود؛ ضعیف که شد، شبیه محارم می‌شوند. شاید یکی از نکته‌هایی که اسلام ازدواج با محارم را اجازه نداده است، ضعیف شدن آن جاذبه است. ما هرچه این ارتباط را بیشتر کنیم، آنجا ضرر می‌کنیم؛ هم دختر، هم پسر و هم جامعه؛ آنهم در اثر بهم خوردن کانون خانواده، و هم نسل‌های بشریت بهم می‌خورد. و اما اسلام آیا راهی برایش قرار داده است یا نه؟ یعنی برای ارتباطات مشروع. بله یک کسی ممکن است از نظر فقاقت و شرع بیاید بگوید خب، این پسر و دختر می‌توانند به عقد موقت هم درآیند، فو‌قش با اجازه پدر با همدیگر درس بخوانند و با همدیگر مباحثه کنند، بروند و بیایند که نظر شهید مطهری (قد) همین است. یا اینکه نه، حالا پسر و دختری می‌خواهند با هم ازدواج کنند، برای اینکه همدیگر را خوب بشناسند و بیایند یکی دو سالی با هم عقد موقت باشند، همانکه در غرب هم رایج است، بعنوان رفیق و بعد بیایند با هم ازدواج کنند. بنده اینرا خطرناک می‌بینم و این از نظر کارشناسی خلاف است ولو شهید مطهری (قد) از نظر

مصاحبه با آیه الله صانعی

شرعی فرموده و بنده عرض می‌کنم از نظر کارشناسی خلاف است و وقتی از نظر کارشناسی خلاف بود، ادله‌ای را که عقد متعه را تجویز کرده، تجویز نمی‌کند که کانون خانوادگی را بهم بزند. ادله عقدمتعه نیامده تا سبب شود جامعه به بدبختی کشیده شود، آمده جلو فساد جامعه را بگیرد، نیامده فساد را در جامعه تشدید بکند. بنابراین اصلاً ادله اینجا را نمی‌گیرد. با این نظری که بنده دارم و عرض کردم در آن کتاب تاریخ و یلدورانت هم روی این

نظر خیلی تأکید شده است، تجربه هم نشان داده است. يك مثالي يادم آمد و آن اينكه يك رفيقي داشتيم ما در تهران، ميگفت هر جامي رويد طوري نرويد كه خودماني بشويد، چون اگر خودماني بشويد، ديگر آن ته مانده هاي غذا را مي دهند و ميگويند خودماني است. پتو پاره و چرك را مي دهند و ميگويند خودماني است. اما اگر خودماني نشدي، يك حساب ديگر براي باز ميکنند. و اما قطع نظر از اين نظر، اصلاً بنده درباره عقد موقت نظر ديگري دارم. اصل "نظر فقهي بنده اين است، بنده عقد موقت را مشروع مي دانم در يك مواقع اضطراري براي جلوگيري از گناه، يعني در جبهه ها و جنگها. اصلاً عقد موقت براي آنجا مشروع است. عقد موقت نيامده براي اطفاء غريزة جنسي. براي ايجاد رابطه بين پسر و دختر اصلاً دليلي نداريم تا اينكه آنجاها جايز باشد و مشروع. ادلة عقد موقت خصوصاً آنجا است. ادله اش قصور دارد. اينجا هم كه ميگويند عقد موقت مستحب است، باز اشتباه است. عقد موقت اگر مستحب بوده براي احياء سنت و اماتة بدعت بوده تا سنت صيغه و عقد موقت رازنده نگه دارد. امروز كه همه مي دانند جامعة شيعه عقد موقت دارد، اسلام عقد موقت دارد، اين هيچ معنا ندارد كه ما بگويم خير، اين مستحب است. هر مسلماني بايد يك زن صيغه اي هم داشته باشد تا بگويم به اين مستحب اسلامي نيز عمل کرده ايم، خير، هيچ استحبابي ندارد. بلکه عرض كردم اگر ما عقد موقت را در جامعه رايج كنيم، نكاح دايم را از بين برده ايم، آن اصل را ضربه زده ايم و از اين جهت هم نامشروع است و هم نادرست. بنا بر اين نظر شخصي ام اين است كه نبايد ارتباطات باشد. ارتباطاتي كه آن غرائز را تضعيف مي كند، بايد جوري باشد كه غرايف تشديد بشود. نياز همجنس به غير همجنس بايد باشد و تقويت هم بشود. راهي هم اسلام براي قرار نداده است. اما ارتباطاتي كه آن غريزه را بهش كاري ندارد، نشسته اند در يك كلاس درسي، دارند با هم درس مي خوانند، فسادي هم بر آن بار نمي شود، آن مانعي ندارد. يك اجتماعي است دارند با هم

مصاحبه با آية الله صانعي

صحبت مي کنند، دارند با هم حرف مي زنند. حجاب هست و دارند با هم ديگر صحبت مي کنند. هيچگونه در جوامع اسلامي به صورتهاي ديگرش بوده، حالا امروزه بصورت دانشگاهي باشد، بصورت خيابان باشد، بصورت مدرسه باشد.

© پس می‌شود گفت ارتباطات معمول اجتماعی که رایج در اجتماع ماست، هیچ منعی ندارد؟

نخیر، ندارد.

© بلکه می‌توان گفت ارتباطاتی را که موجب می‌شود غریزه جنسی و زندگی‌دائم اینها (زوجین) بهم بریزد را شما ممنوع می‌دانید؟

اگر در آینده اینها ازدواج بکنند، اشکال ندارد.

© يك بھئي داريم در لمعه، (حالا اگر فضولي نباشد) مي‌گفتند اگر فروشنده اي جنسي را به زني بفروشد و صورت او را نگاه نکند و بعد آن زن آن جنس را پس بياورد و فروشنده بگويد من شما را ندیدم و نمی‌شناسم، صورتتان را نگاه نکرده‌ام، از نظر شرعي اینجا شهيد ثاني می‌فرماید آن مرد فروشنده مقصر بوده و باید جنس را پس بگیرد، چون باید اینجا بصورت زن نگاه می‌کرد. حالا این نگاه کردن که در جامعه ما هست، یعنی سخن در نگاه ريبه است که آیا هر نگاهي را شامل می‌شود یا اینجا مثل همان قصه‌اي که در لمعه مطرح شده، نگاهي که در معاملات و نگاهي که در معمول زندگی مردم هست را شامل نمی‌شود؟

ببینید نگاهي که حرام است آن نگاهي است که زمینه فساد را بسازد. یعنی زن آرایش کرده است، مرد هم جوان، این تیز می‌شود در صورت او، چشم چراني یا مقدمه چشم چراني. اما به سبک عادي و متعارف می‌بینم در آن داستان حضرت زهرا(3) دارد. سلمان می‌آید، جابرمی‌آید، زهرا(3) نشسته است. به صورت زهرا(3) حتماً نگاه می‌کند و می‌گوید رنگ حضرت زهرا(3) زرد بوده و من پرسیدم که چرا رنگ حضرت زهرا(3) زرد شده است. این نگاههاي متعارف می‌باشد. در جامعه دیروز هم پسرعموها، قوم و خویشها، سر يك

سفره مي‌نشستند. شب يلدا دور هم مي‌نشستند اما بدون اينكه هيچكدام چشم‌چران باشند و تيزبشوند و بدون اينكه دختري بخواهد پسري را بربايد، مرددي بخواهد زني را بربايد. همه اين مشكلاتي كه در جامعه ما پيش آمده، فسادي است كه در غرب بوده و سراغ ملت ما هم آمده والا با آن حالت صفا، با آن حالت صميميت، به صورت همديگر نگاه مي‌کردند، زنها مي‌آمدند، مردها هم مي‌آمدند، مي‌رفتند، نگاه به همديگر مي‌کردند، اما نگاهها، نگاههاي عادي بوده. بله؛ بدن زن نگاه كردن عادي هم حرام است و دست آرايش نشده و يا آرايش شده، ولي نه آنچنان آرايش غليظي كه به چشم‌چراني بگردد. دارند نگاه مي‌كنند، صحبت مي‌كنند، حرف مي‌زنند، آقامسأله‌گو دارد مسأله مي‌گويد براي زنها. حالا در تاريخي كه زنها مي‌آمدند مسأله مي‌پرسيدند، از رسول الله(9) مثلاً پيغمبر نگاهش را پايين مي‌كرد و تا آخر سرش را بلند نمي‌كرد، خب، اگر اين بود كه در تاريخ نقل مي‌شد. پيغمبر نگاه مي‌كرده در صورت آن زن و آن زن نگاه مي‌كرده در صورت پيغمبر(9). همين زنهایی كه خدمت امام(ره) مي‌رسيدند، اينجور نبود كه امام سرش را پايين كند و زنها هم سرشان را پايين كنند. خب، امام(ره) به آنها نگاه مي‌كرد، آنها هم به امام نگاه مي‌کردند. اينجور نگاهها كه نگاههاي متعارف است و اجتماعات بر آن بنيانگذاري شده است، نگاه چشم‌چراني نيست، نگاهی كه زمينه‌ساز چشم‌چراني نيست، خوف فتنه و فسادي هم در كار نيست. در خيابان، در بازار دارند با همديگر مي‌روند با رعايت پوشش اسلامي، در اين حال نگاه كردن به صورت و بند دستها هيچ دليلي بر حرمتش نيست، سيره هم بر جواز است.

© يعني نگاه بر اساس اصل اعتماد و عدم خيانت.

بله، بر اساس اصل اعتماد، آنها نسبت به صورت البته و نه نسبت به بدن. بدن با اصل عدم اعتماد؛ و اصل اعتمادش جايز نيست.

© بحث رنگ؛ رنگ خاص مثل رنگهای تیره و رنگهای سیاه. در جامعه مامهترسالاری و بزرگ سالاری مطرح بوده و بشکل سنتی و معمول بزرگسالان به رنگهای تیره و رنگهای غیر تند تمایل داشته و دارند. الآن هم يك شكل ديني به آن داده شده و پوشیدن رنگهای تند، جذاب و رنگین سفارش نمیشود. آيادين در متن خود اين مطالب را در مورد رنگ دارد يا نه؟

مصاحبه با آية الله صانعي

ابدأ. دين راجع به رنگ، راجع به انواع لباس هیچ قانونی ندارد، جز يك قانون و آن اينکه لباس نبايد جلبنظر ديگران کند. در يك جايي نرود که جلبنظر کند، اما براي شوهرش هر لباسی ميخواهد بپوشد يا اگر زني است که جلبنظر نميکند، هر جور لباسی ميخواهد بپوشد، هر رنگی ميخواهد، بپوشد. جوان و پير هم همين جور است. روي رنگ، روي مد، روي انواع لباس، «کلشي» مطلق حتي يرد فيه نهي» اصل بر آزادي است و بر حليت مگر جلبنظر کند، موجب فسادشود يا فرهنگ غرب را بياورد، فرهنگ لباسی که در فرهنگ ديگر اثر بگذارد. فرهنگ رنگی که در فرهنگ ديگر اثر بگذارد. بنده يك وقتي اينجا در نماز جمعة قم گفتم فرهنگ پاساژ غير فرهنگ تيمچه است. يعني نوع معماری هم ميتواند روي فرهنگ اثر بگذارد. شما معمولاً در پاساژ که بروي (نمي دانم الآن هم اينجوري است يا نه)، جنس، فروشنده و خريدارش فر ميکنند با آن کاروانسراها و تجارتخانه هاي قديمي. هم فروشنده فر ميکنند، هم خريدار و هم جنس، يعني او يك فرهنگي است کاملاً سنتي - اسلامي، هيچ شائبة بدني ندارد. اينها يك فرهنگي است که ممکن است يك جاهاي شائبة بدني داشته باشد. لباس، رنگ لباس، مد، قيافه، همه اينها آزاد است مگر آنکه فرهنگ غرب را بياورد در لباس که نتيجه اش در مد و ترويج از آنها نمايان ميشود. اگر ترويج از آنها باشد، تأثير در فرهنگ بگذارد، اينجاست که حرام است. آنکه روايت دارد لباس دشمنان مرا نپوشيد، شبیه

آنها نشوید، خود شبیه شدن حرام نیست بلکه شبیه شدن برای اینکه فرهنگ دنبالش می‌آورد، در فکر مردم، اعتقاد مردم، زندگی مردم اثر می‌گذارد، روی این جهت حرام است. بنابراین فقط يك رنگ، مذمت شده و آنهم رنگ مشکی و سیاه است. رنگ‌مشکی و سیاه. رنگ سفید هم در روایات مطلوب عنوان شده والا هیچ خصوصیتی ندارد.

© حالا اگر این رنگ، این لباس، این مد طبیعی جامعه ما بشود، مثلاً کت وشلوار که طبیعی جامعه ما شده و دیگر کسی از او رنگ و بوی غرب را نمی‌بیند؟

نمی‌بیند، ولی آن اول که می‌آید، اولیها حرام مرتکب می‌شوند.

© اگر مفسده‌انگیز نباشد، این چه دلیل حرمتی دارد؟

فرهنگ غرب است و فرهنگ غرب مفسده‌انگیز است. ببینید، اگر هر فرهنگی فرهنگ دینی و اسلامی ما را بهم بزند، ممنوع است. اما اگر آن فرهنگ در لباس یا قیافه اثر نمی‌گذارد، هویت ما را

مصاحبه با آية الله صانعي

از دست نمی‌دهد، مانعی ندارد. ولی معمولاً عوض می‌کند. عرض کردم فرهنگ معماری در پاساژیک فرهنگ بدنبال دارد. کاروانسرا هم يك فرهنگ. این فرهنگ معماری در بقیة امور ما اثر می‌گذارد. هر لباس، هر مد، هر شکلی که در فرهنگ اسلامی و انسانی و ملی ما اثر بگذارد ولو در درازمدت، باید جلوی او را گرفت. نباید انسان خودیت خودش را بفروشد. بعبارت دیگر انسان باید برای خودش ارزش قایل باشد. جوان باید خود را بشناسد، تحت تأثیر مدهای دیگران قرار نگیرد. خودش مد بسازد، بشود خودکفا. خودش لباس بسازد، خودش رنگ بسازد که برگردد

به خودش. این برمیگردد به اینکه خودش دارد میسازد. هیچ ضرری هم ندارد و استعدادش هم شکوفا شده است، از تقلید هم نجات پیدا می‌کند.

© شما فکر نمی‌کنید که گرایش به این مدهای غربی یا هر مدی که در جامعه مارایج می‌شود، بخاطر منعهای غیراصولی بوده که ما داشته‌ایم. یعنی کارشناسانه منع نکردیم، دقیق و بادقت رویش کار نکردیم؟

نه، قبول ندارم. بخاطر ترویجی بوده که دودمان پهلوی کرده است. خاندان پهلوی با فشار و باتبلیغات آمدند، فرهنگها را جا انداختند، ما را اسیر فرهنگها کرده‌اند. حالا دیگر دارد می‌آید. بله، ممکن است بعضی جاهایش هم اشتباهاتی بوده است، من نمی‌گویم، بطور کلی خوب بوده، مثلاً وقتی برای میرزای نائینی می‌نویسد که آقا مساوات خلاف اسلام است، حریت خلاف اسلام است. حالا یعنی می‌گویی مساوات یعنی مالک و مستأجر مثل هم هستند. خب، ممکن است یک آدمی هم آنطور کج‌فهم باشد یا حریت خلاف اسلام است، معنایش این است که آدم هر گناهی را می‌خواهد بکند. مرحوم نائینی در پاسخ می‌نویسد خیر، من نمی‌خواهم بگویم نبوده، اما اساس رامن اجبار پهلوی و فرهنگی که آنها بوجود آورده و هنوز هم دنباله‌اش ادامه دارد، می‌دادم. ما الان باید برگردیم و این فرهنگ خودی جوانان و انسانیتشان را به ایشان بفهمانیم، به آنها بفهمانیم شما مسلمانید، شما خلیفه‌الله هستید، ایرانی هستید، شما باید احساس شخصیت بکنید.

© با توجه به بعضی مطالبی که الآن در جامعه ما رخ می‌دهد و حتی هم اینک که یک مسأله اجتماعی هم هست مثل کف زدن، سوت کشیدن و بعضی از کارهای شبیه به اینها، برخی می‌گویند با کف زدن و سوت کشیدن در حقیقت می‌خواهند

مصاحبه با آیه الله صانعی

يك نوع تبديل شعار پيش بياورند، يعني با كف زدن و سوت كشيدن قصد اين است كه يك تبديل شعاري از صلوات و تكبير به سمت فرهنگ ديگر پديد آيد. آيا اين مطلب با صحبت شما تناسب هم دارد؟ يعني كف زدن به شكلي باشد كه نخواهد هويت ما را بگيرد و ما را بسوي هويتي ببرد كه متضاد با هويت ما باشد. آيا حرمتي براي خودش پيدا مي كند يا نه اصولاً كف زدن و سوت كشيدن هيچ اشكالي ندارد با توجه به آيه اي كه در قرآن آمده؟ آية «ماكان صلاتهم عند البيت الا مكاءً وتصديّة»؟

ببينيد شعار عوض كردن چند شكل دارد، يك وقت يك شعار واجي در کشور است كه ما آن را بياييم به فراموشي بسپاريم و كم كم محتوايش را هم از بين ببريم، در اين صورت اين كار حرام است ولو با قرآن خواندن باشد. ما مي خواهيم بگويم استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي. شما بياييد مدح اميرالمؤمنين(7) را كه از افضل عبادات است، بخوانيد، براي اينكه كم كم اين شعار كم رنگ شده و بعد كم كم محتواي آن را هم از بين ببرند، يعني برگردانند به استبداد، برگردانند به حاكميت غير مردم و مشكلات ديگر. اين حرام است براي اينكه يك ملي براي اين شعارها و محتوايش فداكاري کرده است و اساس را اينها تشكيل مي دهند. بين كف زدن و بين اين چيزها فرقي نمي كند، منتهي آن فضيلت است و با فضيلت خواستيم يك فضيلتي را از بين ببريم و اين يك كاري است كه نه فضيلت است نه رذيلت، و اما اگر يك شعارهايي است كه شعارهاي لازم آنچناني نبوده، بلكه من نوعي از آن شعارها خوشم نمي آمده و مي خواهم آن شعارها را از بين ببرم، نمي خواهم اين شعار باشد، يك عده طرفدار اين شعارند، من نمي خواهم اين شعار باشد ولي جزو اصول نيست، جزو اساس نيست. توجه مي فرماييد «جزو اصول و اساس نيست» وقتي جزو اصول و اساس نباشد و من نمي خواهم باشد، چه دليلي داريم بر حرمت آن؟ بنده اين سليقه شما را نمي خواهم باشد!! البته من نمي توانم قصه را باز كنم ولي دليلي بر اينطور تغيير شعار نداريم. خود سوت كشيدن يك كاري است دارد انجام مي گيرد. شيخ در مكاسب مي گويد لهواست، مگر هر لهوي حرام است؟ هيچ دليلي بر حرمتش نيست. اگر شكل تشويق داشته باشد، چه مانعي دارد؟ توي مجلس عروسي مي زنند، الاَن در شاديها دارند مي زنند. و اما آن آية شريفه كه

مصاحبه با آية الله صانعي

اشاره شد، آن، جلوگیری از صدای پیغمبر(9) بوده که میخواستند نگذارند که صدای پیغمبر(9) به مردم برسد یا مسخره میکردند یا میخواستند نگذارند پیامبر ندای وحی را ابلاغ کند، سوت میکشیدند که حرف پیغمبر(9) جایی نرسد، خب، بله، آن حرام است. ندای توحید را جلویش را گرفتند اما فرضاً حالا برای مرجعیت بنده يك شعاري درست کردند که بنده خودم را مرجع جا بیاندازم. شما میآیید شعار مرجع شدن مرا برمیگردانید به کف و صلوات برای اینکه نمیخواهید من مرجع باشم. خب، آسمان که به زمین نمیآید. نمیخواهید من مرجع باشم، حالا مرجع بودن من که جزء ارکان اسلام و ارکان انقلاب نیست. مردم که خون ندادند که من مثلاً مرجعیتم جا بیفتد یا مرجعیتم انتشار پیدا کند. خب، مرجع هستی، رسالهات را بنویس!! کارت را بکن!! پس بستگی دارد به آن شعاري که بناست از بین برود تا چه شعاري باشد. اگر جزء اصول باشد جزء آنهایی است که مردم برایش خون دادند، مشروعیت نظام به آنهاست. آن شعارها مثل استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و یا شعار بدهیم قانون اساسی را از بین ببریم. یکی از شعارهای ما اینست که قانون اساسی محترم است، حالا شعار بدهیم تا قانون اساسی را از بین ببریم، حال، هرچه میخواهد باشد، ولو صلوات که از افضل عبادات است. صلواتی که آدم وقتی میفرستد، همه فرشتگان برای او طلب رحمت میکنند. البته باید سفارش کرد حالا اگر بناست تغییر بدهیم، به يك شعار ناطق تغییر بدهیم. اگر از يك شعاري خوشمان نمیآید، باید تغییرش بدهیم به يك شعار ناطق. چون مسلم شعار ناطق، گویایی بیشتری دارد، درحالی که کف زدن و سوت کشیدن، اینها شعار صامت است و اینها گویایی ندارد. بتوانیم برگردانیمش به يك شعار ناطق، بهتر و نیکوتر است.

© یعنی همیشه از يك شعار مرجوح به يك شعار راجح برویم، حرکت به شکل صعودي در ارزشها باشد؟

مرجوح به نظر خودمان، یا به مساوی آن برویم یا به راجح. البته مرجوح به نظر خودمان والا اگر فرمان الهی باشد و زیربناها باشد که آن حرام است و در این صورت نمی‌توانیم آن را تغییر بدهیم.

© مسأله موزیک و موسیقی. از حیث لغوی و علمی موسیقی و هنر غیر از آن چیزی است که در شرع ما گفته می‌شود. غنا صوت است اما در موزیک و هنر،

مصاحبه با آیه الله صانعی

موسیقی را اعم از صوت و صدای ابزار موزیک می‌دانند، در حالیکه در فقه ما آنها را تفکیک می‌کنند و تکیه صحبت از موسیقی می‌شود و فقهای ما نظر به حلّیت یا حرمتش می‌دهند، باز هنرمندانی که کارشان پرداختن به موزیک است، سردرگم می‌شوند، متوجه نمی‌شوند که به کدام بخش از نظر فقهی، موسیقی می‌گویند. آیا صدای خواننده را می‌گویند یا صدای آلات موسیقی را می‌گویند؟ به هر جهت الان ما در یک زمانی هستیم که رادیو و تلویزیون ما یک چیزهایی را بخش می‌کند و در مراسم و بعضی از مجالس ما هم صداها می‌آید. خواننده‌هایی می‌خوانند حالا برای تشخیص صدا، همه مراجع فرموده‌اند که باید برویم سراغ متخصص فن، اما بحث سر این است که خود متخصص فن هم متوجه نمی‌شود که مقصود مراجع در مفهوم موزیک چیست تا بتوانند برای ما صدا را تبیین کنند. اگر لطف بفرمایید در مورد موزیک حلال و حرام توضیح بفرمایید.

ببینید، مشکل مسأله غنا و مسأله موسیقی و هنر اینست که اولاً یک مقداری صریح گفتنش شاید برای بعضی افراد در جامعه که هنوز کشش نداشته باشند، صحیح نباشد. دوم اینکه قاطی می‌شود با مسائل سیاسی و فکری و سوم اینکه ما گاهی برخوردهایمان برخوردهای دوگانه است. یعنی برای یک عده‌ای حرفمان یک چیز است، عملمان یک چیز دیگر است و این خیلی مشکل پدیدآورده در این جهات، من برایش سند دارم و نمی‌توانم صریح بگویم برای شما

روي بعضي جهات در خصوص تبیین ادله. همیشه هم اینجور بوده. مرحوم فیض وقتی می‌آید و غنا را حرمت‌محتوایی به آن می‌دهد تا سرحد کفر مرحوم فیض را می‌برند. اما حالا با شرایط فعلی جامعه من به‌شما عرض می‌کنم این هنرهایی را که دارند جوانهای مسلمان یاد می‌گیرند، نمازش را می‌خوانند، روزه‌اش را می‌گیرد، توی دانشکده‌های اسلامی دانشگاه‌های اسلامی در نظام جمهوری اسلامی دارد هنر یاد می‌گیرد، چه با ابزار و چه بدون ابزار و از سوی دیگر یاد گرفتن اینها هم معمولاً برای این نیست که جامعه را به فساد بکشانند، می‌خواهد سرگرمش کند، نیم ساعت سرگرمش کند با یک شعرهای محتوادر و با یک آواز قشنگی بخواند که این سرگرم بشود و یا در کارهای علمی از آن

مصاحبه با آیه الله صانعی

استفاده بشود، این را بنده نمی‌توانم بگویم گناه است و حرام و مرتکبش گناه کبیره کرده است و باید شلاقش زد و طردش کرد و آنچه که حرام است از غنا و آوازخواندن، آنهایی است که دارای یک محتوای باطل باشد. شما اگر یک شعری بخوانید بدون آواز قشنگ، بدون اینکه بصورت سرود باشد اما این شعر در جامعه فساد بیافریند، این می‌شود غنای محرم. یعنی این حرام است حالا غنای مصطلح هم نباشد. این حرام است اما اگر با سرود، با شعرهای قشنگ، با تصنیف نیروها را برای جبهه بسیج کند، با تصنیف مسائل بهداشتی را به مردم یاد دهد. با تصنیف پیشگیریها را به یاد مردم بیاندازد، فقرزدایی کند، اینجا موسیقی حرام نیست، آن حرام است که محتوایش فساد بیافریند و یا سبک خوانندگی، فساد بیافریند. یک دختر خوشگلی را آوردند، هفت قلم آرایش کردند و توی یک اجتماعی این دارد برای زنها قرآن می‌خواند. بعد این نوار قرآنش را می‌خواهیم برداریم برویم برای مردها فیلمش را نشان دهیم، عکس است دیگر، عکس که دیگر حرام نیست، نگاه به عکس؛ بالاتر آنکه ناشناس هم باشد، این فی حدنفسه حرام نیست. ولی همین را هم که ببرند، جوانها را به اغراف می‌کشاند، آن حرام است. پس بنابراین، محتوا و یا سبک خواندن بسیار مهم است. گفت دخترک می‌رقصید. پدرش گفت: چرا می‌رقصیدی؟ گفت: مجبورم کرده

بودند. گفت: اصل رقص را مجبور بودي، خوش رقصي را هم مجبور بودي؟ حالا اگر با اين آوازه‌ها، با اين ادوات و ابزار حتي اگر در مسير صحيح هم باشد و ما بخواهيم با آن فساد بيافرينيم. مثلاً يك كسي مي‌خواهد قرآن بخواند و قشنگ هم بخواند كه دل يك دختر را بربايد و دختر را به فساد بكشاند، اين قرآن چيست؟ حرام است براي اينكه مي‌خواهد به فساد بكشاند. قرآن دارد مي‌خواند ولي مي‌خواهد به فساد بكشاند. بنا بر اين اگر ابزار و ادواتي كه هست و در اين مسير صحيح ما داريم استفاده مي‌كنيم در نظام (اميدواريم در مسير باطل از آن استفاده نشود) انحراف در آن نباشد. نمي‌توانيم بگوييم حرام است ياد گرفتنش، ياد دادنش، انجام دادنش در هر سه بعد. بله، بايد در نهايت يك جوري نشود كه همه را به فساد بكشاند، كه مسؤول اين راديو و تلويزيون است. تلويزيون بايد حساب خودش را داشته باشد يعني آنقدر فيلمهاي خارجي، پخش و يا فيلمهاي داخلي نسازد كه مردم ديگر از زنهاي خودشان بيزار بشوند و همه دنبال آن دختر هندي بروند. آن ديگر مسؤولش صدا و سيما و كل جامعه هنري و وسائل ارتباط جمعي است.

مصاحبه با آية الله صانعي

© اينجور كه فرموديد و ما هم استفاده كرديم پس محتوا بسيار مهم است كه در كجا نواخته مي‌شود و براي چه نواخته مي‌شود و محتوايش چيست. حالا اگر ما بگوييم هم محتوا رعايت مي‌شود، هم محيط، محيط مناسبي است اما يك غربي دارد اينرا مي‌خواند اما همچگونه حركت فساد انگيزي ندارد؟

مانعي ندارد، غربي بخواند.

© گروهی است بنام گروه پینک فلوید؛ برخی آلبومهای ایشان دارای اشعار دفاع از جهان سبز است برای دفاع از جنگلها. اینها اینرا میخوانند و حالا اگر یک جوان ایرانی بخواند به آن گوش بدهد بدون هیچ تهنیتی؟
هیچ مانعی ندارد. بنده نمی‌توانم بگویم حرام است.

© و از طرف دیگر در روایات ما به لیالی همراء و بیوت همراء اشاره شده که بنی‌العباس آورده بودند. یعنی موزیکی آورده بودند، بنام موزیک کاباره‌ای که ما می‌بینیم هجته روایات ما و اکثر هجته حملات ائمه ما (: در آنجا به این‌نوع موزیک است.

بله، اصلاً لهو الخدیث حرام است، قول‌الزور حرام است همانجا که مرحوم فیض هم فرموده است.

© حالا اگر ما بگوییم موزیکی حلال که در محیط نامناسب دارد نواخته می‌شود، نظر شما در این مورد چیست؟ یعنی کاباره، یعنی شکل کاباره‌ای آن؟

بله، حرام است و اگر در این زن و مردی هم برقصند، یکی دیگر هم نعوذ بالله مسأله مرا بگوید، مسأله من آنجا حرامست برای اینکه با هم قاطی می‌شوند. حالا فرض کنید می‌خواهند صانعی رانعوذ بالله مسخره کنند، مسأله صانعی را آنجا بگویند، مسأله فقهی است، دارند می‌گویند ولی چون آنجا با آنها قاطی می‌شود، می‌شود حرام.

© حالا اگر بیاییم در یک محیط عادی یک نوار موسیقی بگذاریم، گوش می‌کنیم بدون هیچ تحریکی؟

هیچ مانعی ندارد. منع شرعی مفسده برانگیز بودنش است. البته گاهی مریضهای اعصاب

مصاحبه با آية الله صانعي

هستند براي آرام کردن خود از اين موزيکها استفاده ميکنند ولي حالا يك کسي دارد قرآن گوش ميکند حالا يك کسي را بايد آماده اش کنيم قرآن گوش بدهد و يك کسي هم آن طوري آن موسيقيها را گوش ميدهد و اعصابش آرام ميگيرد.

© بعنوان سؤال آخر. در مورد آستين کوتاه چه ميفرماييد؟

آن خلاف عفت براي مردها و خلاف عفت عمومي است و نبايد اينکار انجام گيرد. سبک است براي مرد سبک است. ولي نبايد اجبار کرد. آن درست نيست. بايد بزرگان با پيراهنهاي خاصي بيابند. بايد ارزش را بالا ببرند چون حرام صددرصد که نيست. خلاف عفت عمومي است. خلاف محييط است. ممکن است مفسده برانگيز باشد. فرهنگ جامعه را بايد بالا ببريم. در آن صورت بدتر ميشود.

© ولي اگر جامعه پذيرفته باشد و خلاف عفت هم نباشد چطور؟

اگر خلاف عفت نباشد هيچ مانعي ندارد. بستگي به موارد دارد. بنده در زمان حيات پدرم، خداييامرز، زيروش آستين کوتاه زيرو لباس را هم حياءً از پدر نميپوشيدم. خب، همه که نبايد اينجوري باشند. من بعد از فوت پدرم زيروش پوشيدم آنهم زيرو لباس. اينها مسأله حياء در جامعه است. مسائل شخصيت دادن به خود و ديگران است.

با تشکر از محضر شما و اعتذار از اينکه مصدع اوقات جنابعالي شديم.

مصاحبه با آیه الله جناتی

گفتگویی حاضر نشستی است در محضر حضرت آیه الله جناتی (مدظله)، ایشان یکی از فقها و اندیشمندان معروف و بزرگ حوزه های علمیه نجف اشرف و قم است که هم اینک کرسی تدریس خارج فقه و اصول در حوزه مقدسه علمیه قم را داشته و طلاب فهیم و بزرگی را به پیشگاه دین تقدیم نموده و کتاب های زیادی به زیور قلم آراسته، در عین حال هم ایشان از اندیشمندان و صاحب نظران فرید و فرهیخته حوزه علمیه می باشند که سعی دارند عنصر زمان و مکان را در اجتهاد و فقه شیعی دخالت، ارائه و انتشار دهند و از جمله، مسائل مربوط به جوانان بسیار مد نظر ایشان بوده که این مصاحبه در پی بیان همین موضوع می باشد.

© جوان امروز پرسشهایی بسیار دارد، اما پاسخ مناسب خود را پیدا نکرده است، جوانان باید بدانند چه کاری را انجام دهند و چه کاری را انجام ندهند، بفهمید چگونه می توان با جوان ارتباط برقرار کرد و مفاهیم و ارزشها را با او در میان گذاشت؟

این سخن یکی از مطالب مهم است، افرادی برای بدست آوردن حقایق سعی و تلاش می کنند اما مهم این است که ببینند پیش چه کسی می روند آیا نزد کسی که آگاهی کامل از مبانی اصلی اسلام و شرایط زمان دارد می روند یا خیر.

بسیار جای تأسف است که گاهی افراد نزد برخی که اصلاً دارای آگاهی نیستند رفته یا نزد کسانی که آگاهی کامل از مبانی معتبر اسلامی ندارند. آنها هم بر اساس ذهنیت خود یا ذو و سلیقه یا سنتهای غلط محیطی و اجتماعی، مطالبی را به عنوان اسلام مطرح می کند و همان مطالب هم در جامعه به عنوان اسلام شناخته می شود با

اینکه چنین نیست و این یکی از عواملی است که در طول تاریخ، ضربه‌هایی سهمگین بر پیکر اسلام عزیز وارد ساخته است.

روزی یکی از روحانیان به یکی از اساتید دانشگاه می‌گفت: ما مقصریم شما هم به اندازه ما

مصاحبه با جناتی

مقصرید، چون ما می‌بینیم بعضی‌ها بدون اینکه واجد شرائط باشند و آگاهی از موازین علوم حدیث و... داشته باشند امر تبلیغ را عهده‌دار می‌شوند و هر حدیثی را به عنوان اسلام نقل می‌کنند، حتی شما هم آن را می‌پذیرید و او را متدین و با تقوا می‌دانید. اما اگر کسی واجد شرائط باشد و واقعیات را به شما بگوید او را نمی‌پذیرید، کسی که غیر آنها را با مقدس‌مآبی طرح می‌کند تا بی‌سوادی‌اش را بپوشاند حتی شما روشن فکران ایشان را با تقواتر و برتر و اسلام شناس‌تر محاسب می‌آورید و آنکه واقعیات را می‌گوید بی‌تقوا می‌خوانیدش توجه شما را به روایتی از امام سجاد (علیه السلام) جلب می‌کنم؛ فردی نزد امام سجاد رفته و خواست مطلبی را به ایشان بگوید اما خجالت می‌کشید، حضرت فرمود: □: مطلب را بگو، عرض کرد کرد می‌خواهم ازدواج کنم امام فرمود خیلی خوب است، عرض کرد زن مورد نظر من آوازه خوان است (مغنیه) حضرت فرمودند: مانعی ندارد زیرا او با خواندن خو در ضمن شعرهایی که دارای مضمون خوبی است شمارا به یاد بهشت می‌اندازد. اما حالا اگر آن جوان برود پیش آن مقدس‌مآب بی‌سواد که اصلاً هیچ‌گونه آگاهی از مبانی اسلامی ندارد و بگوید می‌خواهم زن بگیرم ولی خواننده است، به جای اینکه بگوید من در این زمینه اطلاعی ندارم، هفت هشت فحش آبدار به او می‌دهد و پرخاش می‌کند که چرا چنین مطلبی را عنوان کرده است؟! و این در حالی است که حتی شما به عنوان روشنفکر نیز بیشتر به او ایمان می‌آورید! و به تدین و تقوی و علم به او معتقد می‌شوید! ایشان این‌گفتار را پذیرفت. به هر حال بیشتر مردم در طول تاریخ با فرهنگ این گونه‌ای بار آمده‌اند و از حقایق خیلی فاصله دارند و اگر خواهیم آنها را به

این حقایق برسانیم باید فرهنگ صحیح را جایگزین فرهنگ متداول و نادرست نماییم، باید در همه زمینه‌ها بسیار کار کنیم چون راهی بسیار طولانی و گردنه‌های صعب‌العبوری را پیش‌رو داریم. در حکومت اسلامی چون همه گفته‌ها و کارها به عنوان الگو تلقی می‌شوند باید حقایق بیان شوند و اگر حقایق بیان شود مردم آنها را می‌پذیرند و باید دانست هرکسی در کار خودش مسئولیت دارد. کار شما هم کار بسیار ارزنده‌یی است و امیدوارم روز به روز بهتر و مفیدتر کار کنید.

© حضرت آیه الله جناتی، نسل جوان امروز را چگونه می‌بینید؟

باید برای بهروزی نسل جوان در بعد فرهنگی و معنوی، آموزش و پرورش و پژوهش،

مصاحبه با جناتی

احکام دینی و اجتماعی، بعد اقتصادی و معیشتی، کار مناسب، مسکن و ازدواج کار کرد. پیشرفت نسل جوان در بعد معنوی و فرهنگی منوط به عواملی است از جمله داشتن آموزش و پرورش مناسب و مفید، امکانات لازم برای سرگرمی و انجام فعالیت‌های ورزشی که غذای جسم و روح جوان است و در ساختن شخصیت وی نقش به‌سزایی دارد مثل کانون‌های تفریحی، کتابخانه‌ها و فرهنگسراها به ویژه برنامه‌ریزی‌های سالم رسانه‌های گروهی خصوصاً صدا و سیما که در اینجاحرف اول را می‌زند. باید از برنامه‌های جذاب، پر محتوا و دلگرم کننده استفاده کرد تا جوانان و هنرمندان از گرایش به هنرهای مبتذل و فساد انگیز مصون بمانند. باید دانست اگر برنامه‌ها جذابیت نداشته باشند یا جاذبه خود را از دست بدهند قهراً مردم و مخصوص نسل جوان به سوی الگوهای تباه کننده و مخرب کشیده خواهد شد باید مسائل اخلاقی و اجتماعی سهل و آسان و متناسب با حدود فهم مردم بویژه جوانان تعلیم و تشریح شود، تا ایشان بتوانند فوائد فردی و اجتماعی آن را درک کنند، که بالطبع عدم درک خود موجب

بي‌علاقگي بعضي از جوانان به اين‌مسائل شده است که سبب اين بي‌علاقگي‌ها درک نکردن مفاهيم بلند است نه اصل مسائل ديني و مذهبي، از اين رو، بايد افراد آگاه، مسایل مذهبي را متناسب با فهم مردم و جوانان و به گونه‌يي‌ويژه بيان کنند. نظارت صحيح و کامل بر شؤون جوانان در مدرسه و خانه به خير و صلاح او است. به‌روزي نسل جوان در بعد معيشتي مربوط به خانواده، جامعه و دولت است که هرکدام مسؤوليتهاي خويش بيش از پيش کوشا باشند، تأکيداتي که آگاهان، انديشمندان و دورانديشان درباره نوجوانان و جوانان دارند بدین جهت است که آنان آینده‌سازان ما در جامعه‌اند، لذا تلاش و کوشش آگاهان بر اين است که با يك برنامه جالب، مناسب و فراگیر آنان را خود باور و پايبند به‌مسائلي که داراي ارزش انساني و معنوي و اجتماعي است بار بياورند تا براي جامعه هرچه بيشتر مفيد و ثمربخش باشند.

© بر اساس فرمايشات شما برخي از ذهنيته‌ها و سنتها چيزي است و فرامين اسلام چيز ديگر لطفاً در اين خصوص توضيح فرمائيد.

بلي حرف من هميشه اين بود که دستور اسلام در بسياري از موارد يك چيز است، ذهنيته‌ها، ذوقها سليقه‌ها و سنتهاي محيطي و اجتماعي يك چيز ديگر و حتي اين سنتهاي اقليمي و اجتماعي

مصاحبه با جناتي

بر واقعيات و احکام ديني تسلط يافته، بعنوان نمونه روايات ما مي‌گويند لباس سياه نپوشيد زيرالباس سياه لباس فراغه يا لباس بني‌العباس است که براي ارائه کبريائي و اظهار خشونت و ايجاد وحشت مي‌پوشيدند و نيز سبيل پوشش حزب نازي و فاشيستهاي ايتاليا در زمان موسيليني بوده، و نيز در روايات آمده که با لباس سياه رنگ و تيره نماز بخوانيد يا براي حج محرم نشويد و اجساد خود را با آن کفن نکنيد اما اينک همان لباس سياه و

تیره مذموم و نکوهیده دینی بین ما سنت شده است، این سخنان هم اینک در جامعه حساسیت ایجاد می‌کند و لازم است با احتیاط کامل بدان پرداخت.

© یکی از سؤالاتی که معمولاً جوانان با ما در میان می‌گذارند، چگونگی ارتباط دختران و پسران است شما در این خصوص چه نظری دارید؟

به نظر من ارتباط برای تعلیم و تعلم و مسائل اجتماعی و اخلاقی و ارائه ارزشهای والای انسانی و به سخن دیگر ارتباط سالم اشکالی ندارد و در این صورت تفاوتی میان دختر و پسر، مرد و زن نیست، اما موازین و معیارهای اسلامی باید در این نشستها و ارتباطات حاکم باشد که خدایناخواسته منجر به فساد نشود.

© اگر دختر و پسری در خیابان راه بروند باید جلوی ایشان را گرفته و تحقیق بعمل آورد؟

نه ! این کار اصلاً درست نیست. امر به معروف نهی از منکر شرایطی دارد، حسابی دارد که متأسفانه رعایت نمی‌شود. اگر فساد دیدید بله می‌توانید. ولی به دلیل اینکه دارند باهم راه می‌روند نمی‌توانی جلوشان را بگیری. این رفتارها و تفحصها اصلاً در اسلام جایز نیستند. من در خیابانی دیدم که کسی بر زنی که موهایش بیرون بود پس از گفتگوی لفظی اسلحه کشید و خیلی بدم آمد. باید رفتار ما حکیمانه باشد با اخلاً خوب. چنین رفتارهای ناپسندی نتیجه‌ی معکوس دارند. بازتاب بد دارند. باید با فرهنگ درست، مردم را آگاه و آشنا به مسایل کرد تا خودشان ایمان بیاورند. ایمان با زور اصلاً به درد نمی‌خورد. باید فرهنگ دینی، مذهبی انسانها را بالا برد. ما روزی می‌رفتیم لندن. زنی را دیدم که وقتی وارد لندن شد حجابش را پیش خارجی‌ها بیشتر حفظ می‌کرد. این یک زن است، یک زن دیگر را هم دیدم که وقتی می‌رفتیم با حجاب بود، بعد آنجا که

مصاحبه با جناتی

رسیدیم کاملاً بی‌حجاب و برهنه شد. خب حجاب این‌خام به درد نمی‌خورد، فائده ندارد. خام‌اول، حجاب و فوائد آن را فهمیده و این را درک کرده است که پوشش برای حفظ موقعیت، شخصیت و شرافت و حیثیت زن است، لذا در خارج از کشور هم آنرا حفظ می‌نمود، اصلاً سخت‌گیری و شدت در اسلام نیست امر بمعروف خود دارای شرائطی است اول باید دانست معروف چیست؟ نیکو چیست؟ بعد با خلق نیک و روشهای ویژه با وجود احتمال اثر امر و نهی نمود، سخن کوتاه آنکه، تحول ذهنیات در تسهیل امور بر اساس مبانی اسلامی بسیار نقش دارد، شما ببینید اگر سابقاً یک روحانی سوار دوچرخه یا موتور و یا حتی ماشین می‌شد و رانندگی می‌کرد از نظر مردم تعجب‌آور و حتی در مورد رانندگی زنان نیز همین ذهنیت حاکم بود ولی اینک عادی شده، ذهنیات که از بین برود مسائل عادی شده، سپس باید با تبلیغات صحیح و بیان حقائق اسلامی سنتهای نادرست را از اذهان دور نمود و مطالب صحیح را جایگزین آنها نمود در صورت تحقق این امر خواهید دید بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و نگرش مردم در بسیاری از امور متحول خواهد شد.

© امروز جوانان را بخاطر پوشیدن پیرامن آستین کوتاه مورد نکوهش قرار داده و گهگاه عتاب نیز می‌نمایند، نظر جناب عالی در این زمینه چیست؟

در مورد آستین کوتاه باید گفت مجودی خود اشکالی ندارد و شرعاً مانعی از آن در مبانی اسلامی دیده نمی‌شود، زیرا وجوب پوشش در مردان با زنان از نظر کمی و کیفی مختلف است. حالا اگر جایی که زنان حضور دارند، موجب فساد شود (که به عقیده من موجب فساد نیست) درچنین فرضی باید از آن پرهیز کرد، بالاخره نمی‌توان با وجود اصل اباحه آستین کوتاه را اشکال نمود، زیرا «المحرم حلال الله کالمحلل حرام الله» یعنی همانگونه که ما نمی‌توانیم حرام خدا را حلال نمائیم، نمی‌توان حلال خدا را هم حرام کنیم، آیاتی در کتاب خدا موجود است که به پیامبر اکرم (9) خطاب شد، مبادا چیزهای حلال را حرام کنید، پس نمی‌توان آستین کوتاه را حرام دانست، بلکه قطعاً مباح و حلال می‌باشد، حالا اگر کسی آنرا منع کند بر اساس همان سنتهای غلط محیطی و اجتماعی است که مقدس

مآبان بی‌سواد آنرا رواج می‌دهند، باید توجه داشت در مصادیق مشکوک حلال گفتن و حکم به حلال بودن آسان تر از حرام گفتن است زیرا با اصول

مصاحبه با جناتی

اولیه و احادیث معتبر هماهنگ و سازگار است. در منابع اسلامی بیان شده، همه چیز حلال است مگر اینکه حرمت آن شرعاً ثابت شود، پس در موردی که دلیل بر حرمت آن داشته باشیم باید حرمتش را پذیرفت و اگر دلیلی در دست نیست و در هنگام تردید باید بگوئیم حلال است که این حکم همه فقهاست. این سخن در مقام تئوری و نظری همه مورد پذیرش است ولی در مقام عمل و فتوا در شبهه‌های مصداقی و مفهومی حتی در مواردی که دارای قدر متیقن است برخی احتیاط می‌کنند. من شخصاً در مقام فتوی با احتیاط در شرائط کنونی سخت مخالفم و آنرا ضد احتیاط می‌دانم، یعنی احتیاط را به ویژه در این زمان که نظام اسلامی برقرار است و همه فرامین آن الگوتلقی می‌شود، خلاف احتیاط می‌دانم زمان، زمان احتیاط نیست، از زمان تشریح احکام الهی تا دوازده قرن احتیاط سابقه نداشته و حدود دو قرن پیش پدیدار گشت در کتب قدمای فقه اصلاً احتیاط وجود ندارد.

© منشأ پیدایش احتیاطها در مقام فتوی چیست؟ لطفاً توضیح دهید.

دلیل پیدایش احتیاطات را من می‌دانم که البته بیان آن به صلاح نیست و نه این گفتگویی تواند همه جوانب آنرا احصاء نماید، ولی باید دانست آنکه احتیاط می‌کند معنایش این نیست که او خلاف دین عمل می‌کند، بلکه او می‌خواهد حکم واقعی الهی حفظ بشود، ولی باید اذعان داشت که در این زمان و احتساب دقائق زندگی، باید مشکلی بر مشکلات مردم نیافزود و حکم واقعی را با کمک کسانی که توانایی بر حل مشکلات فقهی، اجتهادی دارند، حل نمود.

پس از قرن دوازدهم اگرچه در حوزه‌های استنباطی، شیوه اصولی احتیاطی پدید آمد همانند شیوه اخباری‌گری و شیوه اصولی اجتهادی معتدل در کنار حوزه استنباطی قرار گرفت ولی این شیوه احتیاطی و بیان احکام بگونه احتیاط در زمانهای پیشین مطابق شرائط زمانشان بوده و منافاتی با زمان نداشته، اما امروز در مواردی که دلیل ویژه نداریم این شیوه اصولی احتیاط همانند شیوه اخباری‌گری منافات با شرائط موجود دارد، من در کتاب شیوه‌های کلی استنباط در فقه (قریب به چاپ می‌باشد) زمان پیدایش و مکان پیدایش، انگیزه پیدایش، نتایج و پیامدهای آنرا بگونه مفصل مورد بررسی قرار داده‌ام. و این تأکیدات و پرهیز از شیوه اصولی احتیاطی بدین جهت است که این شیوه اگرچه ممکن است در بعضی جوامع و شرائط زمانی و مکانی چندان

مصاحبه با جناتی

مشکل‌آفرین و طاقت فرسا در مقام بیان احکام نباشد ولی در بعضی جوامع دیگر ممکن است مشکل‌آفرین و مستلزم سختی و دشواری باشد. بدیهی است دشواری یا سهولت رعایت یک حکم اگرچه نمی‌تواند حکم الهی را تغییر دهد ولی عوامل ذهنی و خارجی و برخوردهای فقیه نماها و مقدس‌آبها که جلب رضایت خاطر عوام الناس منتهای آرزوی آنهاست نیز نمی‌تواند احکام الهی را حتی در نوع بیان آنها تغییر دهد و باید آنگونه که از ادله استنباط معتبر شرعی استفاده می‌گردد بیان شود. امروز مسلمانان آگاه و روشن ضمیر جهان مشتاقند که احکام الهی را آنگونه که هست بفهمند و عمل کنند نه آنگونه که شیوه اخباری یا شیوه اصولی احتیاطی و یا ذوقها و سلیقه‌ها اقتضا دارد شیوه احتیاطی امروز که در نظام اسلامی برقرار است موجب پیامدهائی است که بیان آن‌ها از حوصله این جلسه خارج است. باید دانست که اسلام دین سهولت و شریعت آسانی است، قرآن می‌فرماید: خدا برای شما آسانی می‌خواهد نه دشواری «یرید بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» و در آیه دیگر می‌فرماید «خدا برای شما تخفیف می‌خواهد زیرا انسان ضعیف آفریده شده است.» «یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً» پیامبر اکرم (9) زمانی که معاذ را به ین اعزام می‌نمود فرمود: بشروا ولا تنفروا، به مردم بشارت بده نه اینکه در آنها نفرت و کراهت

ایجاد نمائی ابن طاووس یکی از فقهای عظیم‌القدر شیعه در وصیتش به فرزند خود می‌گوید: پسرم من‌عالمان امروز و دیروز را دیده‌ام که مردم مسلمان را در مضیقه و تنگنا قرارداده‌اند با اینکه اسلام برپایه آسانگری و گذشت استوار است.

صاحب جواهر فقیه دیگر شیعه پیش از وفاتش به شیخ انصاری(4) گفت: مرجعیت‌تقلید شیعه از امروز بدست تو است و از احتیاط‌های خود بکاه زیرا اسلام بر پایه تساهل و گذشت است.

دیده شده بعضی از فتاوی‌چهره فقه اسلامی را در طول تاریخ لکه‌دار نموده و طبایع سالم از آن متنفر شده، نمونه‌هایی در این باره وجود دارد که بیان آنها از حوصله این مصاحبه خارج است.

© امروزه مشاهده می‌شود برخی ارگان‌های رسمی و غیر رسمی جوانان را بواسطه نوع آراستن موی سر و یا تنظیم و ترتیب آن مورد مؤاخذه قرار می‌دهند، به نظر حضرت‌عالی این برخوردها بر اساس شرع مقدس بود، یا برخاسته از سلیقه و یا ناآگاهی ایشان به اسلام؟

مصاحبه با جناتی

منظم و مرتب کردن مو و شانه زدن آن در مصادر اسلامی مورد مدح و ستایش قرار گرفته، پیامبر اکرم می‌فرمایند: از بهترین زیبائی‌ها داشتن موی نیکو است. مو پوششی است الهی، آن را گرامی بدارید. اینطور که من از روایات فهمیدم، مونه تنها مورد نکوهش و مذمت نیست بلکه مورد توجه و عنایت مبانی اسلامی قرار دارد.

امام صادق (7) فرمود کسی که مایل است موی بلند داشته باشد باید از آن نیکو مراقبت نماید و اگر درباره آن کوتاهی کند باید آن را بتراشد حتی از رسول خدا (9) نقل است که ایشان موهای بلندی داشته‌اند تا بدانجا که تا زیر نرمی گوش مبارکشان ریخته بود.

حضرت رسول اکرم (9) در ادامه گفتار گذشته‌شان فرمودند: بعد از موی نیکو، بهترین زیبایی‌ها آهنگ صدای نیکو است صدای خوب هم از مواهب الهی است و خیلی اهمیت دارد، صدای زیبا بزرگترین خدمات را از راه خواندن قرآن به اسلام نموده است، با صدای زیبا در قرائت قرآن به توسط مصعب بسیاری مسلمان شدند و یکی از هدایای الهی و اعجازها همان صدای خوش داوود است.

بهرحال از روایات درمی‌یابیم معصومین (:) عنایت ویژه‌ای به مو داشته‌اند، لذا باید آن مو را همیشه تمیز و زیبا نگه داشت این طور نباشد که ژولیده و خاک آلود باشد، من درباره مو و داشتن موی بلند هیچ‌گونه مذمتی در مبانی اسلام ندیده‌ام این ذهنیتهایی که در ارتباط با آن در جامعه پدید آمده بر اثر حرفهای عوام و خشک مقدسیها است حالا اگر بخواهند واقعیتی را بگویند مورد هجوم آنان قرار خواهند گرفت، ولی باید حقائق را بیان نمود و از حرفها و تخریبها نه‌راسید.

نکته قابل تذکر این است که در مبانی اسلامی بر رعایت زینتها و زیبایی‌ها تأکید فراوان شده است و بالعکس کسانی که خود را از آن محروم می‌کنند توبیخ و سرزنش شده‌اند.

اسلام تقوا را در این نمی‌داند که انسان مسلمان از زینتها و بهره‌مندیهای مادی گریزان باشد، درقرآن کریم خداوند متعال در رد ایشان به پیامبر اکرم (9) فرمودند: بگو چه کسی زینتهای الهی را حرام کرده است.

فرموده: ای آدمی زاده گان هنگام رفتن به مساجد که محل اجتماع مردم است برای عبادت خود را بیارائید و با وضع نامرتب و آلوده پا در محیط پاک مسجد نگذارند، حضرت

مصاحبه با جناتی

امیرمؤمنان(7) فرمودند: آرایش از اخلا مؤمنان است و نیکوئی صورت زیبائی ظاهراست و نیت نیکو زیبائی درون.

امام حسن(7) وقتی برای نماز آماده می شدند بهترین لباس خود را می پوشید، وقتی یاران از ایشان سبب را می پرسیدند حضرت می فرمودند: خداوند زیباست و زیبائی را دوست می دارد، من خود را برای او زینت می کنم.

پیامبر(9) برای کسانی که بیدار او می آمدند خود را مرتب می نمود و هم ایشان برای خرید عطر بیش از غذا و خوراک هزینه می کرد و بعایشه می فرمود: خداوند دوست دارد وقتی مسلمانان به دیدارش می روند خود را بیارائید. امام رضا(7): هرگاه در برابر مردم ظاهر می شد خود را می آراست.

که از مجموع این روایات می توان برداشت نمود هرچیزی در انسان زیبائی را بیافزاید تاجائیکه خلاف شرع نباشد مورد ستایش خداوند است.

© پوشش اسلامی یا حجاب از نظر شما چیست؟

در اینکه پوشش فعلی (چادر) بسیار خوب است جای بحث و اشکال نیست و حتی بعضی آن را برتر نیز می‌دانند ولی باید دانست که پوشش اسلامی با مانتو نیز محقق می‌شود، همانگونه که اشاره خواهد شد پوششی است مورد تأیید قرآن.

من معتقدم برای زنهایی شاغل، پوشش اسلامی (مانتو) خوب است، برای آنکه آن پوششخواست اسلام با مانتو حاصل می‌شود، پس نباید زنی که دارای پوشش اسلامی است بی‌حجاب‌تلقی نمود، اما ذهنیتها و سنتهای اجتماعی وقتی زنی را که مانتو پوشیده می‌بیند، ناخودآگاه او را بی‌حجاب یا بدحجاب محسوب می‌کند، برای دفع این ذهنیتها هم باید به تدریج حقایق را بیان و صاحب‌نظران، نظرات خود را بر اساس شیوه اصولی اجتهادی نه با شیوه اخباری‌گری و نه با شیوه اصولی احتیاطی بیان نمایند حجاب چیزی نیست که اسلام آورده باشد زیرا در همه زمانها بر اساس شواهد تاریخی بنوعی وجود داشته است منتهی بدحجابی پیش از اسلام در مورد خانمهای عادی و طبقات متوسط جامعه عرب از نظر پوشش بدنی نبوده بلکه از حیث پوشش سر بوده است که قرآن به اینگونه پوشش ناتمام زنان در سوره نور آیه 31 به آنان فرمان می‌دهد که گوشه‌های

مصاحبه با جناتی

روسری خود را بطرف بالا نیاندازند بلکه بطرف پائین بیاندازند تا زیر گلوی آنان را فراگیرد و سینه‌هاشان را بپوشاند.

و در سوره احزاب آیه 59 به زنهایی اشراف، سلاطین، امیران و حکمرانان عرب که پوشش‌خوبی در بدن هم نداشتند و لباسهای بدن نما می‌پوشیدند گفته شد جلباب (مانتو) را بر روی پیراهنهای بدن نما می‌پوشند تا بدن آنها دیده نشود، پس آیه اول در ارتباط با زنان معمولی است و آیه دوم درباره زنان اشرافی است به اینها گفته شد طوری لباس بپوشند که بدن نما نباشد، مثلاً «جلباب» که همان مانتو است را بپوشند که در این زمان زنان مصری

در مراسم حج از آن استفاده می‌کنند. دیگر این نبوده که چه بپوشند و یا چه رنگی در لباس بکارگیرند، در ایران، این حساسیتها بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده است، البته باز تأکید می‌کنم حجاب عرفی (چادر) حجاب بسیار خوب و مناسبی است که جای تردید در آن نیست ولی این نه بدان معنی است که حجاب اسلامی مورد عنایت قرآن همان است و بس.

مردم باید حقائق را بدانند، اما ما ذهنیتهای غلط خود را به اسم دین به مردم می‌گوئیم و اگر کسی خلاف حرف ما گفت به او حمله می‌کنیم. ما اگر آئین و مذهب خود را درست بیان کنیم جهانیان آن را خواهند پذیرفت ولی ما مسائل را از نظر کمی و کیفی بگونه ناپسند ارائه می‌کنیم که مردم شوقی برای پذیرش آنها ندارند، ما نتوانسته‌ایم مفاهیم واقعی و مطالب حقیقی را ساده و روان و مناسب با فهم مردم زمان بیان نمائیم اما با همه این مشکلات با کمال تعجب هنوز مشاهده می‌شود از سوی مردم کششی به طرف دین و دینداری است که خود مسئولیت ما را دوچندان می‌کند و باید ما با بررسی ابعاد قضایا و شرائط درونی و بیرونی موضوعات بشکل کارشناسی حساب شده کار کنیم. اگر بر اساس ظاهر قضاوت کنیم و بدون بررسی و تحقیق رأی دهیم، از طالبان افغانی هم بدتر خواهیم شد.

© در ارتباط زن و مرد یا دو جنس مکمل سؤالی که مطرح می‌باشد، محدوده نگاه و سخن است در این باره نیز لطفاً مطالبی را بیان فرمائید.

اسلام دینی است که با تحولات زمان و مکان می‌تواند خود را همگام ساخته و پدیده‌ها را در برابر خود خاضع نماید ولی همانگونه که بارها گفتم مردم با ذهنیتهایی بار آمده‌اند که نمی‌توان

مصاحبه با جناتی

به این سادگی ایشان را با اسلام همگام نمود از جمله آن ذهنیتها که در اثر گفته‌های افراد ناآگاه برای مردم پدید آمده این است که زن خوب آن زنی است که مردها او را ندیده باشند و بالعکس و استدلال به حدیثی که از حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها نقل شده نیز می‌نمایند و همچنین روایتی دیگر از ام‌سلمه همسر رسول اکرم(9)، که روزی مرد نابینائی (ابن ام مکتوم) نزد پیامبر رفته در حالی که زنان او هم آنجا نشسته بودند، پیامبر به آنها می‌فرماید، برخیزید و برویدایشان گفتند یا رسول‌الله این مرد نابینا است و ما را نمی‌بیند، پیامبر فرمودند: شما که او را می‌بینید، یا روایتی دیگر که «رستگار نمی‌شوند کسانی که زمام امورشان به دست زن باشد» حالا مردمی که یک عمر این سخنان را شنیده‌اند چگونه ناگهان می‌پذیرند این نظریه را که زن می‌تواند وکیل، وزیر، قاضی، رئیس‌جمهور یا رهبر شود. ما البته این عناوین و موضوعات را به گونه‌ای کامل بررسی کرده‌ایم و ثابت نموده‌ایم که زن مجاز به تصدی این مناصب است و هم اینک به صورت مقاله‌همه آنها آماده نشر است که پس از طرح آنها در کنگره‌های علمی در دسترس عموم قرار خواهیم داد.

بهرحال در مقالات یاد شده ثابت نموده‌ایم روایات مذکور بر اساس موازین اجتهادی و علوم حدیث و رجال جعلی و نادرست می‌باشند.

ما نمی‌توانیم بهر روایت و سنت منقولی عمل نمائیم، تنها به روایاتی می‌توان اعتنا نمود که از سه جهت و در مراحل سه گانه طی طریق نماید.

اول: از حیث صدور و مدرک آن دوم: دلالت و فهم مطالب آن سوم: ملاک وجهت صدور که برای دستیابی به جهت اول علم رجال و درایه تدوین شده و برای شناخت جهت دوم از حیث کلیت، علم اصول فقه و از حیث تطبیق، اجتهاد فعلی مجتهد و همچنین برای شناخت جهت سوم علاوه بر بررسی زمان صدور حدیث و احوال راویان و حاضران در مجلس و شرائط زمانی و مکانی روایت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حضرت زهرا سلام الله عليها خودش در جمع مردان صحبت مي‌نمود، در جنگها شرکت مي‌کرد، به خانه مهاجر و انصار براي احقا حقو رفته و با ايشان سخن مي‌گفتند و احكام خدا را براي مردم بيان مي‌کردند، پس مطالبي که مدرک ندارد قابل قبول نيست. البته زن نبايد جايي برود

مصاحبه با جناتي

که باعث فساد و يا انحراف شود. ما احاديث بسياري داريم که پيامبر دستور داده است زنان در مراسم شرکت کنند. من در بررسيهائي که در اين زمينه‌ها در زمانهاي گذشته داشته‌ام، براي ثابتشد که مردم زمان تشريع و زمان صحابه و زمان تابعين از حالا روشن‌فکرتر بوده‌اند. مجاست‌بعنوان نمونه جرياناتي را که در يکي از جلسات پيامبر اکرم(9) واقع شده را بيان کنم.

روزي پيامبر در ارتباط با مسائل اخلاقي صحبت مي‌کرد، زني در وسط مجلس بلند شد و گفت يا رسول الله من شوهر مي‌خواهم. حالا اگر زمان ما چنين امري اتفا بيفتد، مي‌گوييم آن زن ديوانه‌است. در حالي که پيامبر فرمودند بعد از اتمام مطلبم به موضوع شما رسيدگي مي‌کنم. باز در بين صحبتهاي پيامبر زن بلند شد و گفت که شوهر مي‌خواهم. پيامبر پس از تمام شدن سخنانش فرمود: «کسي حاضر است با اين زن ازدواج کند؟» يك نفر بلند شد و گفت که من او را مي‌خواهم. پيامبر فرمود مالي داري که مهریه ي وي قرار دهی؟ آن مرد عرض کرد که چيزي ندارم و تنها چند آيه از آيات قرآن کریم مي‌توانم به او تعليم دهم. حضرت رو به زن کرد و فرمود: تعلم چند آيه را به عنوان مهریه مي‌پذيريد؟ زن عرض کرد بلي يا رسول الله و در همان جلسه، زن و مرد را به عقد هم درآوردند و از جلسه خارج شدند.

بنگرید این آزادی و آسانی در امر ازدواج در هیچ کجای دنیا بین مردم آزاد اندیش و متمدن امروز وجود ندارد، بهر حال زنان در صدر اسلام در همه مراسم رسمی و غیر رسمی شرکت می‌کردند و حتی برای مردم و راویان، روایات و احادیث نقل می‌کردند در بررسی‌هایی که در زمینه احادیث داشتم معلوم شد که دو سوم احادیث اسلامی ما از زنان پیامبر(9) نقل شده است.

© آیا جدا کردن دختران از پسران یا پرده کشیدن میان ایشان از نظر شما لازم است؟

خیر، بلکه این کار خود موجب حساسیت و تمسخر دیگر جوامع واقع شویم. جداسازی یا پرده‌کشی گویای این است که ما دارای فرهنگ دینی و مذهبی بلکه دارای فضائل انسانی نیستیم و با این کار به صحت سخن اجانب و غربیها اذعان نموده‌ایم چون ایشان معتقدند و تبلیغات وسیعی هم دارند با جهانیان بپذیرند مسلمانان دارای فرهنگ اخلاقی و انسانی نیستند، پس انجام چنین اموری صحیح نیست، به جای آن باید سعی و تلاش نمود در بالابردن فرهنگ و معرفت دینی.

مصاحبه با جناتی

© ما به جوانان همیشه می‌گوئیم این را نپوش، به آن گوش نده، موهایت را این طور نزن، ولی هیچ وقت به آنان نگفته‌ایم چه بپوشند، یا چه گوش کنند، یا مدل موهایشان چگونه باشد و از طرفی می‌دانیم که یک جوان نمی‌تواند مانند حتی یک فرد میانسال باشد، چون ویژگی‌های سنی و زمانی مقتضی آنرا دارد، شما در مورد رنگ پوشش و لباس جوانان چه نظری دارید؟

در اسلام درباره رنگ لباس، رنگهایی ذکر شده اما در مورد دوخت لباس، خیر! من در بررسیها و مطالعاتم به این نتیجه رسیده‌ام. الان شما در اروپا مثلاً می‌بینید انواع پیراهن‌ها یا شلوارها پوشیده می‌شوند و حساسیتی هم ایجاد نمی‌کنند برای اینکه آنجا این حرفها و منع‌های ناجا مطرح نیست. این مسائل عادی شده‌اند. اما اینجا این ذهنیت‌هایی که در ما پیدا شده بر اساس ذو و سلیقه‌ها یا سنت‌های اجتماعی و محیطی به وجود آمده‌اند. این حرفها در مبانی اسلامی بطور صریح مطرح نشده است. اسلام می‌گوید رنگ سفید و سبز بهترین رنگ شناخته شده است و توصیه می‌کند که لباس سفید یا سبز بپوشید. اسلام ما را از رنگ تیره و سیاه منع می‌کند، حتی برخی از عالمانی که دارای شیوه اخباری بوده‌اند این پوشش را حرام دانسته‌اند. امروز دانشمندان می‌گویند رنگ سفید موجب دفع گرماست و رنگ سیاه آنرا جذب می‌کند، رنگ سبز آرام بخش است ولی با این وصف و نگاه تیره و سیاه را بر اثر برخی عوامل غیر دینی برگزیده‌ایم حتی مهترسالاری و رنگ مورد پسند افراد سن بجای فرهنگ پوشش دینی جایگزین شده و نام دین بر آن نهاده‌ایم.

© پس مادامی که اسلام پوشیدن لباس سیاه رنگ را منع می‌کند و حتی برخی از عالمان اخباری مسلک هم آنرا حرام دانسته‌اند برای رفع این نظریات دعوت به لباسهای با رنگ تیره را چگونه می‌توان زدود؟

ما با دو کار فقهی و اجتهادی، یکی از راه قانون حمل ظاهر بر نص، حرمت را از ظاهر نهدی برمی‌گیریم و دیگر از راه قانون تحول اجتهاد با تحول زمان و شرائط آن، کراهت پوشیدن آنرا از بین می‌بریم و جواز پوشیدن آنرا ثابت می‌کنیم. این دو کار فقهی از کارهای مهمی است که در مقام استنباط احکام در مواردی که روایات باهم تعارض و تنافی دارند انجام می‌شود، این

مصاحبه با جناتی

دو قانون در منابع اسلامي بکار گرفته شده و مشکل حل مي‌شود، که بيان و توضيح فني آن درجاي خود طرح مي‌شود، بهر حال براي توجيه جواز پوشيدن لباس تيره و سياه بايد از ادله فقهي اجتهادي استفاده کنيم تا پوشيدن آن بلامانع شود، اما برعکس براي پوشيدن لباسي که به رنگ تيره نيست نياز به هيچ گونه استدلال و توجيهي نيست و با اين وصف از پوشيدن آنها خودداري مي‌شود. متأسفانه اينها به نام اسلام مطرح مي‌شود، يعني اگر زني لباس سبز رنگ و يا سفيد که در مباني اسلامي بر آنها تأکيد شده است، بپوشد، انگشت نما مي‌شود، منشأ اين عمل اسلام نيست، بلکه درباره لباس «شهرت» يعني زن يا مرد ي لباسي بپوشند که عنوان لباس شهرت به آن منطبق باشد، بيشتر فقها و محدثان حکم به کراهت آن نموده اند، مگر اينکه زن و يا مرد طوري لباس بپوشند که در اجتماع بگويند اين خانم لباس مرد و يا اين آقا لباس زن را پوشيده که اگر در اين حد باشد حکم به حرمت آن مي‌شود.

© پيشنهاد شخص جنابعلي براي دست يابي به فرهنگ اصيل اسلامي چيست؟

بايد اذعان داشت که زمان شعار سپري شده و بايد با برهان و عمل در برابر پرسشها پاسخگو باشيم، زمان هجوم جنجال و هياهو گذشته است، اندیشه را بايد با سلاح اندیشه پاسخ داد، نه باناسزا گوئي بنده بر اين اعتقاد از گذشته تا حال که تکامل علوم مرهون برخورد اندیشه و آراء است، يکي از آرزوهای هميشه اين بوده و هست که فضائي آزاد و روشن در حوزه هاي علمي، فرهنگي - استنباطي فراهم شود که در آن اندیشه و افکار آزادانه طرح و از برخورد آنها و تبادل نظرات علوم تکامل يافته و از نظر مصاديق گسترش يابد و من ساهاست در تحقق اين امر از هيچ تلاشي دريغ نکرده ام و نظرات علمي را آزادانه بدون هيچ خوف و وحشي بيان نمودم که خودگويايي اين مدعاست ولي با کمال تأسف بايد بگويم افراد ناآگاه و نادان در طول تاريخ در برابر نوآندیشان، نوآوران و نوپردازان بدون دليل و منطق صحيح و معقول قد علم کرده و آنچه در توان داشته اند از راه جنجال، تهمت و افتراء و برجسبهاي ناروا عليه آنان بکار بسته اند، حتي امروز که مي بينم زمان و شرائط آن متحول و همه چهره ها عوض شده است و رويدادهاي آن نياز به نوپردازي در پاسخ دارد هنوز

این حرکت ناصحیح و ناپسند و کج‌فهمی ایشان ادامه دارد، به‌رحال

مصاحبه با جناتی

باید سعی شود فضای منطق صحیح و معقول و برهان درست و تمام جایگزین فضای هو و جنجال و درگیری و تعصب بی‌مورد شود تا بتوان از مزایا و فوائد آن برخوردار شد.

ما اگر مدعی هستیم راه حلی در تمامی ابعاد زندگی بشر داریم، باید آن را نشان دهیم، فرهنگ‌جامعه ما به چیزهای خیالی و موهوم و بی‌اساس مبتلا شده و همه دنبال آنها براه افتاده و تحولات‌جامعه، نظرات ما را متحول نمی‌کند.

© چه شرائطی در مقام استنباط باید رعایت شود تا در مقابل رویدادهای زندگی بتوان پاسخ‌گو بود؟

در پاسخ باید عرض کنم اولاً مسائل جدید و رویدادهای نوین باید بر اساس مبانی معتبراجتهادی و بینش جهان و واقعیت‌های زمان و عینیت‌های خارج و بدور از عوامل ذهنی و خارجی و ذوقها و سلیقه‌های ناپسند مورد بررسی قرار گیرد و ثانیاً ویژگی‌های درونی و بیرونی موضوعات که تحول آنها در مسیر زمان موجب تحول اجتهاد می‌شوند مورد ملاحظه و دقت قرار گیرند، سپس اجتهاد در عناصر اصلی استنباط بکار گرفته شود.

ثالثاً: مشخص کردن موضوعات احکام از طریق کارشناسی فرد مجتهد و یا از راه افراد متخصص چرا که بدون آن نمی‌توان حکم را یافت و چه بسا حکمی بر غیر موضوعش مترتب گردد از این روی باید موضوع شناسی بیش از حکم شناسی باشد.

© اگر مناسب می‌دانید نمونه‌هایی را در این رابطه بیان فرمایید.

در پاسخ باید عرض کنم می‌توان در این زمینه به ذکر چند نمونه بسنده کرد: نمونه اول: بزرگواری از فقهاء معاصر می‌فرمود: خرید و فروش رادیو و تلویزیون و مانند آن دو حرام است چون از وسائل لهوی بحساب می‌آید، بنده بایشان گفتم علی‌را که برای حرمت ذکر کردید ناقص است زیرا آن وسائل از ابزارهای ارتباط جمعی و پخش رسانه‌ای است نه از ابزار آلاتی که بحسب وضع و اختراع آن برای لهو باشد. بلی در لهو هم استفاده می‌شود و فر است بین‌ابزار لهوی و آلاتی که در لهو استعمال می‌شود.

نمونه دوم: دیده می‌شود عالی بدون بررسی شرائط زمان صدور مصدر اجتهادی و یا بدون شرائط و ویژگی‌های بیرونی و یا درونی موضوع، حکمی بر آن مترتب می‌کند مانند حکم به

مصاحبه با جناتی

حرمت کف زدن حتی در مواردی که به عنوان تشویق سخنران، شاعر یا نویسنده‌ای، در جلسات بکار برده می‌شود. استدلال وی به قرآن به آیه‌ای است که خداوند به مشرکان فرمود: صلاة (دعا یا نماز) آنها در کنار خانه خدا چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبوده است، غافل از اینکه مدلول و معنای آیه مطلق کف زدن و سوت کشیدن را مورد نکوهش قرار نداده، این آیه کف زدنی را مذمت می‌کند که بعنوان عبادت انجام می‌شده نه آن کف زدنی که برای تشویق یک کار نیک یا برای اظهار سرور و شادی در مناسبات مانند عید و عروسی و یا برای تشویق کسیکه لایق یا خدمتگزار است، انجام می‌شود یا حکم به حرمت آن نمائیم بواسطه روایتی که معتبر نمی‌باشد، غافل از اینکه باید روایت از جهت سند، دلالت و جهت صدور دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد بهر حال بنظر من در مناسبت‌های یاد شده کف زدن نه تنها اشکال ندارد بلکه بسیار مجاب و مورد است.

باید خیلی کار شود تا این وضع تغییر کند، فرهنگ اسلام واقعاً یک فرهنگ غنی است اما متأسفانه روی این مسائل کار نشده است، ما الان مسئولیت داریم و باید کارکنیم، هر نوآوری مشکلاتی را در پی دارد، اما همیشه این طور نمی ماند، ما می گوئیم باید حکم خدا اجرا شود، اسلام می تواند با تحولات زمان و شرائط مکان همگام شود بدین معنا که می توان پدیده ها را از نوعی که باشد در برابر مبانی اسلام خاضع نمود.

با تشکر از محضر جناب استاد گرانقدر حضرت آیه الله جناتی و سپاس از صبر و بردباری جناب عالی در برابر مزاحمت هایی که برای شما فراهم آوردیم.

مصاحبه با آية الله معرفت

مصاحبه با آية الله معرفت

مصاحبه‌اي که در پيش رو داريد با حضرت آية الله معرفت (حفظ الله) يکي از عالمان و اساتيد بزرگوار و ميرز حوزه علميه قم مي‌باشد که دوران تحصيل خود تا مرحله اجتهاد را در حوزه نجف اشرف سپري نموده و از ويژگيهاي ايشان آشنائي به مقتضيات زمان و مکان و درک عميق از واقعات جامعه خود مي‌باشد، که خود موجب مي‌شود از ايشان چهره‌اي تابناک در آسمان دانش و آستان علم تصوير شود، ايشان با رويي گشاده به سنوالات روزمره‌اي که جوانان ما به آن مبتلاء بوده را در نهايت صبر گوش داده و با کمال منطق و مهرباني پاسخ فرمودند، طول عمر با عزت و برکت را براي ايشان و امثالشان خواهانيم.

© که عنوان يك نظريه پرداز ديني، از نظر دين (نه امروز و ديروز دين) جوان چه ارزشي دارد؟ چرا؟ با توجه به اينکه يك بخشي از روايات در باب شباب (جوانان) است، دين چه ارزشي بر جوان، نه ايراني نه عرب بلکه جوان ازحيث جوان و مسلمان قائل شده؟ و چه توجهي به آن دارد؟

به شما عرض مي‌کنم که اساساً از همان روز نخست که پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله تبليغ اسلام را آغاز کرد، از جوانان شروع کرد و يکي از نگرانيها که براي قریش و سران عرب آن روز رخ داده بود در جمله معروف ايشان:

نمایان است: افسد شبابنا یعنی این مرد، جوانان ما را به تباهی کشیده است و این دلیل است که پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله دعوت خودش را از جوانان آغاز کرد، یعنی اسلام از روز اول به نوجوانان بها داده مخصوصاً به نوجوانها ارزش زیادی می دادند و می دانید که: اول من امن بالله. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام يك نوجوان ده ساله بودند، خوب حضرت علی علیه السلام جای خود دارد، نوع موضوع و بحث، این فرزندان مشرکین اند،

مصاحبه با جناتی

که به پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله ایمان می آوردند، حتی عمر و عاص اول پسرش ایمان آورد، بعدها پدرش ایمان آورد. و بسیاری از همین ایمان آورنده گان از قریش جوانانی بودند که در اسلام خواهی پیش افتادند و بلکه در بسیاری از مواضع زنها بودند که پیش قدم می شدند حتی قصه اسلام آوردن عمر نیز مدیون خواهر جوان اوست. یعنی خواهر رفت مسلمان شد بعد عمر شمشیر کشید تا خواهرش را منع کند، بدین منظور که از دین منحرف شدي و خواهر گفت آرامش خود را حفظ کن و چند آیه قرآنی برایش خواند و بالاخره عمر را به اسلام گرواند. برخورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اساساً دستورات اسلام این است که فرزندان خودتان را به مسجد بیاورید و اینکه برخی می گویند نباید کودک یا بچه را به مسجد بیاورند. این حرف بی اساس است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روی این مسئله مخصوصاً فرزندان تأکید زیادی دارند در این رابطه می فرمایند:

«ادبوا اولادکم بغیر ادبکم فانهم خلُقوا لغیر زمانکم»

یعنی فرزندان را به گونه ای متناسب با زمانشان تربیت کنید، سعی نکنید که فرزندانتان را در همان شیوه و روشی که خودتان دارید تربیت کنید چرا که شما در آن زمان آفرید شده اید و فرزندان در زمانی نوتر و عصری جدیدتر، لذا تمهیدات را باید به گونه ای فراهم بکنید، که با حالت جهش پیش بروید، تا تمدن و زندگی با

شکوفایی در آینده حرکت کند. مسئله اهمیت دادن به اولاد حتی در بعضی روایات موجود است. به طور مثال: با فرزندان خود مشورت کنید ولو اینکه به حد بلوغ نرسیده باشند حتی در کارهای بزرگ مشورت کنید، زیرا مشورت کردن عقل آنان را رشد می‌دهد و با اینکه ایشان هنوز وارد عرصه و میدان زندگی نشده‌اند اسلام به آن سفارش می‌کند تا عقلشان به تکامل و شفافیت رو آورد، اصولاً اگر به دستورات اسلامی رجوع بکنیم می‌بینیم که روی جوانان و نوجوانان خیلی حساب کرده و همانگونه که از اول عرض کردم، این دید برخاسته از دستورات اسلامی است. توجه می‌فرمایند؟! اساساً اسلام به جوان بهایی ویژه داده و برای آنان ارزش قائل شده می‌گوید اینها را طرف مشورت قرار بدهید و در تربیت آنها و نسل نو بکوشید و این توجه خاص که در دستورات اسلامی راجع به جوانان و نوجوانان است، کمتر می‌توان نظیرش را در مکتبهای دیگر پیدا کرد.

مصاحبه با جناتی

© شما نسبت به نسل جوان امروز ایران اسلامی چگونه می‌اندیشید؟

بنده مخصوص عقیده ام بر این است که نسل جوان و نوجوان ما نسل روشنی است، و به مسائل با یک بینش خاصی، می‌نگرد و مخصوصاً رشد سیاسی در نسل جوان در ایران خیلی سطحش بالا است. و رو به تزاید است، و روی همین اصل، بینش آنها راجع به مبادی و مبانی اسلام و دین و اینکه دین یک جهش است، یک جهود نیست توجه کرده‌اند، و این مطلب را جوانان عزیز ما حس کردند و من بالعیان در میان خود جوانان عزیز، در میان دانشگاهیان عزیز رفتم و از نزدیک تماس گرفتم، آنها، یک نظر خوشبینانه به اسلام دارند، و لذا علاقه وافری دارند به دین مبین اسلام، که یک دین زنده است، و می‌تواند انسانها را به حرکت و جوش و جهش وا دارد و می‌خواهند به آن بیشتر پی ببرند به همین خاطر به زوایای آن بیشتر دقت نظر می‌کنند.

و لذا، فکر می‌کنم که جوانان ما جوانانی هستند در درجه اول مسلمان و در درجه دوم ایرانی، یعنی مسلمانانی که ایرانی هستند و خیلی علاقه‌مند به این دو پیوند، ایرانی بودن و مسلمان بودن ایشان می‌خواهند در خودشان تبلور بدهند و نشان بدهند، ایرانیان ملّتی هستند پایبند به دین و ایمان این احساس است که من از جوانان امروز دارم، منتهی مقتضی طبع جوانی این است که بایستی از لذایذی که طبیعت برای آنها فراهم کرده بهره‌مند شوند، طبق طبع جوانی و اینکه طبیعت یعنی سنت جاری الهی که اساساً چیزی در طبیعت جز سنت الهی وجود ندارد. لذا، ما باید برای جوانان عزیز خودمان راهنما باشیم تا اینکه از این حیات یعنی از این زندگی به نحو احسن و بی‌آزاره صحیح آن بهره‌مند شوند، همان راهی که فطرت، عقل و شرع توأم آنرا تجویز می‌کنند و اگرچنانچه بخواهد یک انسان از حیات یعنی از لذایذ زندگی برخلاف فطرت، عقل و شرع بهره‌مند بشود دست او را بگیریم تبلیغات خارجی سعی می‌کنند، جامعه ما را به طرف انحرافات بکشانند و نمی‌توانند چون ایمان در توده ملّت ایران رسوخ، عمق و ریشه دارد. و من عقیده دارم که این تبلیغات سوء نمی‌تواند چندان مؤثر باشد به جهت اینکه ملت ایران نشان داد در مدت 50 سال حکومت پهلوی که دقیقاً برنامه‌ریزی برای مبارزه و ریشه کن کردن دین می‌نمود نتوانست کاری از پیش برد، چراکه ریشه دین بسیار عمیق است و همین عمق ایمان در دلهای نسل جوان (خصوصاً) بسیار مایه امیدواری است و در آینده شکوفایی بیشتر خواهد داشت، لذا نظر بنده و کسانی که هم

مصاحبه با جناتی

فکر بنده هستند، این است که جوانان و نوجوانان امید ما می‌باشند. من به جوانان، خصوصاً به دانشجویان عزیز تصریح کرده و به خیلی از اینها شخصاً گفتم که برای آینده کشور، طبقه روحانیت، امیدمان به شما طبقه دانشجو است و شما فرزندان عزیزمان آینده‌ساز کشورید و ما همیشه پشتیبان شما هستیم و ما برای شما مثل پدری مهربان که می‌کوشیم شما را آنگونه که شرع دستور داده است راهنما باشیم و دین را به شما ارائه بدهیم و خود شما بینش، شما و فهم شما و دقت شما کافی است تا این مسائل را زود دریافت کنید و امروز وقتی که با شما جوانان

تماس می‌گیریم و مسائل دینی را بررسی و مطرح می‌کنیم زیاد با مشکل برخورد نمی‌کنیم چون درک شما و تلقی شما روی همان‌بینش خیلی مطلب را آسان کرده است. و لذا شما امید ما هستید و ما به شما دل بسته‌ایم.

© با تشکر سئوالمی که الآن مطرح است، با توجه به اینکه جنابعالی اشاره فرمودید. همه باید به جوانان ارزش قائل شوند و همه جوانان ما ریشه دینی‌دارند آنچه که فعلاً جامعه ما در مکان و زمان خود دارد و با توجه به اشتراکاتی که در همه مکانها و زمانها وجود داشته نیاز به اجتهاد و نظری نو ضروری می‌نماید، از جمله، الآن جامعه خالی از زن کارمند یا زن معلم، دختر دانش‌آموز دختر دانشجو نمی‌تواند باشد، ما نیاز به قشر خانمهای کارمند و بانوان فعال در سیستم اداری داریم، در جامعه امروز بیشترین مشکلی که است مسئله ارتباط است، اگر کسی بخواهد دیندار باشد با این ارتباطات اجتماعی موجود بظاهر منافات دارد البته بر حسب ظاهر مخصوص در مجامع علمی مثل دانشگاهها و مدارس، مخصوص در بیمارستانها که برای آموزش دختران و پسران ارتباطاتی براساس نیازهای آنها پیدا می‌شود، سؤال این است که ما راهی برای ارتباط مشروع آنطوری که شرع در نظر دارد آیا داریم یا نه، البته نه اینکه بر حسب ظاهر حالا عقیدتی خوانده شود نه، مقصود این نیست بلکه آیا می‌توانند دختر و پسر، زن و مرد در کنار هم کار بکنند و آیا شرع منعی را در نظر دارد یا خیر؟

مسئله اینکه خانمها در جامعه می‌توانند مانند برادرها به فعالیت و کار مشغول بشوند و بکارهای اداری و دولتی بپردازند در صورتی که در جامعه اسلامی از قرنهای پیش به این مسئله نظر شده در

مصاحبه با جناتی

حال حاضر مثل مازندران خودمان مگر زنها با مردان دوشادوش هم کار نمی‌کنند؟!

ما هنگامی که در عراق بودیم اصلاً بسیاری از کارها را زنان انجام می‌دادند، البته کارهای بیرونی نه کارهای داخلی خانه در کربلا اصلاً بازارهایی وجود داشت، مخصوص زنها، و در خود نجف اشرف زنان محصولات را خودشان به دست می‌آوردند و آن محصولات زراعی و دامداری را هم ایشان در معرض فروش قرار می‌دادند و گاهی معاملات کلان نیز انجام می‌دادند و اساساً یک جامعه اسلامی مخصوصاً جامعه عربی و جامعه ایرانی خودمان از اول و حتی قبل از اسلام همینطور بود. مرد و زن دو شادوش هم کار می‌کردند.

حالا بحث اخیراً بر سر این است که زن می‌تواند قاضی بشود یا نه، آخر مگر کار فقط در قاضی شدن است تا با هم بجنگیم که اگر یکی گفت زن نمی‌تواند قاضی بشوند یعنی زن را از کار محروم کردیم، مگر کار فقط قضاوت است، کار انواع و اقسام دارد و لذا اساساً اسلام با کارهای بیرونی زن اگر منافاتی با کارهای داخلی منزل نداشته باشد هیچگونه منافاتی ندارد در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرسوم بوده و در زمان ائمه معصوم علیهم السلام مرسوم بوده در تمام دوران تاریخی اسلام در زمان علماء و فقها بوده و هیچگونه ردع و منعی نبوده است و حتی در جنگ‌ها خانمها به عنوان جراح و پرستار در خود زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرکت می‌کردند و مریضهای جنگی را پانسمان می‌کردند. اینطور نبوده که فقط در خانه بنشینند و از خانه بیرون نیایند.

بله، مسئله حسن التَّبَعْلَ یکی از مسائل مهم در اسلام و يك اصل مطرح است یعنی خانمها از لحاظ شوهرداری نیز به بهترین وجهی باید انجام وظیفه بکنند. این نباید جنبه فراموش بشود پس مسئله اینکه زن مثل مرد می‌تواند، کارهای اجتماعی از هر نوع که خواسته باشد انجام بدهد، مگر بعضی کارهایی که از او بر نمی‌آید در اسلام ممنوعی ندارد. مثلاً فرض کنید آهنگری طبعاً زن توان اینک پتک بزرگ برداشته بر آن بکوبد از او بر نمی‌آید...

حالا به این معنی نیست که اسلام منع کرده این مربوط به طبع و توان اوست بالاخره هر کسی کاری انجام می‌دهد بر طبق توان و طبع خودش اصل مسئله و مسئله مهم اختلاط است، اختلاط یعنی زن و مرد کنار یکدیگر باشند اگر چنانچه کار مختلط اشکال داشته باشد در روستا وضع همینطور است. زن و مرد مختلط کار انجام می‌دهند. حالا می‌آییم

روي اصطلاح كار به معنای

مصاحبه با جناتى

امروزى، اگر مانند كارهاي ادارى است يا كارهاي آموزشي اين چه اشكالى دارد يا حتى در مجالس سخنرانى كه زن و مرد با هم شركت مي‌كنند و خطيب مرد باشد براي هر موضوع همين مطلب وارد است. يعنى منعي در اسلام نداريم. در مسئله حج و طواف زن و مرد قاطي و مختلططواف مي‌كنند به ما هيچ دستوري نرسيده كه زنها از مردها در حال طواف جدا باشند.

فقط يك حالت و يك جا است. آنهم خلوت كردن زن اجني و مرد اجني است. يعنى اگريك اتا اداره است و فقط يك مرد جوان و يك زن جوان و كسي ديگري نيست اين خلوت شرعاً حرام است چون يك مرد اجني و يك زن اجني در جايي تنها باشند. سومين نفر آنها شيطان است و اين امر طبيعي است يعنى اگر بنا باشد رئيس اداره تقسيم كار كند بايد كار را طوري تنظيم نمايد. كه يك پسر و يك دختر جوان در اتا خلوت و بي‌مانع نباشند طبق دستور اسلام احتمال عقلاني و طبيعي بر مفسده نبايد باشد، حال در هر سني و وضعي كه باشند، فرض اينكه در يك اتا و يا دربانك يا در كلاس چهار تا خانم و پنج تا مرد کنار هم هستند و يا در هواپيمايي خدمه كه در هواپيماكار مي‌كند چند تا خانم و چند آقا اينها را كسي جلوگيري نمي‌كند نه فقه، نه شرع، نه روايت و نه حديث، جلوگيري ننموده. خود اين اختلاط كه زن و مرد با هم و دوشادوش هم مشغول كار باشند اگر جنبه‌اي كه اشاره شد در كار نباشد همچگونه منع شرعي ندارد و اما يك جهت بايد توجه شود، در قرآن كريم خداوند تبارك و تعالي مي‌فرمايد:

«ولا تبرجن، تبرج الجاهلية الاولى»

خانمها و زنان نباید طوري آشکارا در جامعه حرکت کنند يعني آشکار کردن آن مفاتن، مفاتن يعني چیزهايي که براي دیدن يك جوان موجب فتنه ميشود و کشش جنسي ايجاد ميكند و بينده را به خود جذب ميكند، اسلام گفته اينکار انجام نشود و اين معقول است. چراکه براي خانمهاست و چه منطقي ميتواند از اين عمل که يك خانم خودش را در معرض دید جوان قرار بدهد، دفاع نمايد. خوب خيلي از اين افراد ممکن است متدين باشند و عاقل باشند ولي شيطان که نموده، اگر بخواهند با دیدن خانم به شکلي لذت ببرند آن وقت اين خانمها وسيله اي براي لذت بردن اينها خواهند شد، خود جامعه اينطوري است که اينها خودشان احساس ميكند که اين حالت، حالت ابتذال است جامعه اينرا نميپذيرد، لذا، خيلي از حرکات و سکناتي که از افراد جامعه رخ ميدهد.

مصاحبه با جناتي

از نظر جامعه ما منفور تلقي ميشود و نيازي نيست که ما موضوع را بو و کرنا بکنيم که اينکار بدو زشت است، خود او احساس ميكند اينکار زشت است و عرض کردم آنچه هدف ماست اين است که يك جوان به عنوان يك پايه و اساس براي ساختن جامعه آینده بايد مبتذل نباشد بايد حريم داشته باشد حالا چه دختر و چه پسر الان مبتذل باشد در آینده مبتذلتر خواهد شد ولي اگر الان وقار خودش را حفظ بکند در آینده يك شخصيت خواهد شد. و هيچگاه دانشمندان و انديشمندان بزرگ از اقشار مبتذل بوجود نيامده اند بلکه از اقشار متين و با وقار به وجود آمده اند، در يك سفری که به لندن داشتم به آن دکتری که مرا معالجه ميكرد. هين مطالب را گفتم که شبها تا ساعت 2 تا 3 بعد از نصف شب اين دخترها و پسرهاي جوان مست از کاباره ها بيرون مي ريختند و نعره ميکشيدند فریاد مي زدند يك غوغايي بود در خيابانهاي لندن بعد از نصف شب، تانزديکيهاي سحر و بعد هم مي خوابيدند تا ظهر به آقاي دکتر که پروفيسور خيلي معروف و جهاني بود گفتم اين موضوع که در لندن مي بينم آینده لندن را به عنوان مرکز يك کشور علمي و صنعتي در خطر مي اندازد آن پروفيسور يك آهي کشيد و گفت که چه مي فرماييد، اگر اين دانشجويان خارجي نبودند دانشگاههاي ما خالي بود خوب اين تأسفبار نيست که يك کشور

مثل انگلستان که جای به حساب علم و صنعت جهانی آن روز بود حالا وضعیتش به اینجا کشیده که دانشگاههایش را از دانشجویان خارجی پر کنند این نتیجه مسئله ابتذال است ما با ابتذال مخالف هستیم و با اختلاط مخالف نیستیم. ابتذال چیزی است که خود طرف تشخیص می‌دهد، توجه کردید؟! اگر از خود طرف بپرسید این حالات چه حالاتی است حد وقار است یا حد ابتذال پاسخ آنرا براساس وجدان می‌تواند بدهد. اسلام می‌گوید تو باید با وقار باشی تشخیص با خودت است چون هر انسانی خودش دارای عقل و اندیشه و فکر است و می‌داند این حالات که به او دست می‌دهد ابتذال است و یا حالت وقار...؟!؟

اسلام می‌خواهد افراد با وقار باشند حالا می‌خواهد زن باشد، می‌خواهد مرد باشد، می‌خواهد جوان باشد می‌خواهد پیر باشد. مسئله، مسئله وقار و ابتذال است، مسئله، مسئله این نیست که شخص چه شکلی لباس می‌پوشد و یا چگونه لباس می‌پوشد. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که شما لباس اسلامی را برای ما بیان بفرمایید:

مصاحبه با جناتی

ایشان فرمودند که: اسلام راجع به لباس ایده خاصی ندارد.

«خَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ»

بهترین لباس از نظر اسلام لباس همان دوره و همان عصر می‌باشد یعنی دوره و عصر چه لباس می‌پوشند همان لباس را اسلام پسند کرده پس معلوم می‌شود که اسلام با حرکت زمان پیش می‌رود توجه کردید، اسلام دین قشری نیست یک دین همود نیست، اسلام با پیشرفت تمدن و پیشرفت علم و صنعت مخالف نیست. اما در مسئله وقار و ابتذال اسلام سخت

روي آن حساب مي‌کند. مسئله اين نيست که ما به جوان بگوييم چطور لباس بپوش يا لباس نپوش اين تشخيص خودش است اگر مي‌بيند اينطور لباس پوشيدن ابتذال است بداند اسلام منع کرده و اگر ديد نه لباسي است که وقار او را حفظ مي‌کند بداند، اسلام هم به آن دستور داده است. حالا مي‌خواهد آن لباس قبا، عبا، لباده، جبه و يا کت، شلوار باشد مي‌خواهد هر چه باشد اين مسئله‌اي نيست. بلکه مهم وجود وقار و آقامنشي در جوان ما است.

© با اين بيانات جنابعالي تقريباً برخي از سئوالات ما را توضيح داديد اما يك مسئله‌اي که براي من مطرح بود آن است که هم اينک در جامعه جهاني ارتباطات به گونه‌اي است که حتي از شکل دهکده جهاني تبديل به کلبه جهاني شده يعني الان ما مي‌توانيم در خانه با همه جهان بدون اينکه هيچ منعي در مسير باشد ارتباط برقرار کنيم، ورود مد و مدلهاي مختلف هم به ناچار از همين طريق قطعي است و با توجه به آن مسئله که اسلام به دنبال شخصيت خواهي و شخصيت‌طلبي يك انسان است تا او را به عنوان انسان متعالي معرفي بکند و به سوي خدا ببرد و از طرف ديگر هم نمي‌خواهيم چوب از تحجر بخوريم! و بايد در جامعه جهاني شخصيت خویش را حفظ نماييم در نتيجه با توجه با اينکه ما روحيه تنوع‌طلبي داريم و مي‌خواهيم با جهان ارتباط داشته باشيم اگر خواهيم با مد و مدگرایی برخورد مناسب داشته باشيم آيا بهتر اين نيست خودمان مدسازي کنيم قبل از آنکه آنها به ما مدی بدهند تا ما را به ابتذال بکشند يا نه اصلاً بايد با اينها ارتباطي نداشته باشيم؟ (منظور از مد، مد صورت و مد

مصاحبه با جناتي

لباس و اينها مي‌باشد).

ما اساساً خودمان در يك دوران زيادي چند قرن الگو بوديم براي جهان مثلاً دولت فرانسه هيئت به کشورهای اسلامي مي‌فرستد تا مسئله نظافت خيابانها و نظم در شهرداري و مانند آنرا بيانند يك مطالعه بکنند و بروند پياده بکنند و بعد که اين هيئت برگشتند و در فرانسه بنا کردند به فعاليت از جمله آنها تنظيم خيابانها بود

که اعتراض کشیشها بلند شد مانند اینکه شما دارید به حساب حال می‌گویید غربزدگی آنها (کشیشها) شرزدگی می‌گفتند و به اصطلاح آنرا تهاجم فرهنگی نامیدند و جلوی نظافت خیابانها را گرفتند به این بهانه این که تشابه به مسلمانان است ببینید ما می‌گوییم که:

«و بشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»

هر متدی نه مد بلکه هر پیشنهادی که برای عمران و آبادانی و پیشرف حیات اجتماعی از هرملتی و از هر گروهی چه مسلمان و چه غیر مسلمان پیشنهاد بشود اگر چنانچه با مبادی و مبنای اصولی و اصیل ما که عبارتند از اسلامی و ملی برای مسلمانان ایرانی، تعارض نداشته باشد، بدون اینکه فراموش کنیم ایرانی و مسلمان هستیم با آنها مخالف نبوده بلکه باید با دنیا هماهنگ باشیم و آلا از قافله عقب می‌مانیم. می‌توانیم بهترین مدهای لباسها را تقلید کنیم و بپوشیم اما ضرورتی ندارد که سر و گردن تخت و عریان باشد به دلیل اینکه در همان لندن و یا کشورهای اروپایی بودایی‌ها با لباس خاص خودشان حرکت می‌کنند و اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند. یعنی کسی به آنها نگاه نمی‌کند اما یک زن ایرانی از لباس سنتی خود خجالت می‌کشد. یک دستمال روی سرش بیندازد. حال می‌پرسید چرا آن خانم بودایی خجالت نمی‌کشد؟ چرا چون نمی‌خواهد مقدمات ملی و دینی خود را از دست بدهد. و دنیا آنرا تحسین می‌کند یک سفر که با عده‌ای اهل علم دعوت بودیم برای مناظره در شهر بیرمنگام انگلستان آنجا داخل فرودگاه به ما گفتند که لباسهایتان را عوض کنید گفتیم نه بنده و آقای جناتی عوض نکردیم ولی بقیه عوض کردند؛ به مجرد اینکه وارد فرودگاه شدیم چون اوایل انقلاب بود و خطر وجود منافقین هم جدی بود به ما گفتند ممکن است کاری بکنند ما گفتیم نمی‌توانند کاری بکنند در آنجا به‌طور احسن استقبالی از ما دو نفر شد و زودکارمان را راه انداختند در همین ایران یکی از دوستان ما که یک مطلب را از من شنیدند.

مصاحبه با جناتی

(ایشان خارج زیاد می‌روند و خودشان هم از اتباع خارجی هستند). ایشان می‌گفتند وقتی که در سفارت‌های خارجی کانادا و آمریکا برای ویزا گرفتن با لباس مبدل می‌رفتم بدون عمامه خیلی مرا اذیت می‌کردند و بعد از اینکه ماجرای شما را شنیدم همین سفر تازه‌ای که انجام دادم با لباس‌رفتم می‌گفت چنان از من استقبال کردند در حالی که کار هم گیر داشت و اشکال خودشان کارم راحل کردند با کمال احترام و فوریت که تعجب کردم و آن وقت فهمیدم که شما وقتی می‌گویید این لباس همه جا احترام دارد و یعنی عملاً فهمیدم همین است (چرا که خودمان احترام می‌گذاریم...؟!) بله، به شرط اینکه خودمان به یکدیگر احترام بر اساس مبانی ملی و دینی داشته باشیم و بنده با همین لباس خارج رفتم و همه جا دیدم که بر این لباس حساب باز می‌کنند و احترام می‌کنند بالاخره مردم دارای عقل و فهم و شعور هستند. معیار توده مردم و اکثریت قاطع مردم است اکثر قاطع مردم چیز فهمند عاقلند و حرمت قائل هستند برای افراد، انسانها در هر کیش و هر مذهب و مسلک و هر لباسی باشند نباید خودباخته باشند. ما خودباختگی را نمی‌پذیریم «مانتخاب احسن را توصیه هم می‌کنیم».

© به عنوان آخرین سؤال لطف فرموده در مورد موسیقی حلال و حرام مطلبی را بیان دارید؟

موسیقی در هر شکلش اشکال ندارد. ملاک موسیقی در محتوای آن است اگر مفسده آمیز نبوده و دارای محتوای مستهجن نباشد هیچ اشکالی ندارد که برای تفصیل مطلب به مقالات نوشته شده خودم شما را ارجاع می‌دهم.

با تشکر و سپاس فراوان از استاد گرانقدر و بزرگوار که وقت خود را در اختیار ما قرار دادند، امیدواریم عالمی همچو ایشان روز به روز بر تعدادشان افزوده شود انشاء... .

نظرات آية... موسوي اردبيلي

نظرات آية... موسوي اردبيلي (مدظله)

طي ملاقاتي با حضرت آيت الله موسوي اردبيلي كه عمر خود را در راه خدمت به اسلام و تحصيل علوم ديني و مباحث فقهي صرف نموده و يار صديقي براي حضرت امام(ره) و انقلاب اسلامي ايران نيز محسوب مي شود، سؤالاتي را در محضرشان مطرح نموديم اما با توجه به كسالات مزاجي كه داشتند پاسخ سؤالات را كتبا در اختيار ما گذاشتند.

اميد داريم خداوند به ايشان و ديگر عالمان دلسوز شيعه سلامتي عاجل عنايت فرمايد.

' جوان و نوجوان را دين چگونه ارزيابي و ارزشگذاري مي نمايد؟

دين بويژه دين جامع و كامل اسلام براي انسان شخصيت والايي قايل است و او را اشرف مخلوقات و خليفه خداوند مي داند. جوان و نوجوان در اين ميان ارزش ويژه اي دارد؛ چه آنكه داراي قلب سليم و روي پاك است و از نشاط ديني و عبادي خاصي مي تواند بهره مند باشد و باتلاش علمي به دين و جامعه مؤمنين خدمت نمايد.

' نسل جوان امروز را چگونه مي بينيد؟

جوان امروز شیفته دین ولی با قرائت مورد تأیید خرد و نوع سمحه و سهله آن است و دین اسلام چنانکه پیامبر خدا(9) فرموده است، شریعت سمحه و سهله است. جوان دارای فطرتی پاک، قلبی سلیم و نورانی است، چه آنکه: «کَلَّ مَوْلِدٌ يَوْلِدُ عَلِيَّ الْفَطْرَةَ» و از حقیقت پیروی می‌کند و دین که مجموعه‌ای از حقایق است، غایت مطلوب و مراد اوست.

چه پیشنهاد عملی در خصوص ارتباط مشروع میان دختران و پسران جامعه ما دارید؟

این مسأله نیازمند کار کارشناسی عمیق توسط کارشناسان ارشد علوم تربیتی و معلمان واقعی اخلا است افزون بر اینکه باید پیرامون ضرورت آن نیز اندیشه شود.

مصاحبه با جناتی

آیا پوشیدن پیراهن آستین کوتاه و لباسهای تنگ برای پسران، و مانتو و روسری در مدل‌های گوناگون برای

خانمها منع شرعی دارد؟

اسلام منحصر در احکام فقهی نیست که تنها از تکالیف پنجگانه آن یعنی وجوب، حرمت، اباحه، استحباب و کراهت سخن به میان آید و در مسأله‌ای درصدد یافتن منع یا جواز شرعی باشیم، بلکه از افتخارات اسلام اینست که احکام را با اخلا درآمیخته است و توجه به اموراخلاقی بخش مهمی از قرآن کریم، روایات وارده از معصومان(ع) و در نتیجه معارف دینی را شکل می‌دهد. از این رو شایسته است جوانان عزیز فارغ از جواز و عدم شرعی به این امور نیز توجه نمایند. نوع پوششی که برای پسران عنوان کرده‌اید، منع شرعی ندارد و در مورد دختران نیز مهم

رعایت حجاب شرعی است و از نگاه شرع نوع، شکل و رنگ خاصی توصیه نمی‌شود و باید توجه داشت که نوعی انتخاب شود که با شأن، شخصیت، ابهت و وقار جوان مسلمان منافات نداشته باشد و با اخلاقیات دینی جامعه و عرف جامعه مؤمنان سازگار باشد. جوان عزیز باید نیک‌بداند آنچه که برای وی افتخار و ارزش می‌آفریند، دینداری و خردورزی و پیروی از الگوهای دینی و دفاع از ارزش‌های اسلامی و صدا البته با قرائن صحیح آن.

در خصوص آراستن مو و صورت براساس مد و ارائه آن در سطح جامعه نظر خود را بیان دارید؟

آراستن موهای سر و محاسن نه تنها بلامانع است بلکه امری است مطلوب ولی نه براساس مدهایی که خلاف شأن و وقار جوان مسلمان است.

حدود، دلیل و اصول پوشش اسلامی برای مردان و زنان را بیان فرمائید؟

زن باید به جز صورت و دست‌ها، سایر اعضاء خویش را از نامحرم بپوشاند و هیچ محدودیتی در نوع، شکل و رنگ آن وجود ندارد. صدا البته چادر حجاب ملی است که علی‌الغالب از آن بنحو مناسبی استفاده می‌کنند و پوشش مناسبی است و این تکلیف حجاب یعنی پوشاندن بدن مخصوص زن است. زن باید مفاتن خود را از دید مرد اجنبی مستور نماید و این حکمی است که آیات قرآن کریم بر آن دلالت می‌کند و مرد چنین تکلیفی ندارد و دلیل آن این است که سر تا پای زن جزء مفاتن است و ناظر مرد با دیدن آن تحریک می‌شود و دین به سلامت اخلاقی جامعه توجه

مصاحبه با جناتی

خاصي مبذول مي‌دارد و نمي‌پسندد و اجازه نمي‌دهد زمينه‌هاي فساد فراهم گردد. البته چنانکه پيش‌تر گفتيم دين بدان معنا نيست که مرد اخلاقاً هم مکلف به پوشش مناسب نباشد بلکه به اصول اخلاقي پايبنده باشد و حرف و عادات اخلاقي جامعه اسلامي را رعايت نمايد.

درباره نگاه کردن مرد به زن و بالعکس و نگاه به غريبه توضيحي بفرمائيد؟

از دیدگاه اسلام زن و مرد بايد از نامحرم غصّ نظر نمايند و در اين مسأله يکسانند، يعني هر دو بايد غصّ نظر کنند. به طور اجمال مي‌توان گفت:

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است، يعني به هيچ روي مرد حق ندارد به بدن زن بنگرد.

نگاه کردن مرد به صورت و دست زن بدون قصد لذت اشکالي ندارد ولي با قصد لذت قطعاً حرام است.

آيا جدا کردن زنان از مردان در سطح جامعه نظر قطعي دين اسلام است؟

اصل جدا کردن زنان از مردان نظر اسلام نيست، آنچه که اسلام بدان توجه دارد پاک نگاه داشتن محيط و از بين بردن زمينه‌هاي ناهنجاري اخلاقي است، بنابراین اگر چنين خوفي وجود نداشته باشد، اختلاط همراه با رعايت موازين اسلامي بدون مانع است.

آيا اسلام رنگ خاصي (تيره يا سياه) را براي پوشيدن و آراستن خود و جامعه سفارش نموده است؟

اسلام به اصول و قواعد كلي ارزشي توصيه فرموده است. اسلام به بهداشت و رعايت اصول آن توجه خاصي مبذول داشته است و به همین جهت لباس سفید که بهداشت را بهتر تأمین می‌کند، مطلوب‌تر است و لباس تیره یا سیاه چندان مطلوب نیست. باري به منظور نمایش گذاشتن سوگ ناشی از شهادت اولیاء الله و گرامیداشت شعائر الله در ایام شهادت یا وفات اولیاء دین، پوشیدن آن مطلوب است.

آیا مد، مدگرایی و مدسازی مغایر با مبانی و ارزشهای دینی است؟

در مدگرایی باید به اصول و معیارهای ارزشی اسلام و عرف جامعه مؤمنان و نظم اخلاقی

مصاحبه با جناتی

حاکم بر آن توجه داشت و جوان در مدگرایی هرگز نباید تقوای الهی و نیز خردگرایی و همچنین شخصیت و هویت، ابهت و وقار خود را از یاد ببرد. هدف از مد و نتیجه آن نیز حائز اهمیت است.

کف زدن و سوت کشیدن از نظر جناب عالی چه حکمی دارد؟

اگر در مقام تشویق صورت گیرد، مانعی ندارد، اگرچه بهتر آنست که از ابزار مناسبتری برای آن استفاده شود. خردمندان نیز کار بیهوده را مردود می‌شمارند، بنابراین اگر کار بیهوده‌ای تلقی شود، پسندیده است که از آن پرهیز شود.

مسأله موسیقي و تشخیص حلال از حرام آن تاکنون حل نشده و خود یکی از مسائل مطرح برای جوانان ما

می‌باشد، برای روشن شدن مطلب توضیحی بفرمائید؟

هرآنچه که انسان را از یاد خداوند بزرگ غافل کند، مردود است. موسیقي مبتذل نیز از این دست است. آن نوع موسیقي که در مجالس لهو و لعب مورد استفاده قرار می‌گیرد و طبعاً انسان رامستغر در لذات غیرمشروع می‌کند و سخت از یاد خدا غافل می‌سازد و خود می‌تواند مقدمات برخي از ناهنجاری‌ها گردد، قطع " مجاز نیست. طبعاً جوانان عزیز با فطرت و سرشت پاک و خردناب خویش به آسانی درمی‌یابند که موسیقي‌های دارای محتوای نامشروع جایز نیست و با کرامت‌انسان ناسازگار است. اگرچه ما استفاده از همه نوع موسیقي را منع نمی‌کنیم اما به جوانان عزیز توصیه می‌کنیم از شنیده صوت آهنگین قاریان قرآن کریم غفلت نورزند و ضمن انس با قرآن و قرائت مرتل قرآن، نوای دلنشین قرآن را با گوش ظاهر و گوش دل بشنوند که در روز واپسین گفته می‌شود: «اقرأ وارقأ».

با تشکر و قدردانی از ایشان

استفتاء از آية... مكارم شيرازي

استفتاء از آية... مكارم شيرازي (مدظله)

آنچه مي‌خوانيد متن سنوالاتي است كه در بدو امر قصد داشتيم طي مصاحبه‌اي از محضر آية‌العظمي مكارم شيرازي كسب فيض كنيم اما با مراجعات مكرر و عدم دسترسي براي ملاقات با ايشان به صورت استفتاء از طريق دفتر معظمله سنوال شد كه تقديم مي‌گردد، البته پاسخ به استفتاء قطعاً جايزين يك مصاحبه واضح و شفاف و راهگشا براي جوانان ما نخواهد بود، اميدواريم در آينده بتوانيم ملاقاتي حضوري باشخص ايشان داشته و كسب فيض نمايم.

1- جوان و نوجوان رادين چگونه ارزيابي و ارزشگذاري مي‌نمايد؟

از نظر اسلام ارزش همه انسان‌ها به ميزان تقوي و تدین آنهاست ولي از آنجا كه جوانان و نوجوانان عزيز در سني هستند كه هم عبادات و طاعات آنها و هم توبه و بازگشتشان به سوي خداوند ارزش خاصي دارد و مبدأ هرگونه حرکت در جامعه هستند، جاگاه ويژه‌اي در اسلام دارند.

2- نسل جوان امروز را چگونه می‌بینید؟

در صورت رعایت آنچه در بالا گفته شد انشاء الله موفق خواهند بود و تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد آنها در طریق اسلام از هیچ ایثار و فداکاری مضایقه ندارند.

3- چه پیشنهاد عملی در خصوص ارتباط مشروع میان دختران و پسران جامعه ما دارید؟

ارتباط عادی و عمومی در حدود آنچه در دانشگاهها یا مجالس مذهبی دیده می‌شود که در حد برنامه‌های تحصیلی و توأم با اصول عفت است مانعی ندارد ولی ارتباط خصوصی تنها در صورتی میسر است که رابطه زوجیت در میان آنها برقرار باشد.

استفتاء از آیه... مکارم شیرازی

4- آیا پوشیدن پیراهن آستین کوتاه و لباسهای تنگ برای پسران و مانتو و روسری در مدل‌های گوناگون برای خانمها منع شرعی دارد؟

جوانان و نوجوانان باید از پوشیدن لباس‌هایی که سبب تحریک شهوت و مفساد خاصی می‌شود پرهیز کنند.

5- حدود، دلیل و اصول پوشش اسلامی برای مردان و زنان را بیان فرمائید؟

بر زنان و دختران واجب است که تمام بدن به استثنای گردی صورت و دستها تا مچ را ازناحرم بپوشانند و این مقدار به هر وسیله مناسبی پوشیده شود کافی است ولی چادر، حجاب برتراست و بر مردان و پسران نیز لازم است بدن خود را در حدود آنچه معمول است، بپوشانند.

6- درباره نگاه کردن مرد به زن و بالعکس و نگاه ریه توضیحی بفرمائید؟

نگاه آنها به یکدیگر اگر به قصد لذت بوده باشد جایز نیست و منظور از ریه آن است که انسان ترس از واقع شدن در گناه داشته باشد هرچند تصور می کند قصد لذت نیز ندارد.

7- آیا جدا کردن زنان از مردان در سطح جامعه نظر قطعی دین اسلام است؟

در مواردی که منشأ فساد می شود جایز نیست.

8- آیا اسلام رنگ خاصی (تیره و یا سیاه) را برای پوشیدن و آراستن خود و جامعه سفارش نموده؟

رنگ خاصی در لباس زنان و مردان شرط نیست ولی بی شک رنگهای سنگین مناسبتر است و رنگهای تحریک آمیز اشکال دارد.

استفتاء از آية... مكارم شيرازي

9- آیا مد، مدگرایی و مدسازی مغایر با مبانی و ارزشهای دینی است؟

اگر منظور از مد تنوع در دو نوع لباسها، ساختمانها و سایر وسایل زندگی است اشکالی ندارد مشروط بر اینکه به اسراف و تبذیر منتهی نشود و به صورت مشروع از آن استفاده گردد و تقلید از شعارهای خاص اجانب در آن نباشد.

10- کفزدن و سوت کشیدن از نظر جنابعالی چه حکمی دارد؟ و چرا؟

این کار ذاتاً اشکالی ندارد ولی با توجه بر اینکه کار سبکی است بهتر است ترك شود و در مجالس دینی و اماکن مذهبی باید از آن پرهیز شود.

11- مسئله موسیقی و تشخیص حلال از حرام آن تاکنون حل نشده و خودیگی از مسائل مطرح برای

جوانان ما می باشد برای روشن شدن مطلب توضیحی بفرمائید؟

کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف عام خواهد بود.

